

وزارت تعلیم و تربیه
ریاست تألیف و ترجمه

riyk str weg

719

دری

صفاؤل



کابل - ۱۳۷۰

مقدمه

کتاب درسی صنف اول، که اکنون در دسترس شما قرار دارد، محصول کار عده‌ی بی‌از
مؤلفان مجرب بوده، که برای مدتی مورد استفاده مکاتب قرار داشت، ولی بعد از آن کتاب
دیگری جای آن را گرفت. اخیراً بنا بر تجویز مقام محترم ریاست جمهوری جناب بر شی مصالحه علی
در نصاب تعلیمی مکاتب تفسیراتی به میان آمد. با در نظر داشت اصل فوق قرار بر آن شد،
تا کتاب اولی مورد تجدید نظر قرار گیرد. همان بود که ریاست تألیف و ترجمه کیسینی مشتمل
بر کاندید اکادمیسین پوهاند دکتر الهام عضو اکادمی علوم افغانستان، سلطان غیر سلطان
عضو دیپارتمنت زبان و ادبیات درسی و محمد آصف معاون ریاست تألیف و ترجمه را
برگماشت تا در بر آوردن این مأمول مساعدت کنند. آنان در اصلاح و تعدیل این کتاب
سعی و تلاش کافی و فراوان به خرج دادند، تا کتاب مورد نظر به شکل موجود آماده طبع
شد، که به نظر ما کتاب سودمند و مفیدی می‌باشد.

ریاست تألیف و ترجمه حجتی و سعی تلاش این کمیسیون را به دیده قدر نگرسته و
ارزومند است کارشان در راه تعلیم و تربیت اولاد کشور شمر شمر واقع گردد.

عبد الشکور حمیدی
رئیس تألیف و ترجمه

دکتر الهام
رئیس تألیف و ترجمه

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد

خلایا توانا و داناستی

به کاری که خواهی تواناستی

عطا کن به ما دانش و دین و داد

که باشیم جمله به دارین شاد

نعت

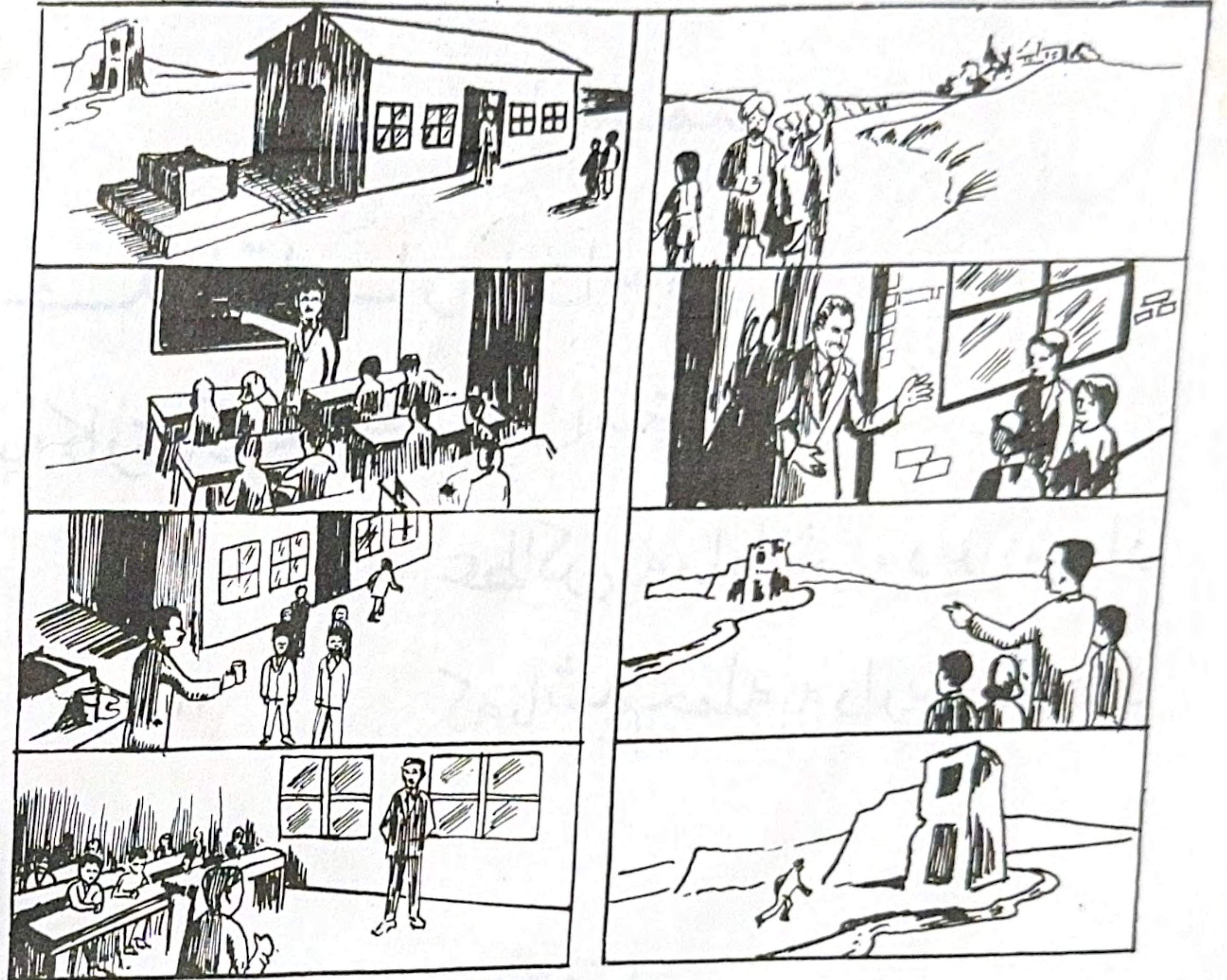
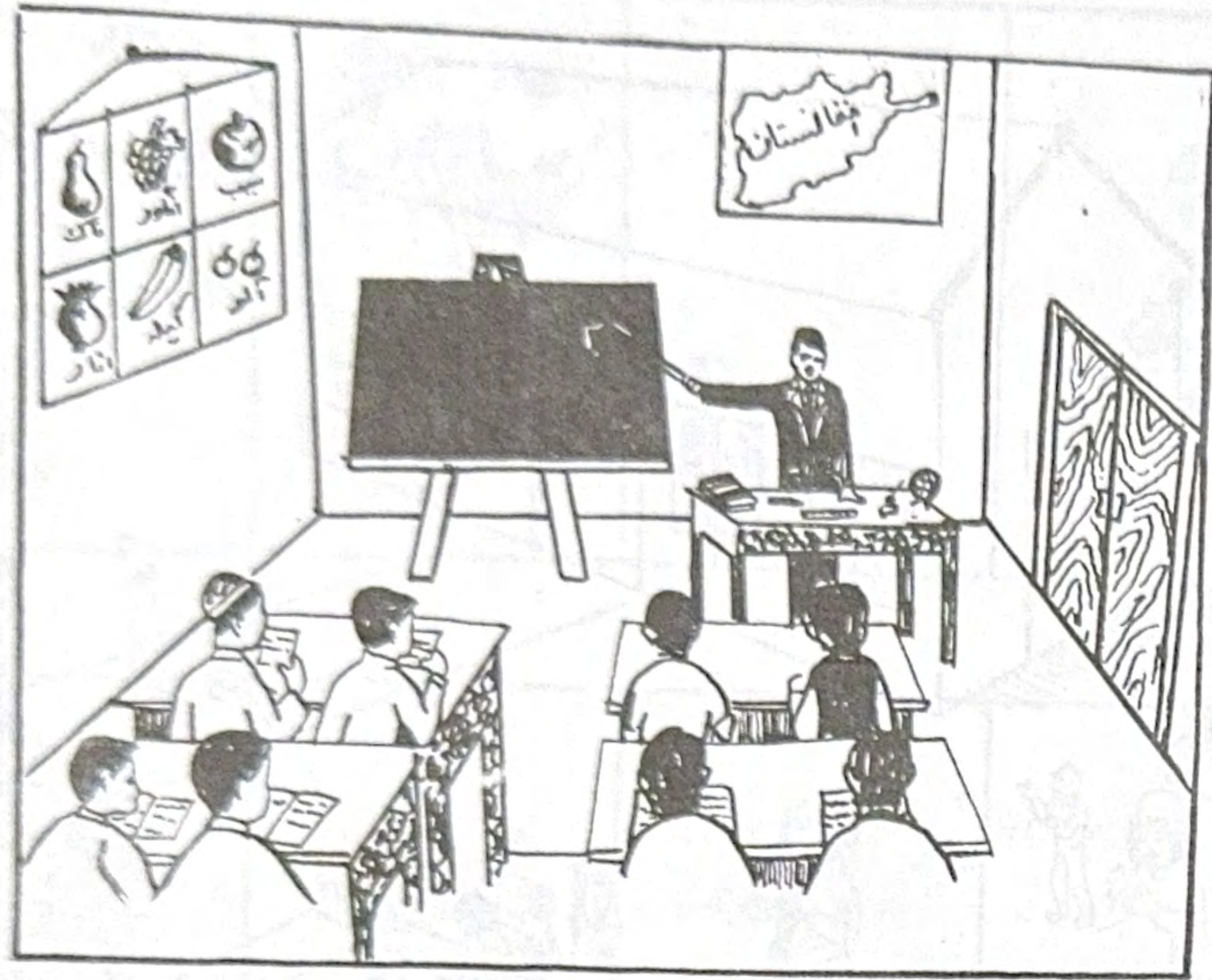
محمد بود رهنمای بشر سوی خیر و نیکی بود راهبر

به ارشاد او پای بندیم ما به مهرش رها از گزندیم ما

مقدمه

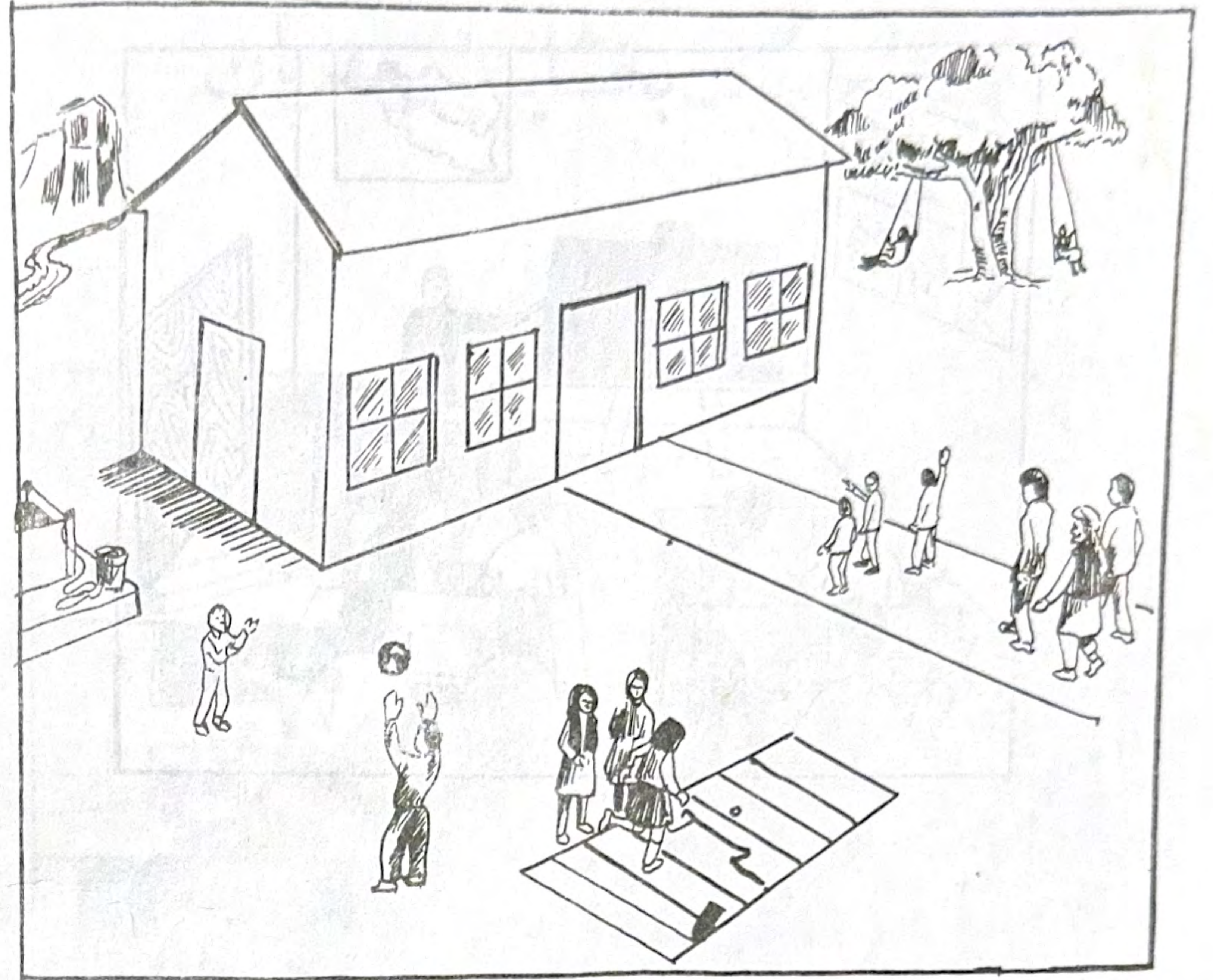
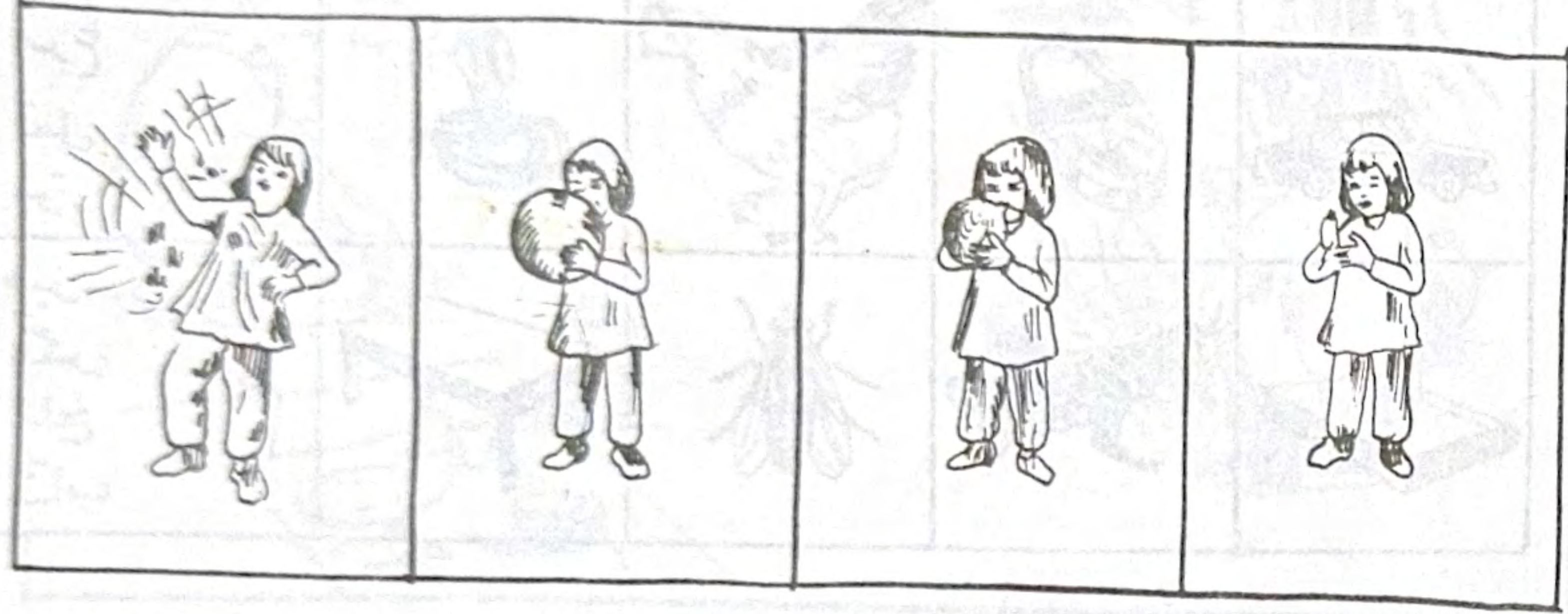
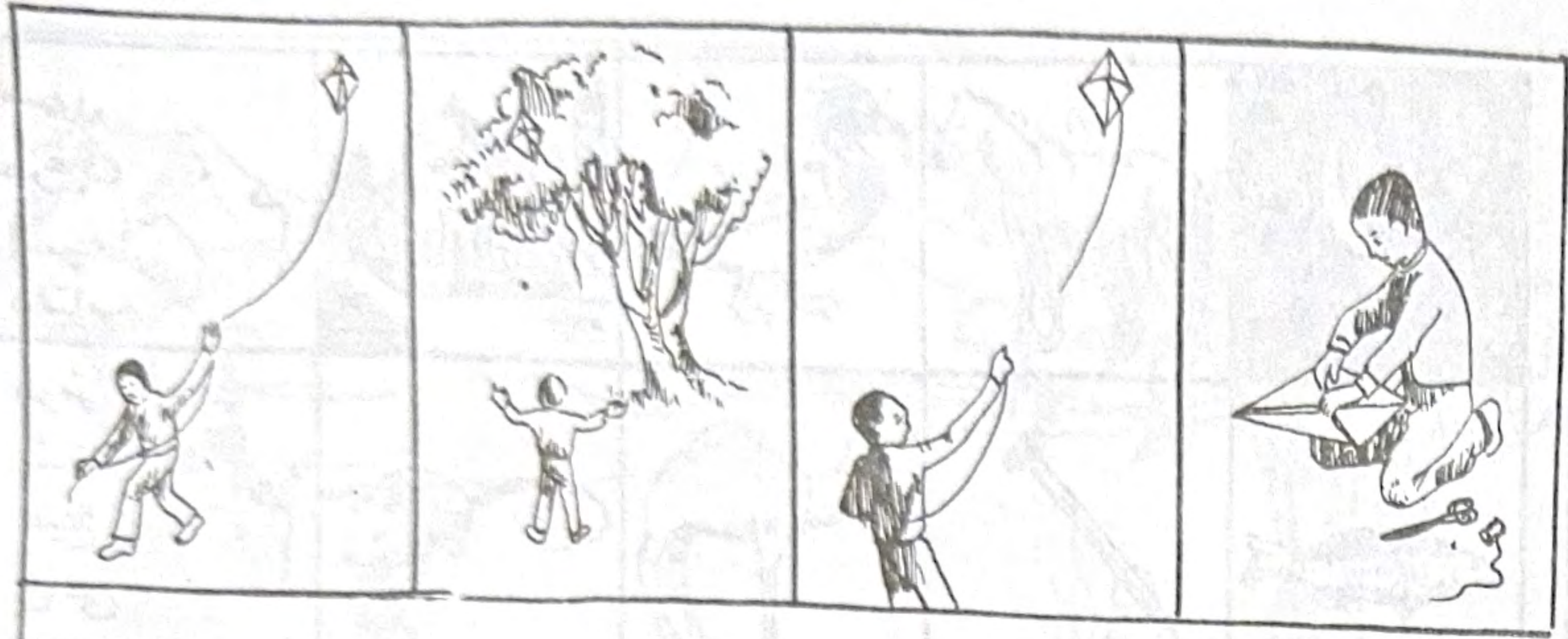
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خلائقنا
وخلایا توانا و داناستی
به کاری که خواهی تواناستی
عطا کن به ما دانش و دین و داد
که باشیم جمله به دارین شاد
محمد بود رهنمای بشر
سوی خیر و نیکی بود راهبر
به ارشاد او پای بندیم ما
به مهرش رها از گزندیم ما

به نام خدای بخشايند و مهربان



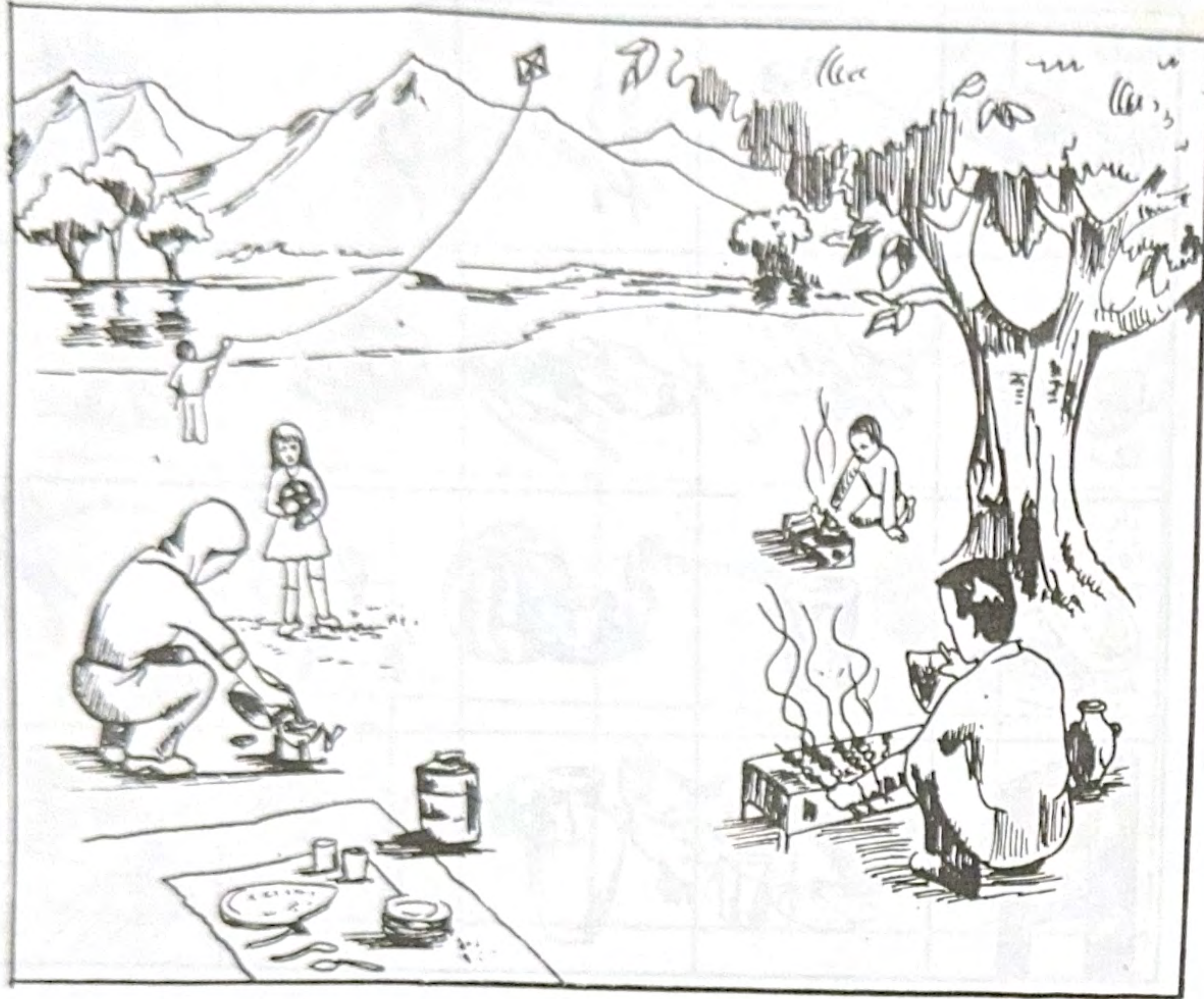
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم



Handwriting practice lines with the Chinese character '下' (xià) for tracing. The character is shown in three forms: a solid outline, a dashed outline, and a solid black fill.

Handwriting practice lines with the Chinese character '上' (shàng) for tracing. The character is shown in three forms: a solid outline, a dashed outline, and a solid black fill.























				م مسیح مرغابی اسب مهتاب
				م موش سنگ میخ ماهی
				م مار مرغ قفل موتور
				م میز مگس ملخ کتاب

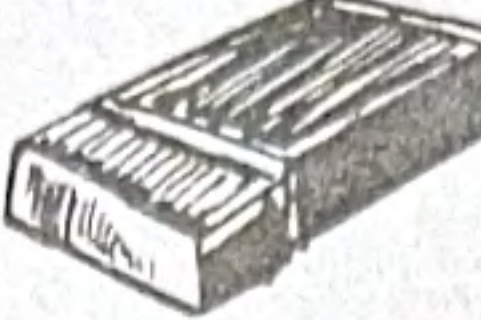






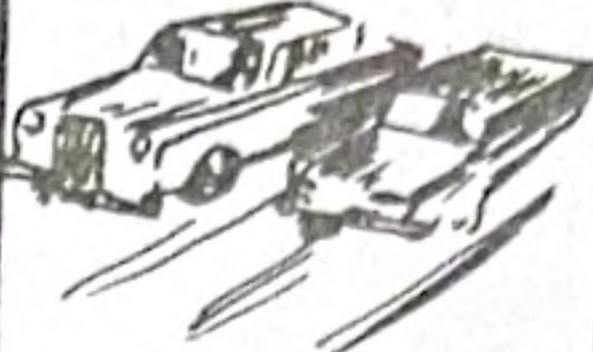












ه ه ه

ب ب ب

ل ل ل





















س س س

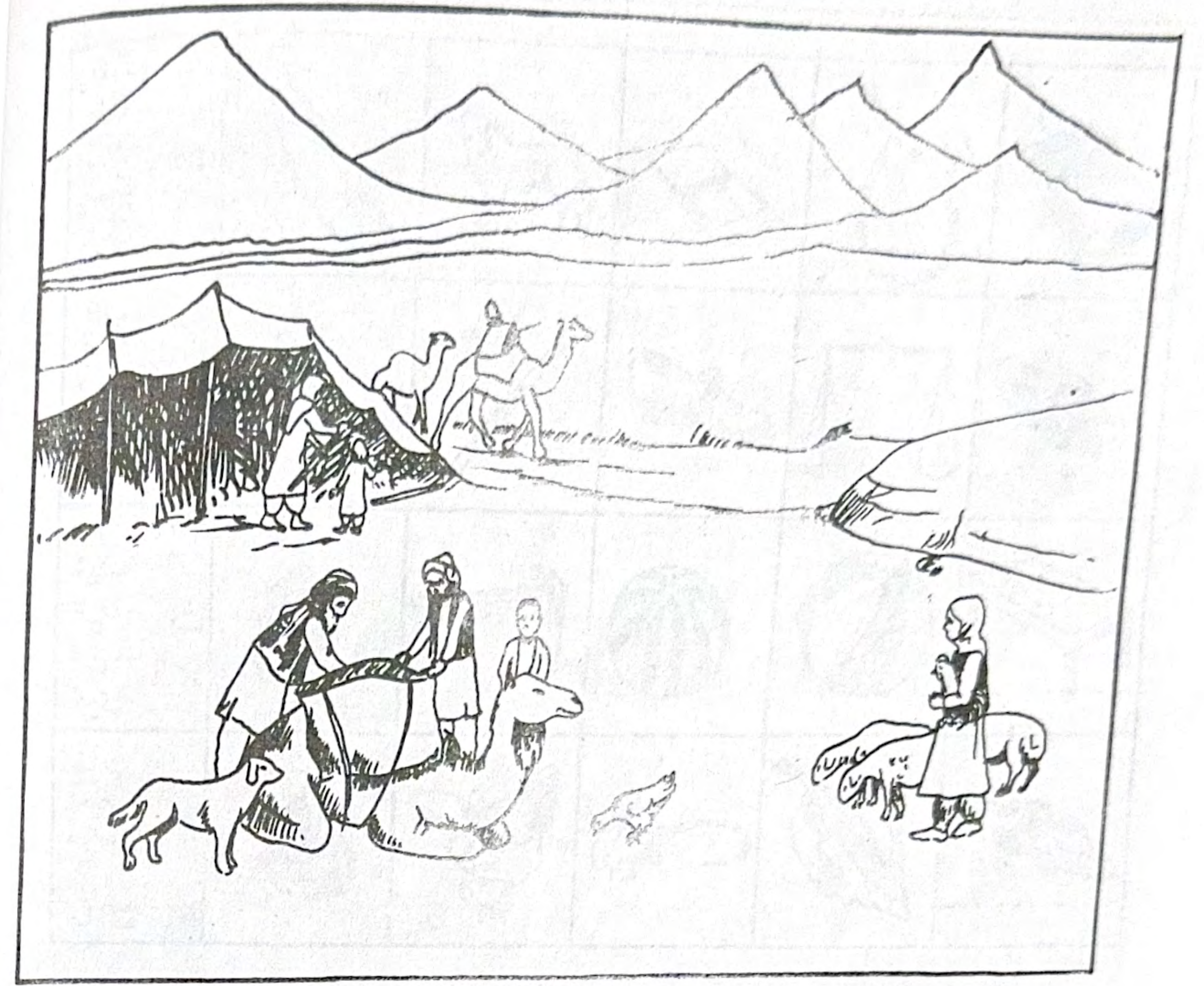
					ت تنگ تنگ تنگ تنگ
					ت ت ت ت ت
					ت ت ت ت ت
					م م م م م

Handwriting practice lines with the Persian letter 'v' (vav) written in a cursive style.








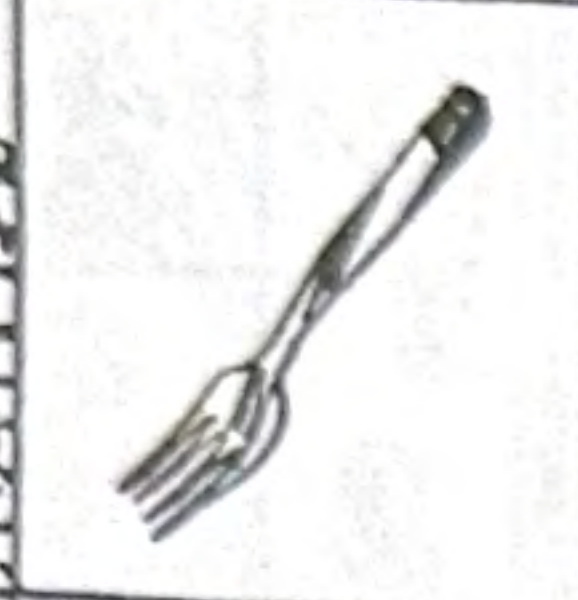
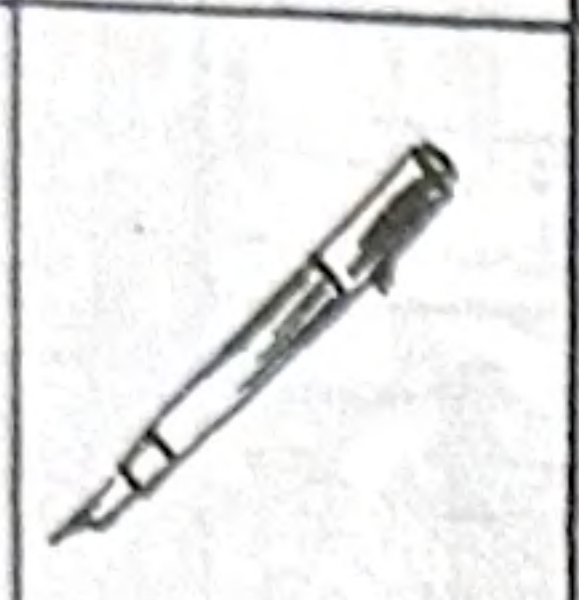
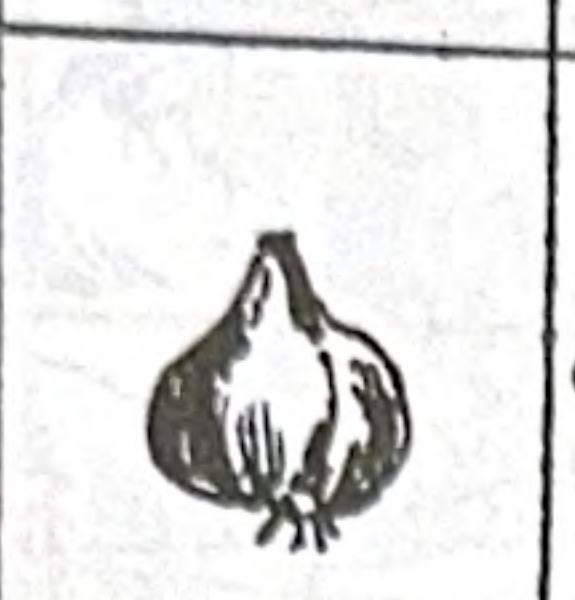









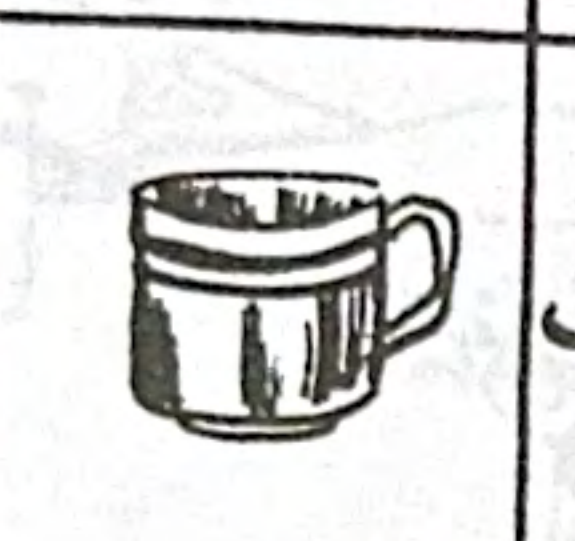
Handwriting practice lines with the Persian letter 'y' (yay) written in a cursive style.



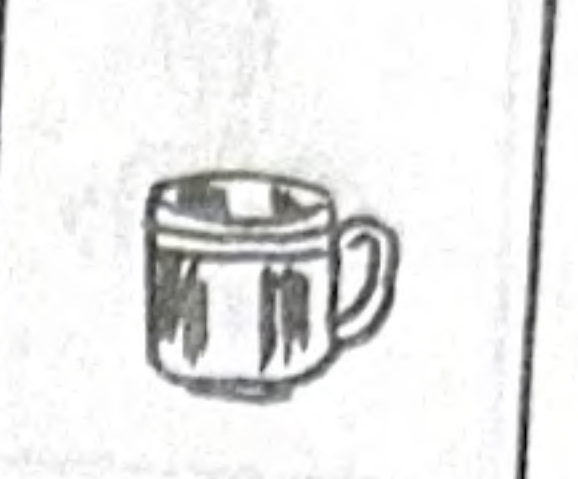




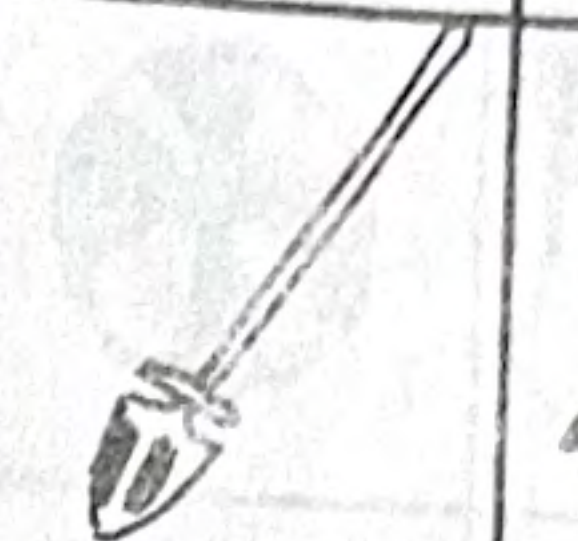
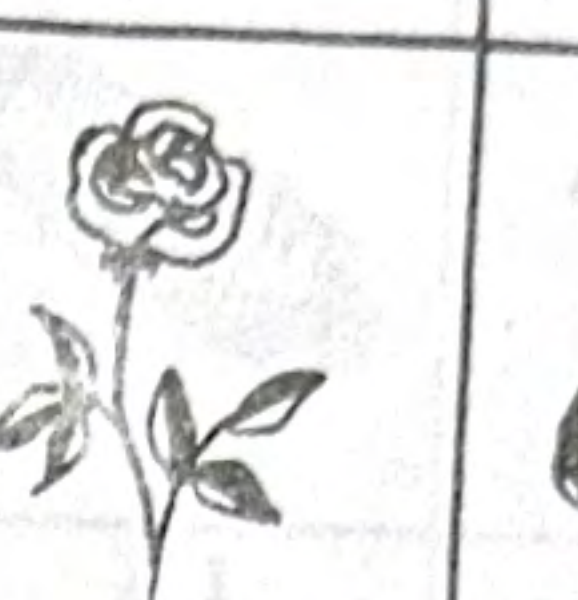
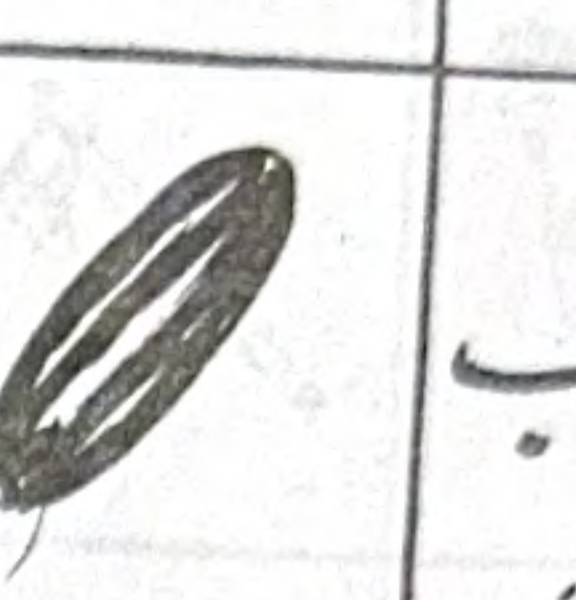


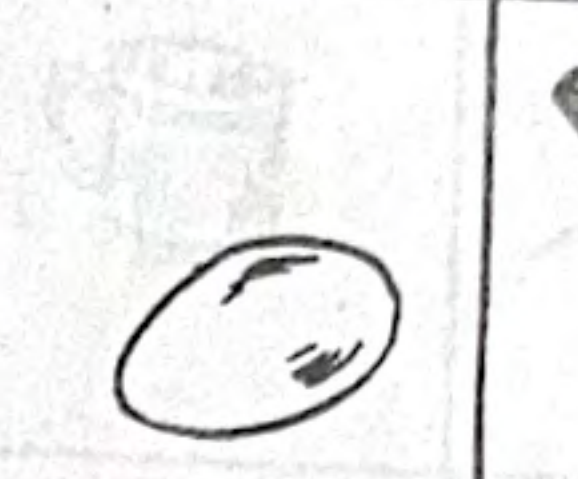

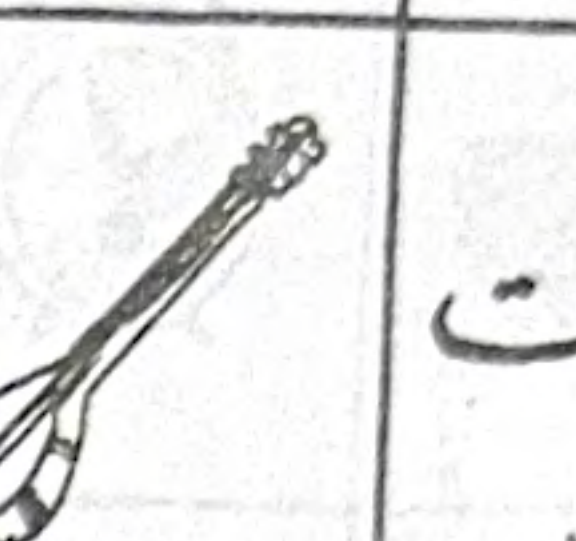


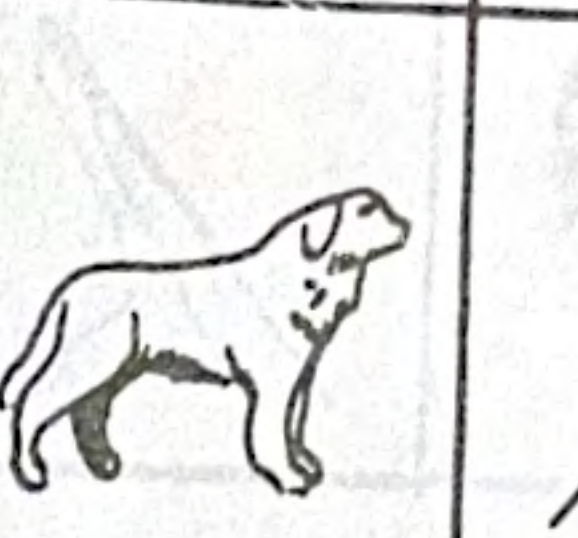
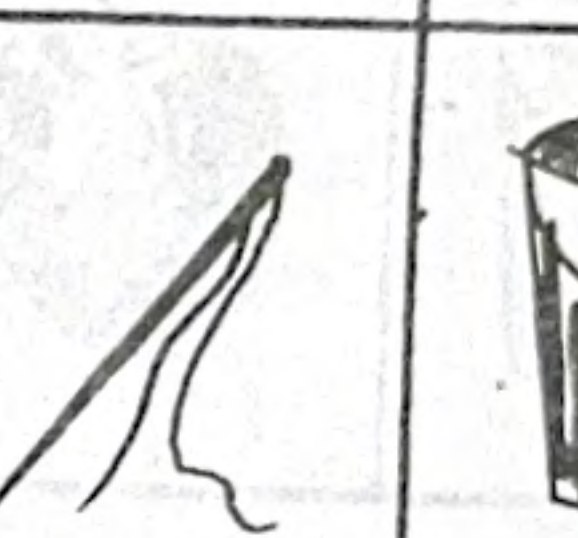
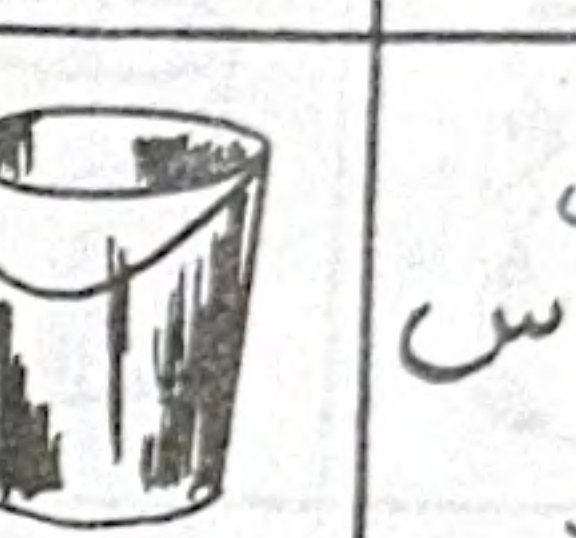
					مرغابی مار مگس شتر موتر
					تربوز توپ تار تبد مرغ
					سگ پیاله ستاره ساعت سبد
					سماوار سوزن سیب ستن جراب

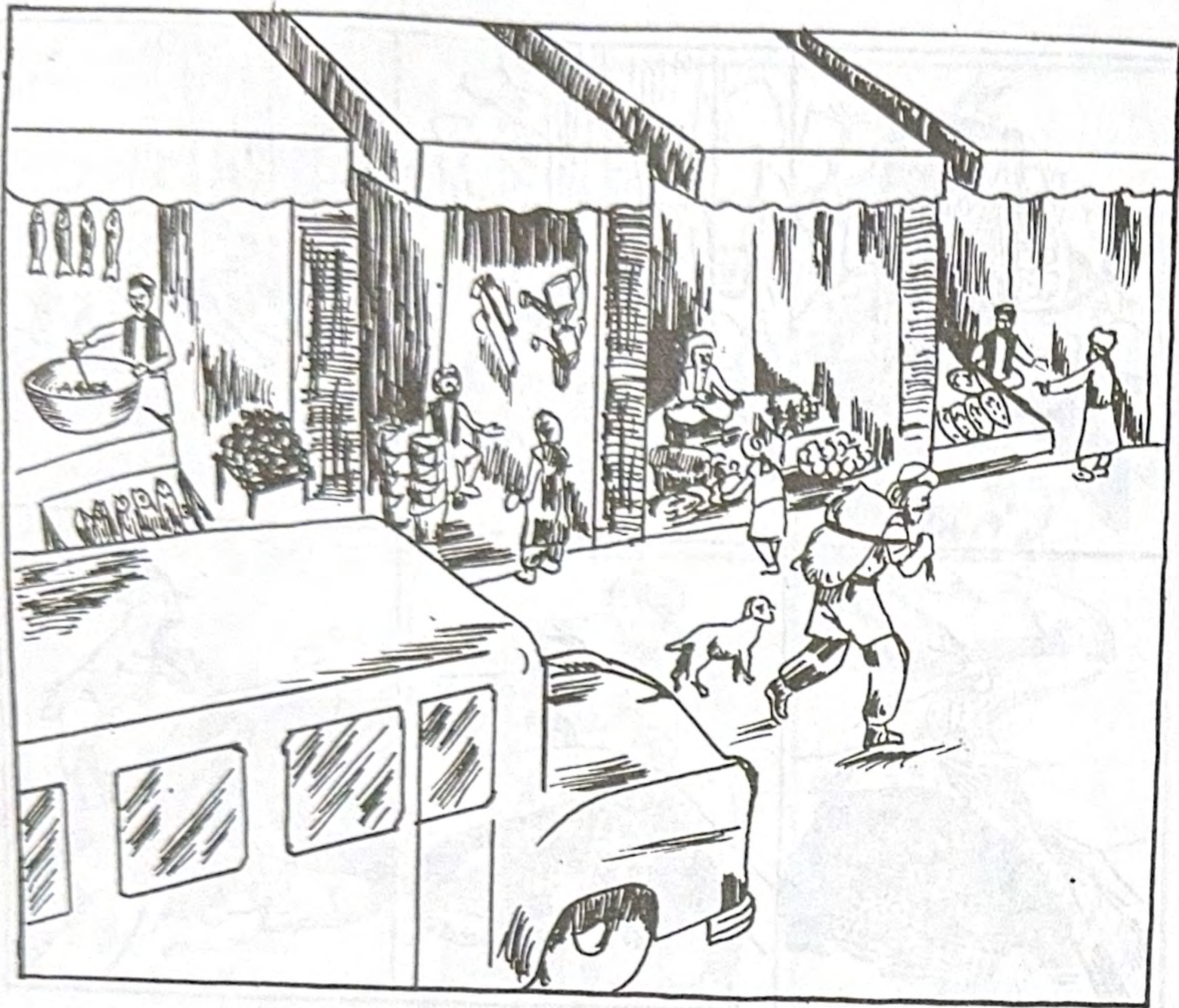


۵۵۵

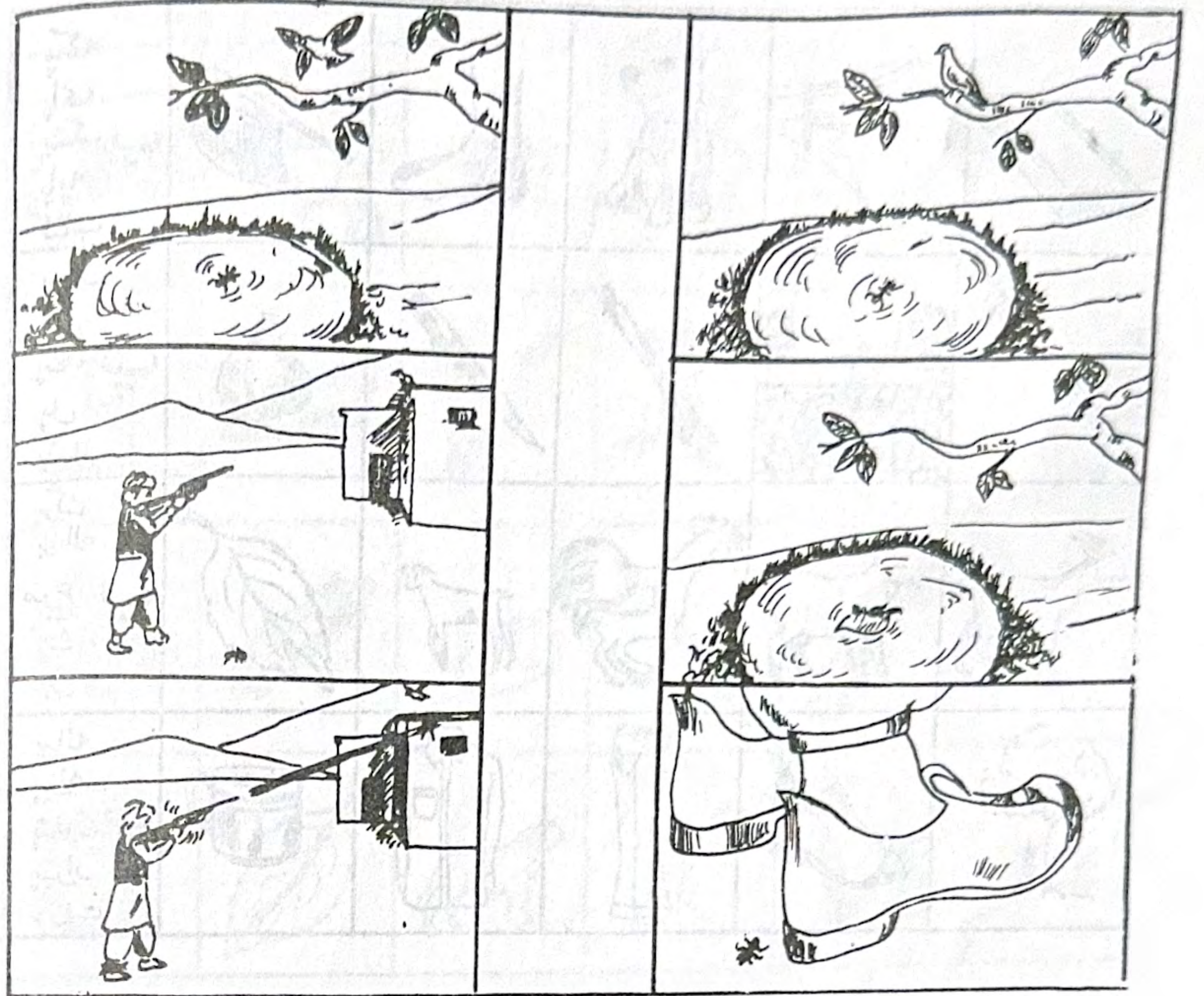
۱۰

					کتاب پل باز پیش پای
					پن پیش پای پنسل
					بزرگ بزرگ بزرگ بزرگ بزرگ
					پایه پیراهن پتلون پیراز درخت

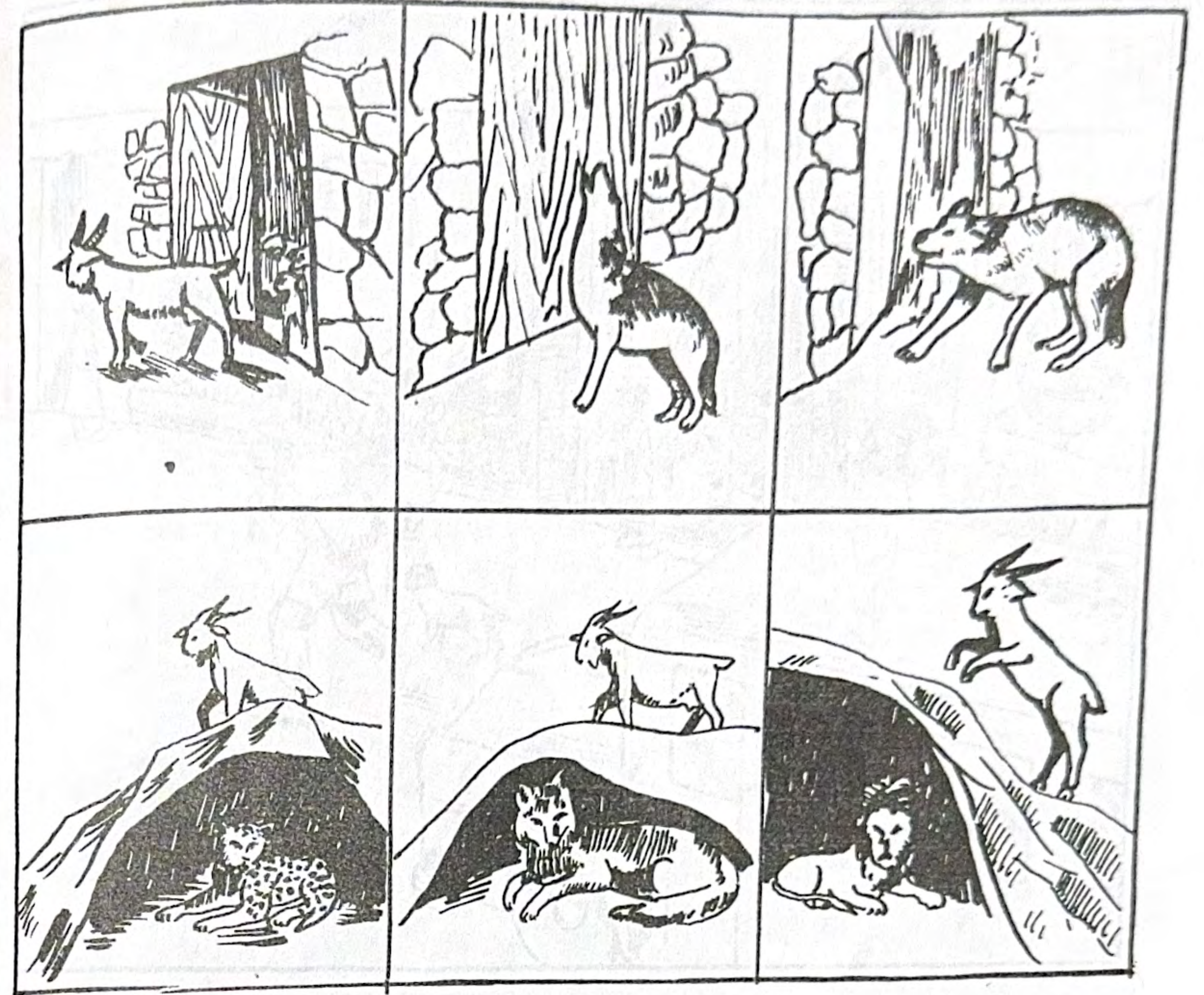
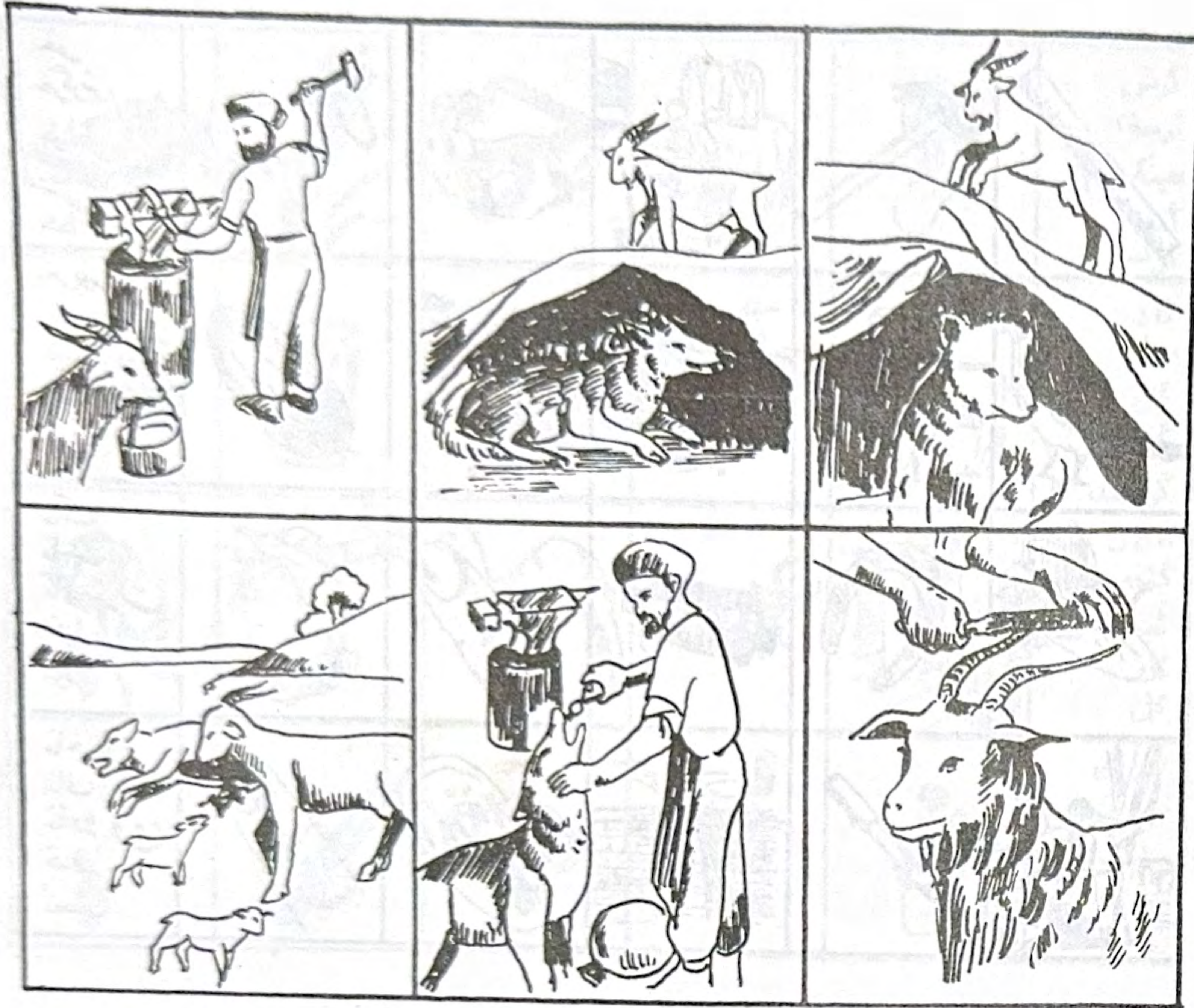
					میخاری بزرگ پایه بزرگ بره
					بادرنگ مغز بیل بوت بوتل
					تفندر توله تخم تار چاینگ
					ستل سوزن سنگ سگ سیب



रुख
















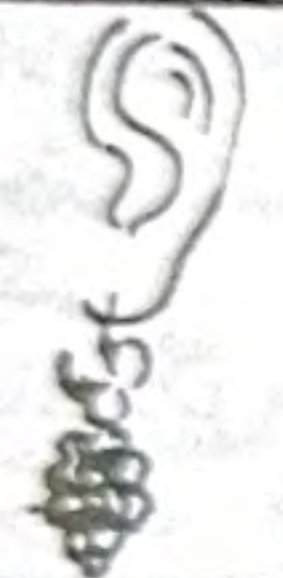






रुख


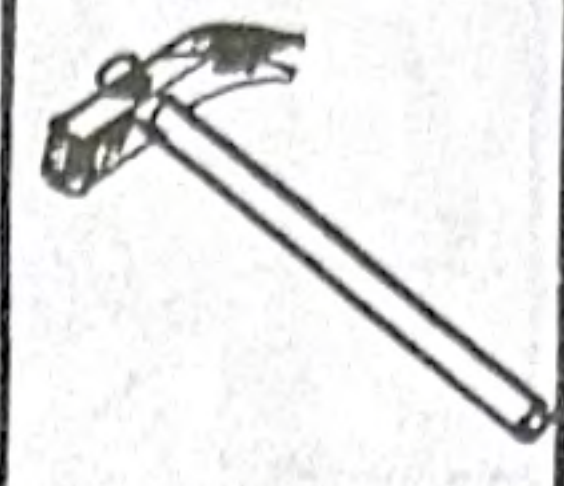




















Handwriting practice lines with arrows and slanted lines.

Handwriting practice lines with a dashed line and the number 17.







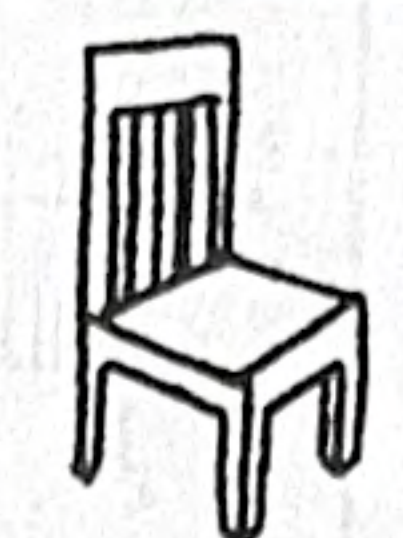

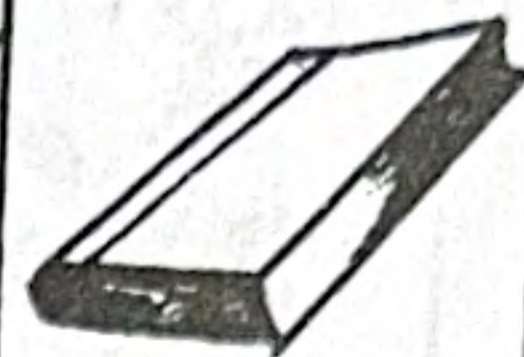


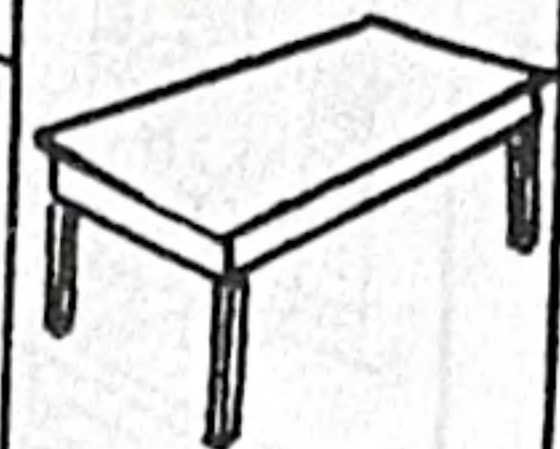








					گوش گوسفند عینک گندم گوگرد
					گاو جواری گل گیلاس گوسفند
					گلکار گردم شتر گاز گل
					گلदान کلوبند چایند گادی گوشواره

بوت بوت بوت بوت
خار خار خار خار

					خ خروش خیاط چکش خطکش
					خ خرپوزه خروس خمیه خانه کیوتر
					ن ناک ناخن تار نعل نول
					ن ناخن نان ناوه قلم تجار

»»»

به	نه	به	به	به
نان	بان	نان	نان	نان
باز	باد	باد	باد	باد
مادر	مادر	مار	مادر	مادر
کار	کار	تار	کار	کار
توت	توپ	توت	توت	توت
توت	بوت	بوت	بوت	بوت
خار	خال	خار	خار	خار

					تنبور خر قلم شتر انگور
					شادی کتاب ماهی چونگی طوطی
					بز پیاز کلاه میز گاز
					بالاپوش موش بکس جای جوش خرگوش

توپ آسید

توت و بوت و خار و خال و خار و خار

توت و بوت و خار و خال و خار و خار

ه ه ه



ا

پ

توپ اسد

شاگردان: نوشته های پاورقی را، که با نقطه ها ترتیب شده است، به وقت بخوانند و چند بار در کلاس کنند.

توپ اسد

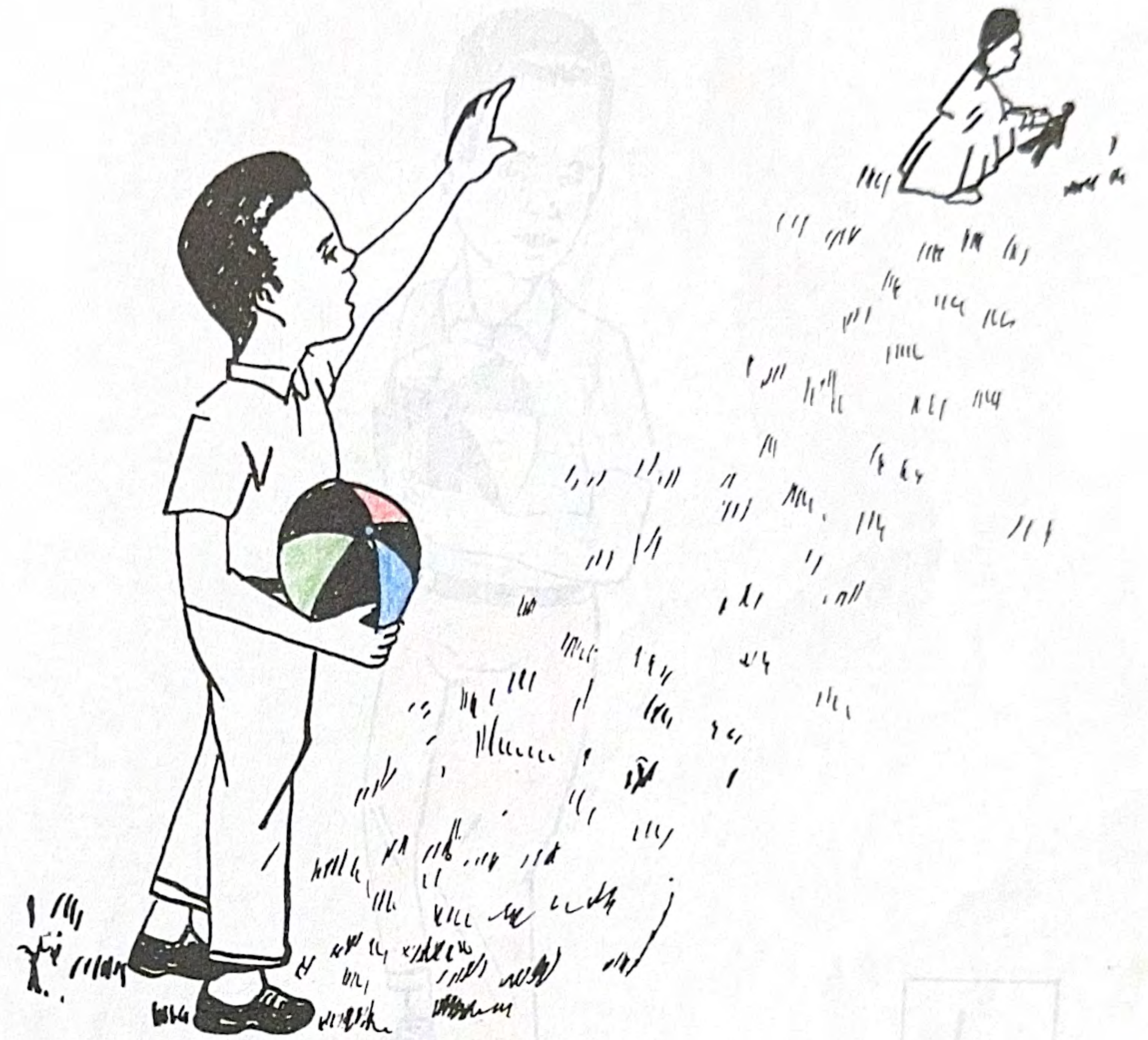
ب	ب	ب	ب	ب
ن	ن	ن	ن	ن
ل	ل	ل	ل	ل
ک	ک	ک	ک	ک
ت	ت	ت	ت	ت
پ	پ	پ	پ	پ
ا	ا	ا	ا	ا



ن
ا
و
ن

نازو، بیا بازی کنیم.
بیا، توپ بازی کنیم.

نازو بیا بازی کنیم.



ا
و
ن

بیا، بازی کنیم.
بیا، توپ بازی کنیم.

توپ بازی کنیم.



پ
یا
ید
ی

اسد، چوب را بیار.
آب زیاد است.
چوب را بیار.

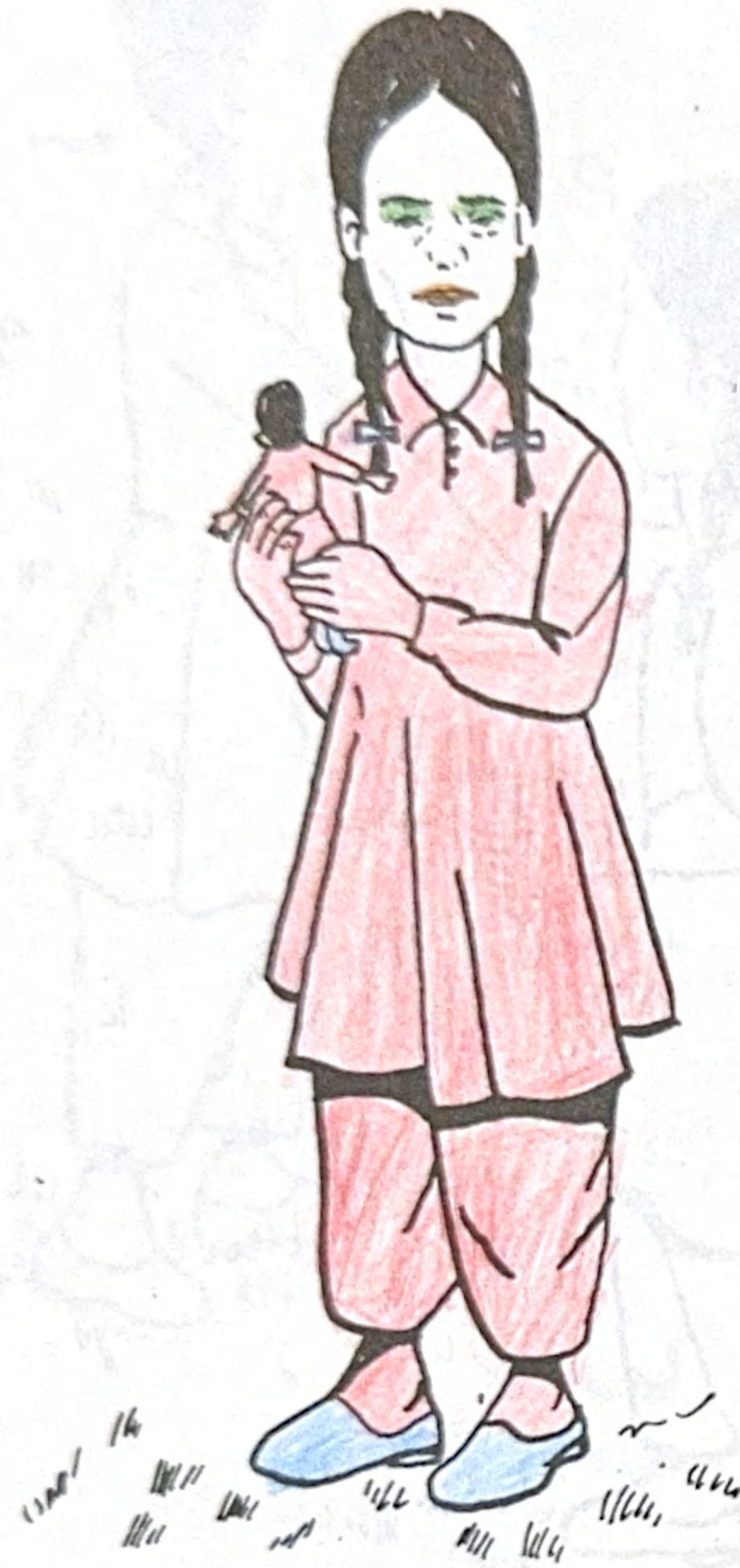
زیاد بازی کنیم.



آ
ب
ب

اسد، آب زیاد است.
نرو، آب زیاد است.
نرو، اسد، نرو.

اسد، آب زیاد است.



گدی نازو



ر
ر
ز
ز

نازو، توپ را بگیر.
بگیر نازو.
بگیر، توپ را بگیر.

نازو، توپ را بگیر.



س
س
س
س

اسد ، بین

بین اسد

گدی را بین

اسد، گدی را بین



ج
ج
ج
ج

اسد ، یا

این جا یا

این جا یا

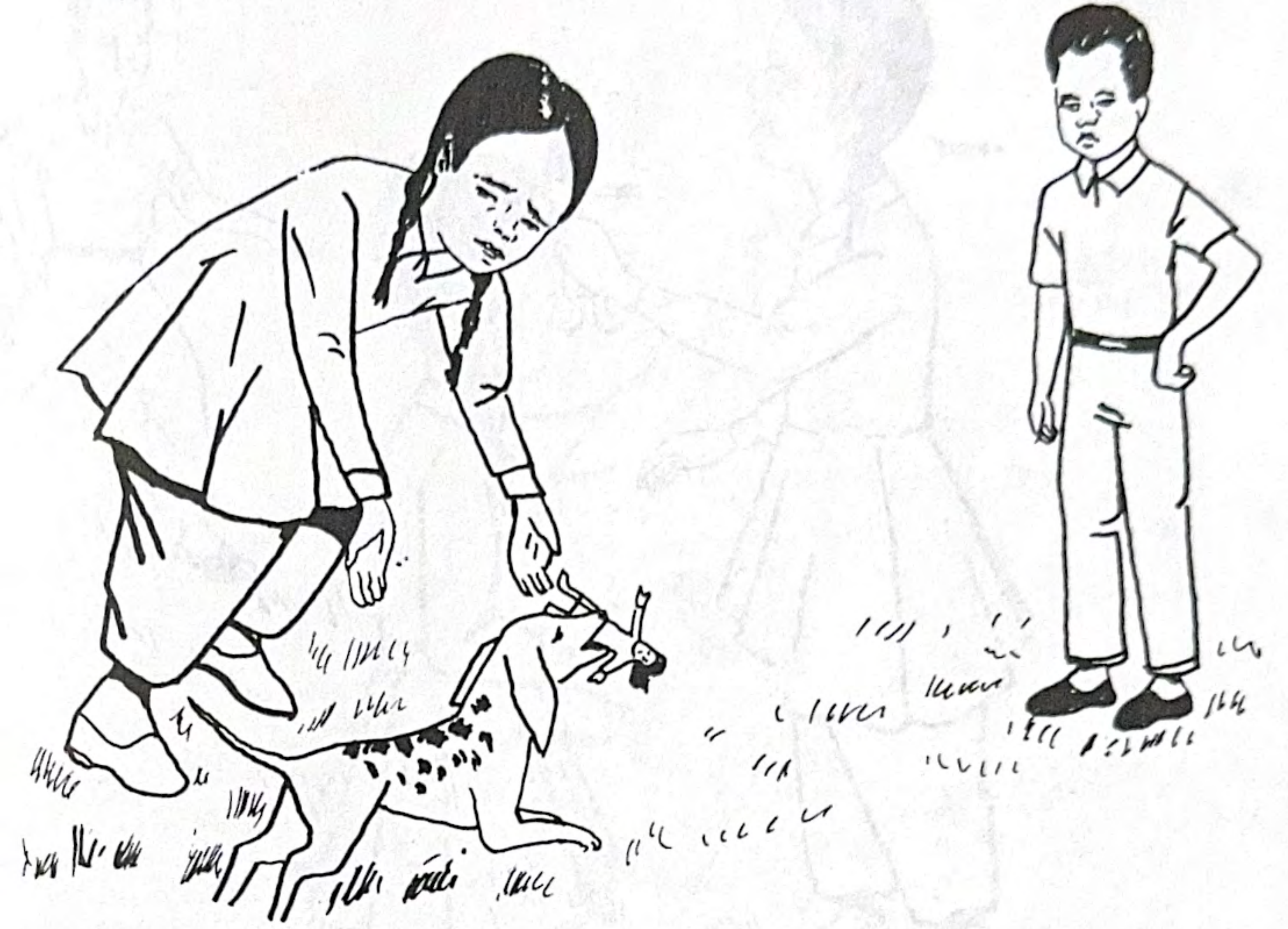




ت
ت
ت
ت

تازی ، بیا .
این جا بیا .
گدی را بمان .

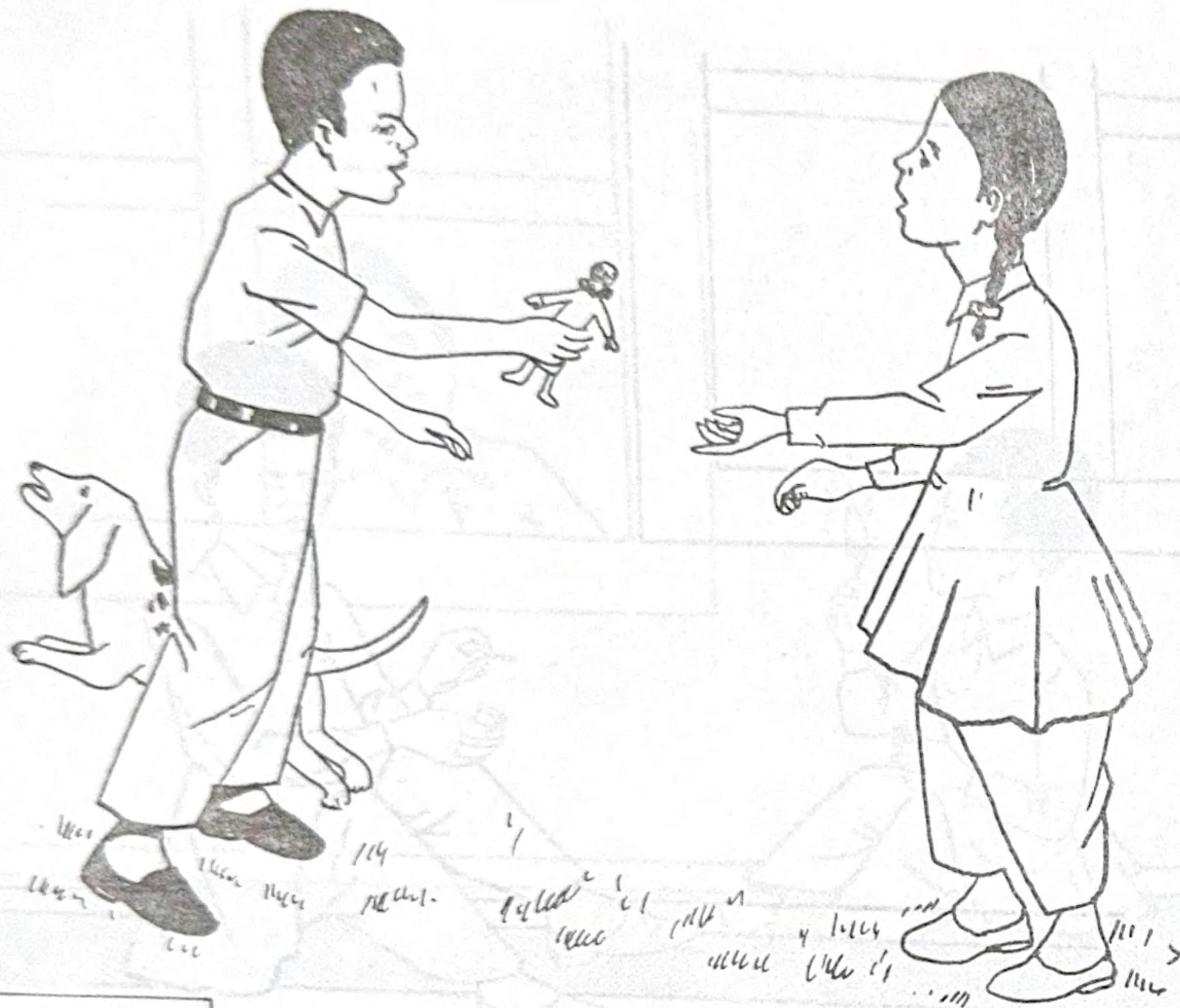
تازی ، توپ را بگیر



ب
ب
ب
ب

بکن .
بکن ، بمان .
بمان گدی را .

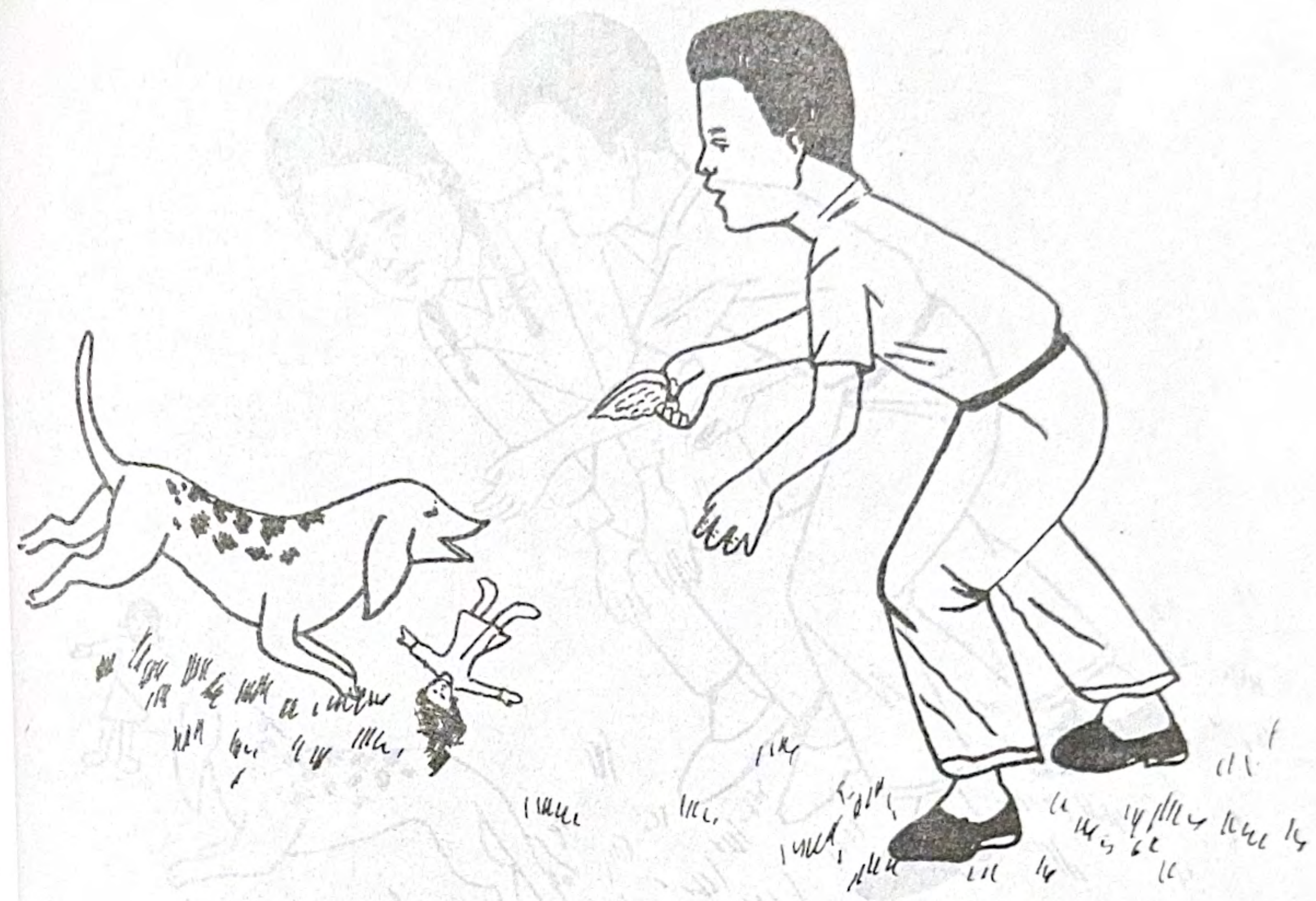
اسد ، گدی مرا بمان .



د
د

نازو، بگیر.
تازی گدی را داد.
گدی خود را بگیر.

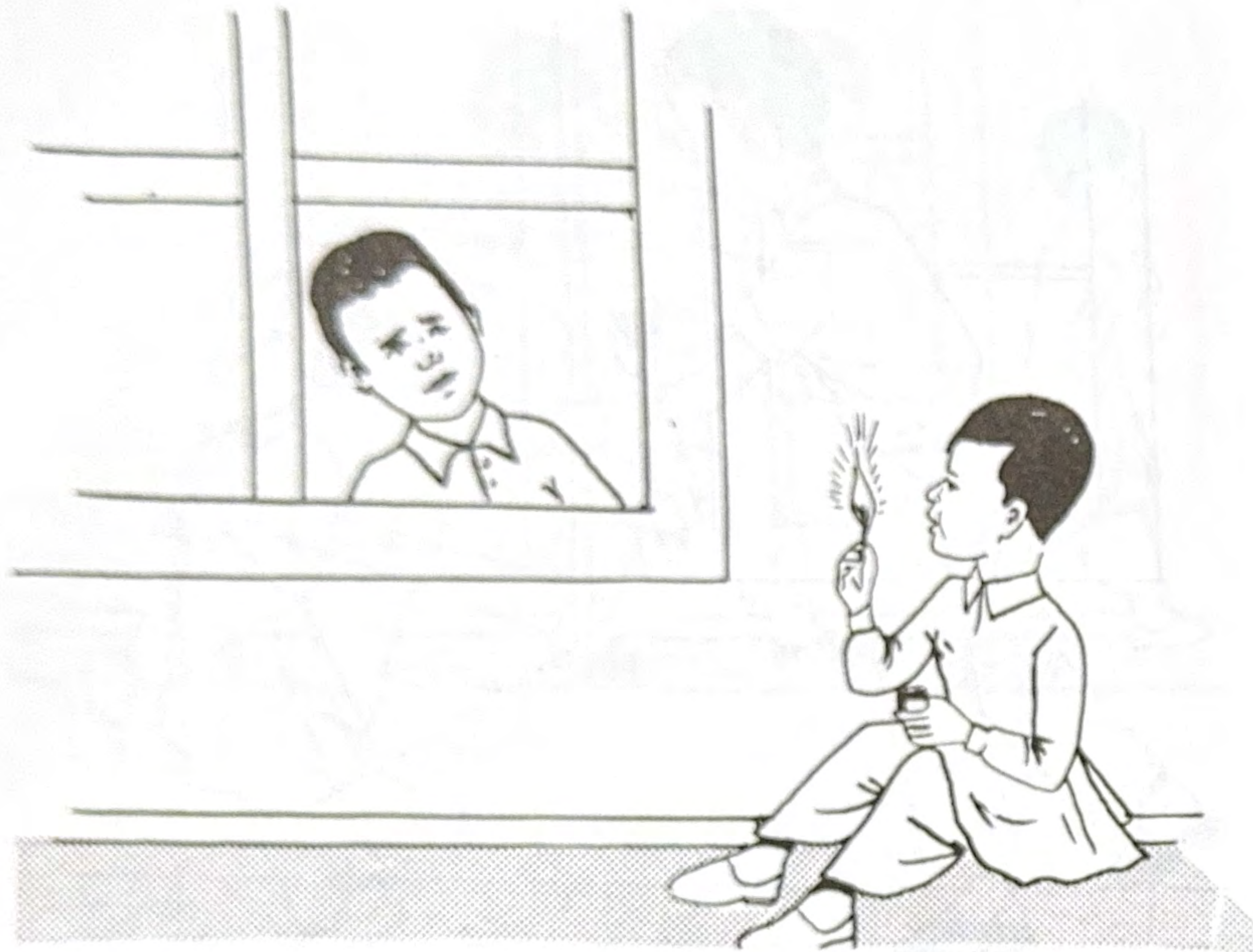
..... نازو، گدی خود را بگیر.....



گ
گ
گ
گ

تازی ، بمان .
گدی نازو را بمان .
نان را بگیر .

گدی را بگیر.....



۱

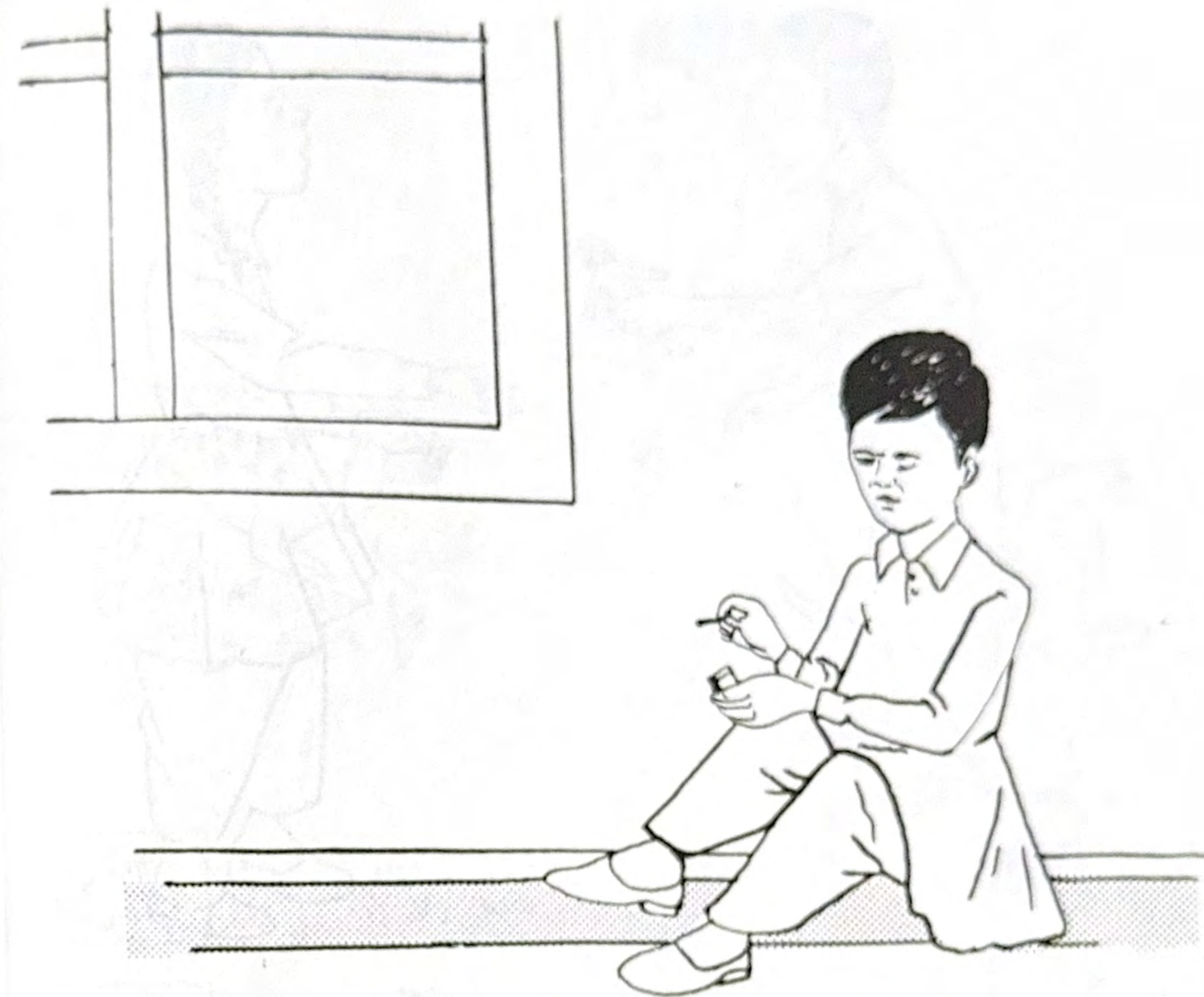
۲

رازق، نکن .

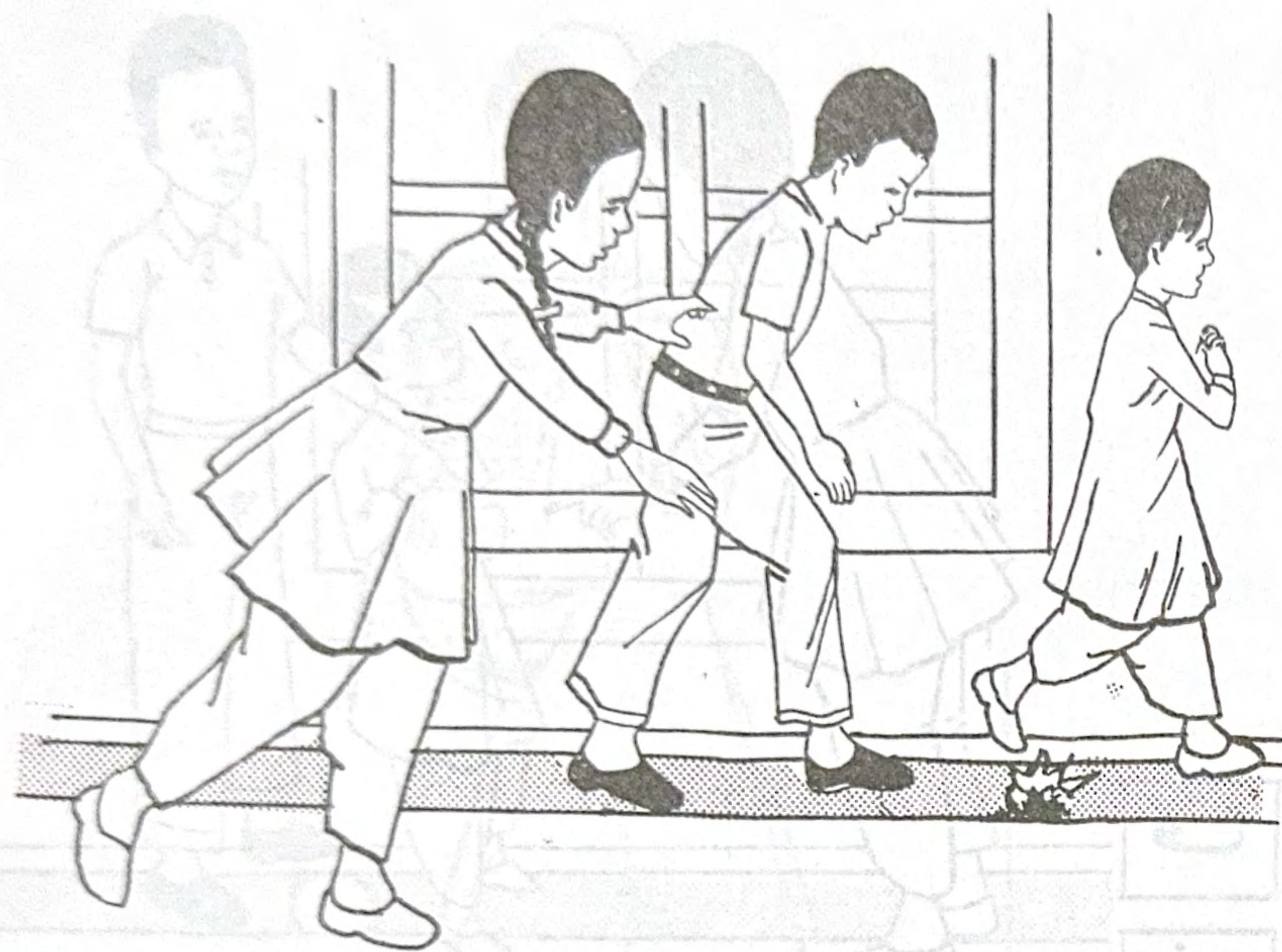
گوگرد را بمان .

با گوگرد بازی مکن .

گوگرد را بمان .



رازق و گوگرد



ش

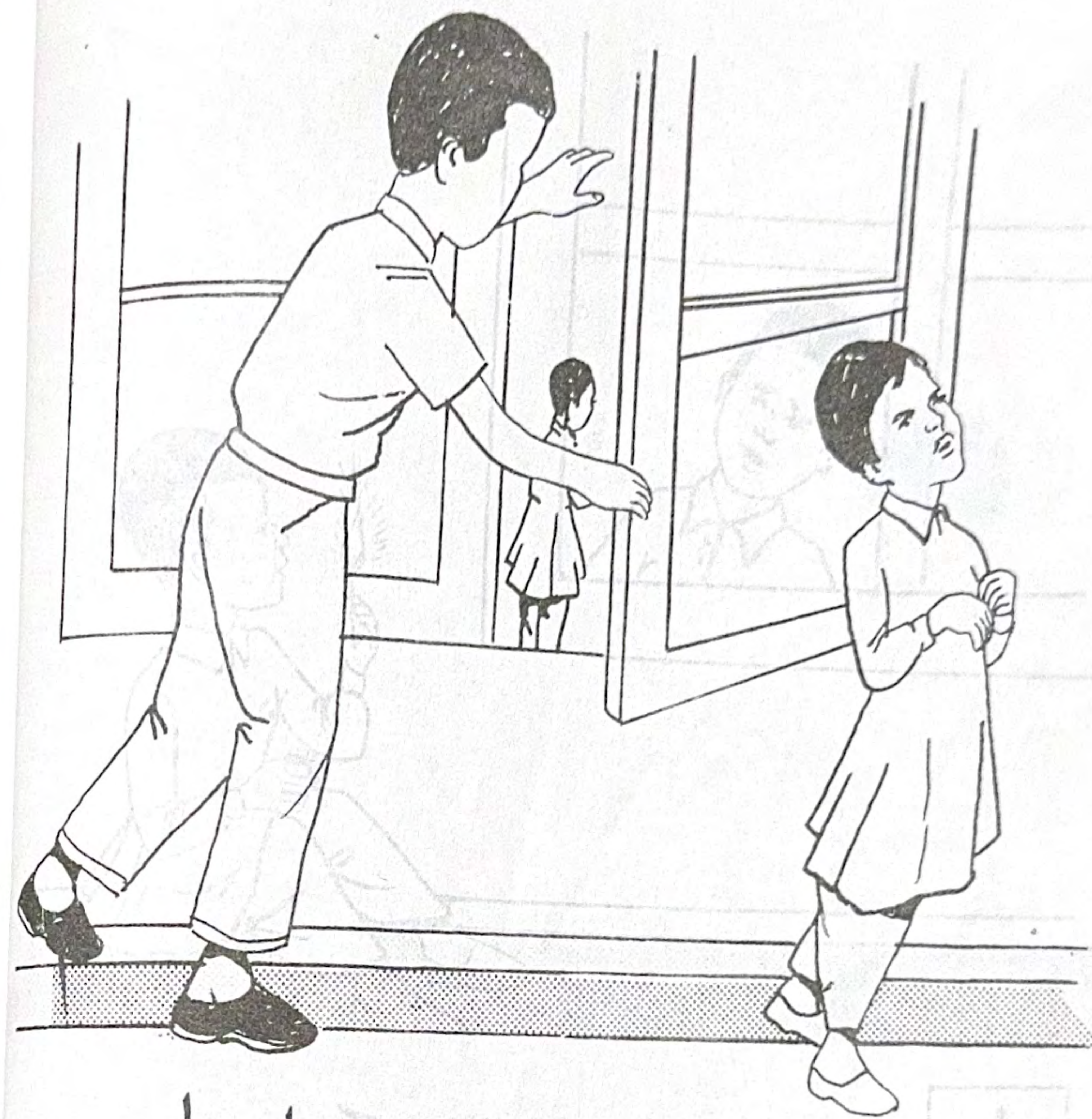
ش

ش

ش

اسد، زود شو.
آتش را خاموش کن.
آتش را زود خاموش کن.

زود شو آتش را خاموش کن

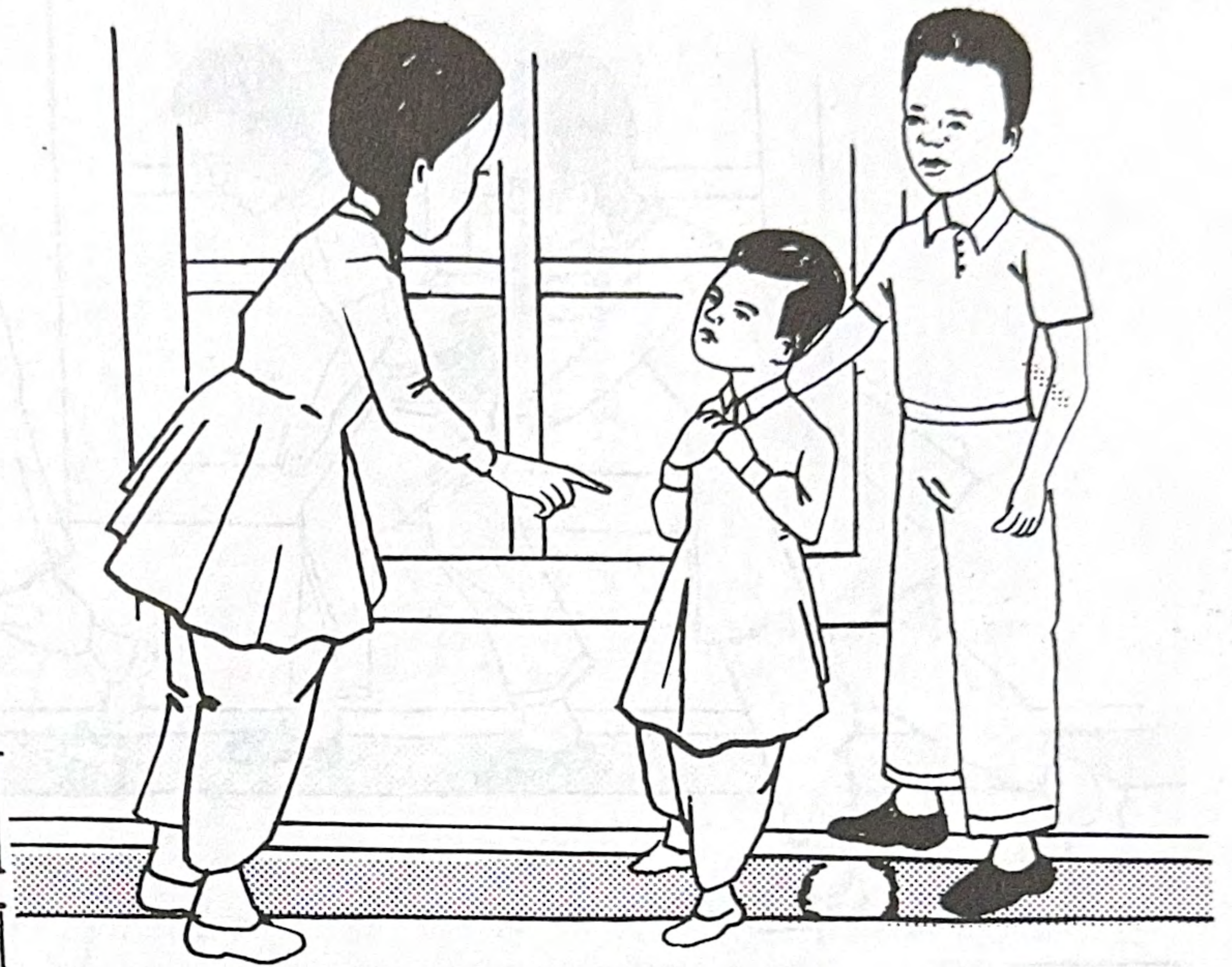


نازو، بدو، این جابیا.
بدو، رازق را بین.
بدو، زود بیا.

سپارش: شاگردان این سطر را در خانه رونویس کنند.



مادر



خا

خا

خا

خا

رازق، بین دست تو سوخت.

فرش ما هم سوخت.

دیگر با گوگرد بازی مکن.

سپارش: شاگردان سطر اخیر را در خانه اذیت نکنند.



قا
ق
ق
ق

رازق، بیا. اسد، بیا.
 بیاید، این جا بیاید.
 بیاید، مرغهای ما تخم
 داده است.

مرغهای ما تخم نمیدهند.



مادر جان، مرغ تخم داده است.
 مرغ ما تخم داده است.
 مادر جان، تخم را بگیر.

سپارش: شاگردان نوشته های پاورقی را، که به خط درشت ترسیم شده اند وقت بخوانند و روزنویس کنند.

مرغ در مرغانچه است.



ب
م
رغ
خ

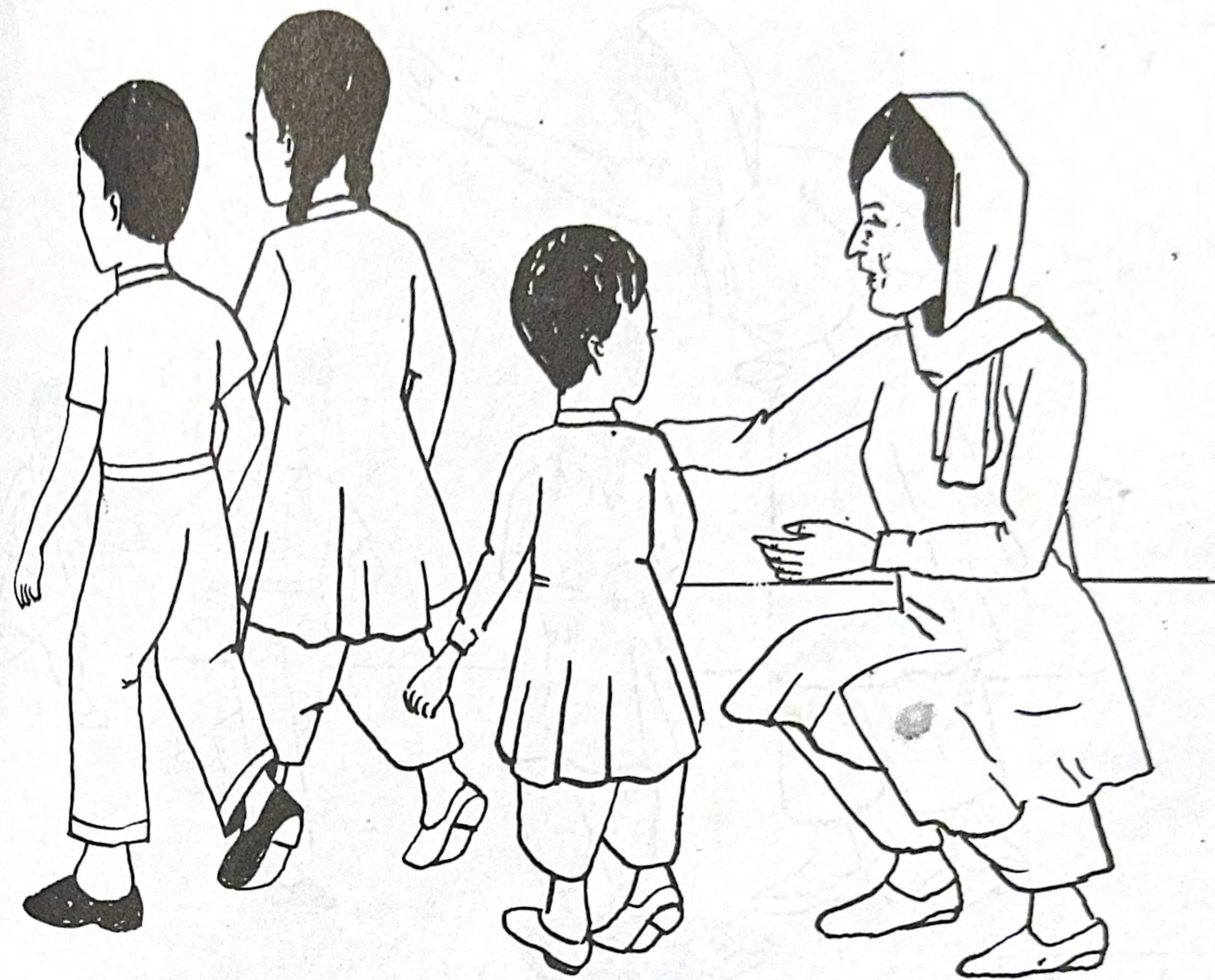
رازق، ببین، تخمها را ببین.

اسد تخم مرغ را این جا بمان.

نازو بدو، مرغ را بگیر.

مرغ را این جا بیار.

خانه، تخم، ملخ، شاخ، حلق، صبح، حامد



اسد، برو تخمهای مرغ را بیار.

نازو، توهم برو تخم بیار.

رازق، توهم برو.

بروید، تخمها را بیارید.

تو

برو

و

اسد و رازق مرغها را آوردند.



پ
چ
چ
چ

رازق، زود بیا؛ پیش من بیا.
از تخمها چوچه بر آمده است.
بیاید چوچه ها را ببینید.

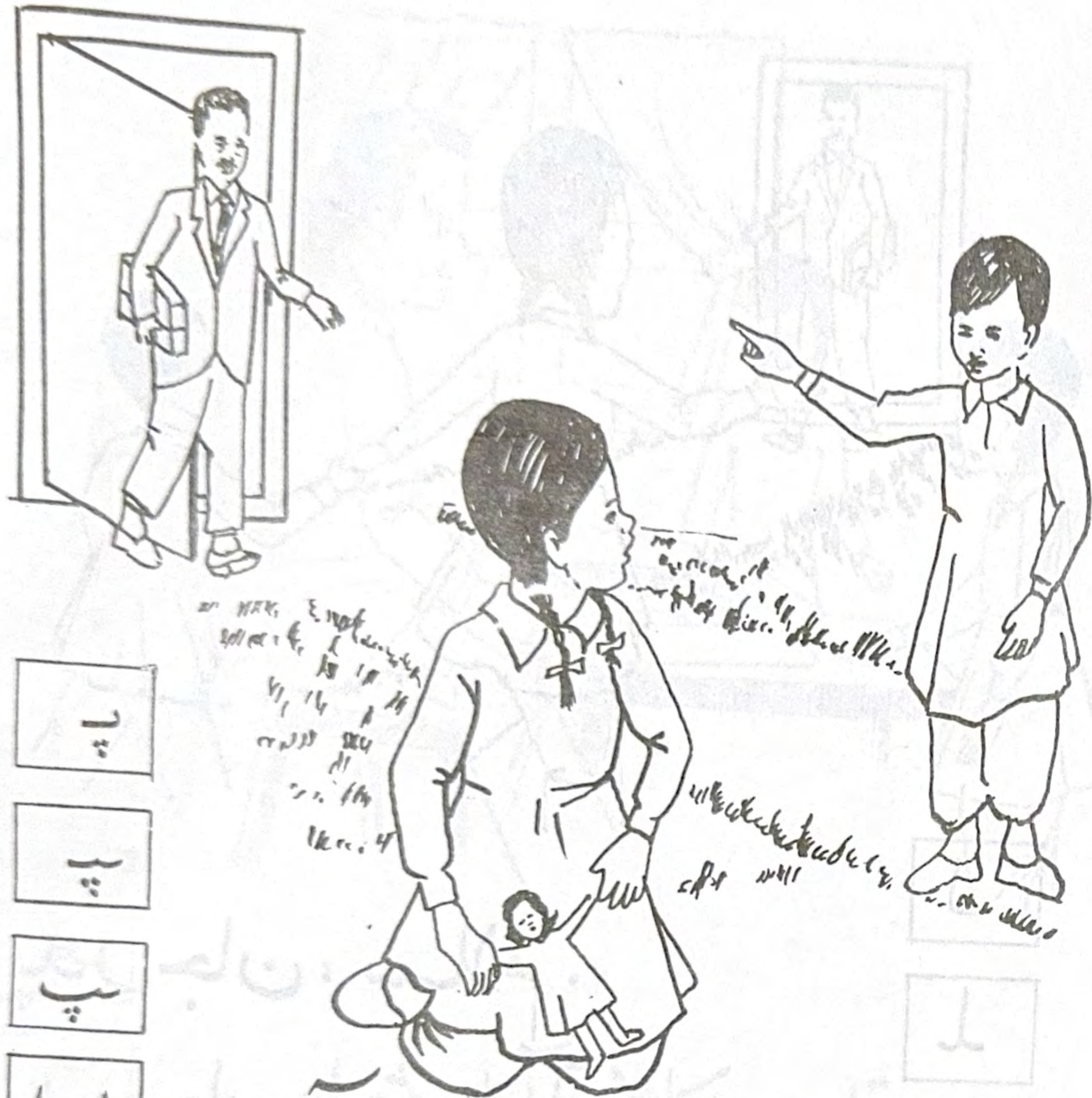
چار بچه با چمچه او ماچ خوردند.



ک
ک
ک
ک

رازق، بین؛ نازو مرغ را میشاند.
بین، مرغ را کجا میشاند؟
مرغ را سر تخمها میشاند.

کاکا کریم را مکتب میبرد.



پ
پ
پ
پ

نازو، بین؛ پدر جان آمد.

پدر جان چیزی آورده است.

بیا پیش پدر جان برویم.

توپ پیش پاینده است.



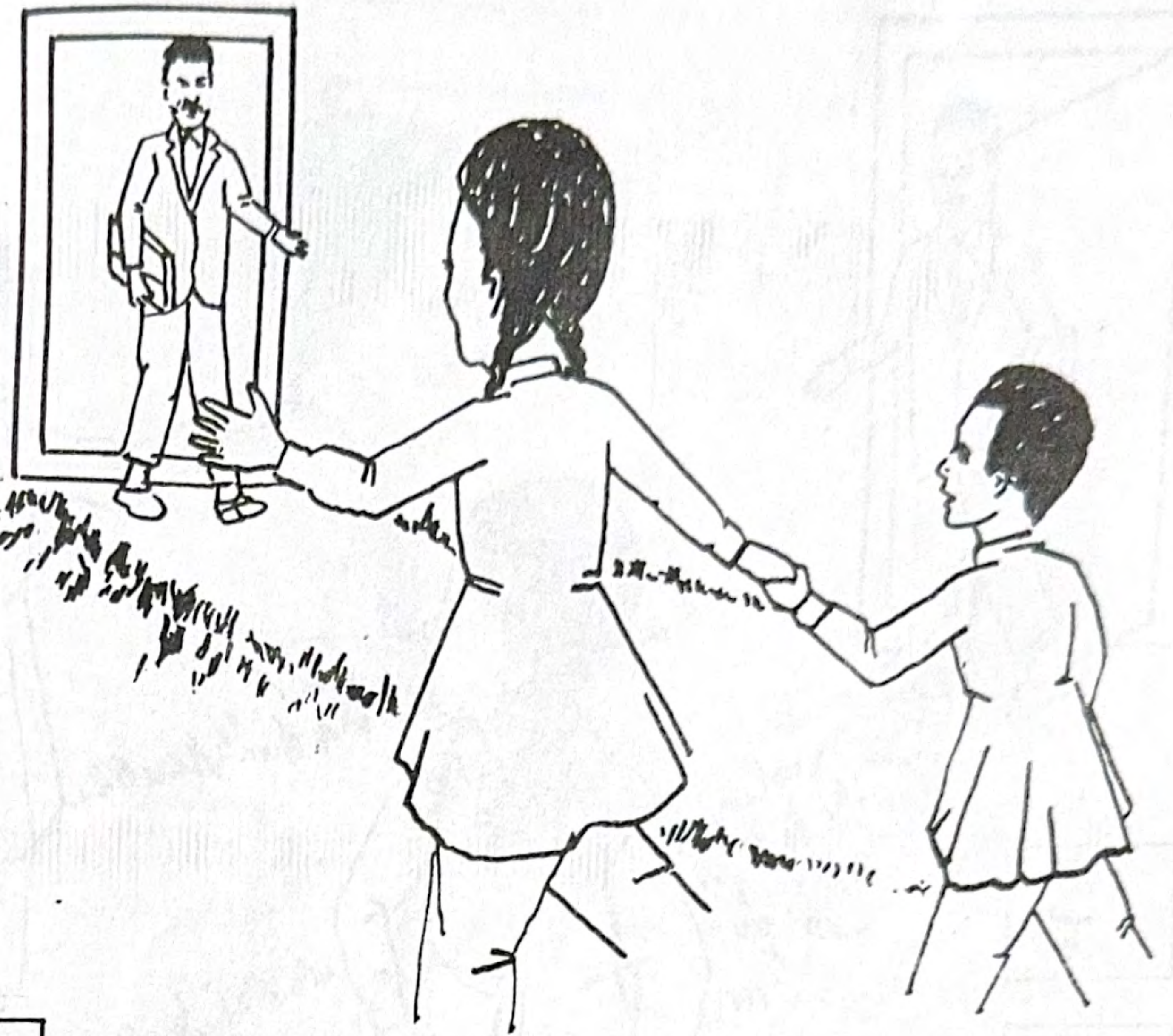
پدر



ا
 ب
 ح
 ع

برای تان کالا آورده ام .
 عید نزدیک است .
 کالا را برای عید تان آورده ام .

عارف روز جمعه با معلم خود وداع کرد .



د
 ذ
 ط
 لا
 ل

پدر جان ، سلام .
 پدر جان ، شما آمدید ؟
 چیزی آورده اید ؟
 برای ما چی آورده اید ؟

سلام گل لاله میچیند .



فردا روز عید است .
 اول عیدی میکنیم .
 باز پیش دوستان میرویم .
 با دوستان عیدی میکنیم .

پدرم حفیظ را به نماز عید برد .



پدر جان ، کالای ما دوخته شده است .
 کالای عید ما دوخته شده است .
 ما روز عید کجا میرویم ؟

سپارش : شاگردان نوشته های پاورقی را ، که به خط درشت ترتیب شده است به دقت بخوانند و آن را روزگوش کنند .
 روز عید به خانه دوستان خود میرویم .



بابا جان ، سلام .

و علیکم .

بابا جان ، ما آمدیم .

ما پیش شما آمدیم .

رازق هم آمد .

سپارش : شاگردان متن این صفحه را در خانه رو نویس کنند .

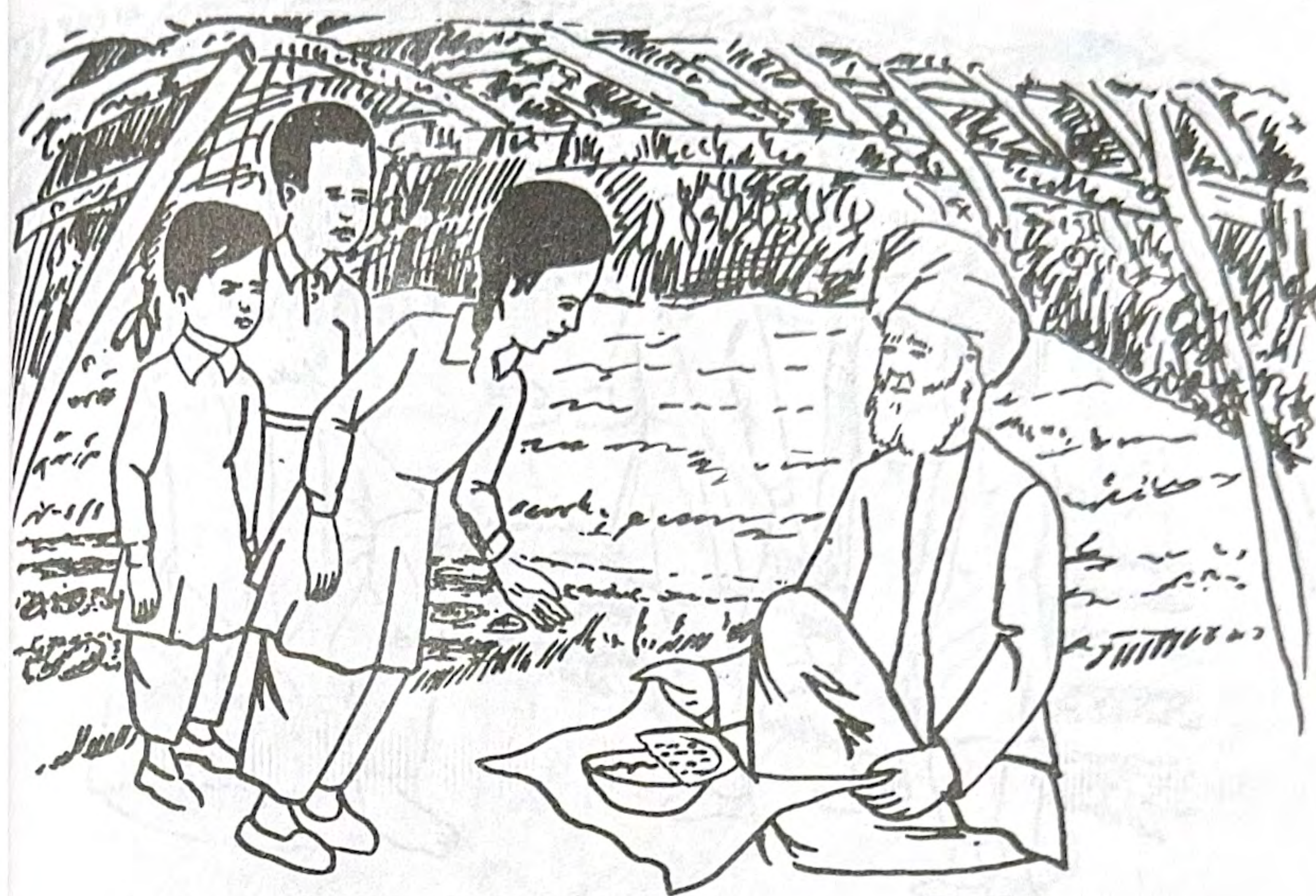


پدر کلان



نازو، بابا جان را بین .
 بابا جان خربوزه آورد .
 من خربوزه را خوش دارم .

سپارش : از هر شاگرد خواسته شود، که مطابق جمله اخیر میوه مورد پسند خود را
 به کار ببرد



بابا جان، نان تان را آورده ایم .
 ما نان خورده ایم .
 مگر خربوزه نخورده ایم .

سپارش : شاگردان این صفحه را روزی پس کنند .



بابا جان خربوزه بسیار شیرین بود .
 پوست خربوزه را چی کنیم ؟
 خسته خربوزه را چی کنیم ؟
 بابا جان گفت :

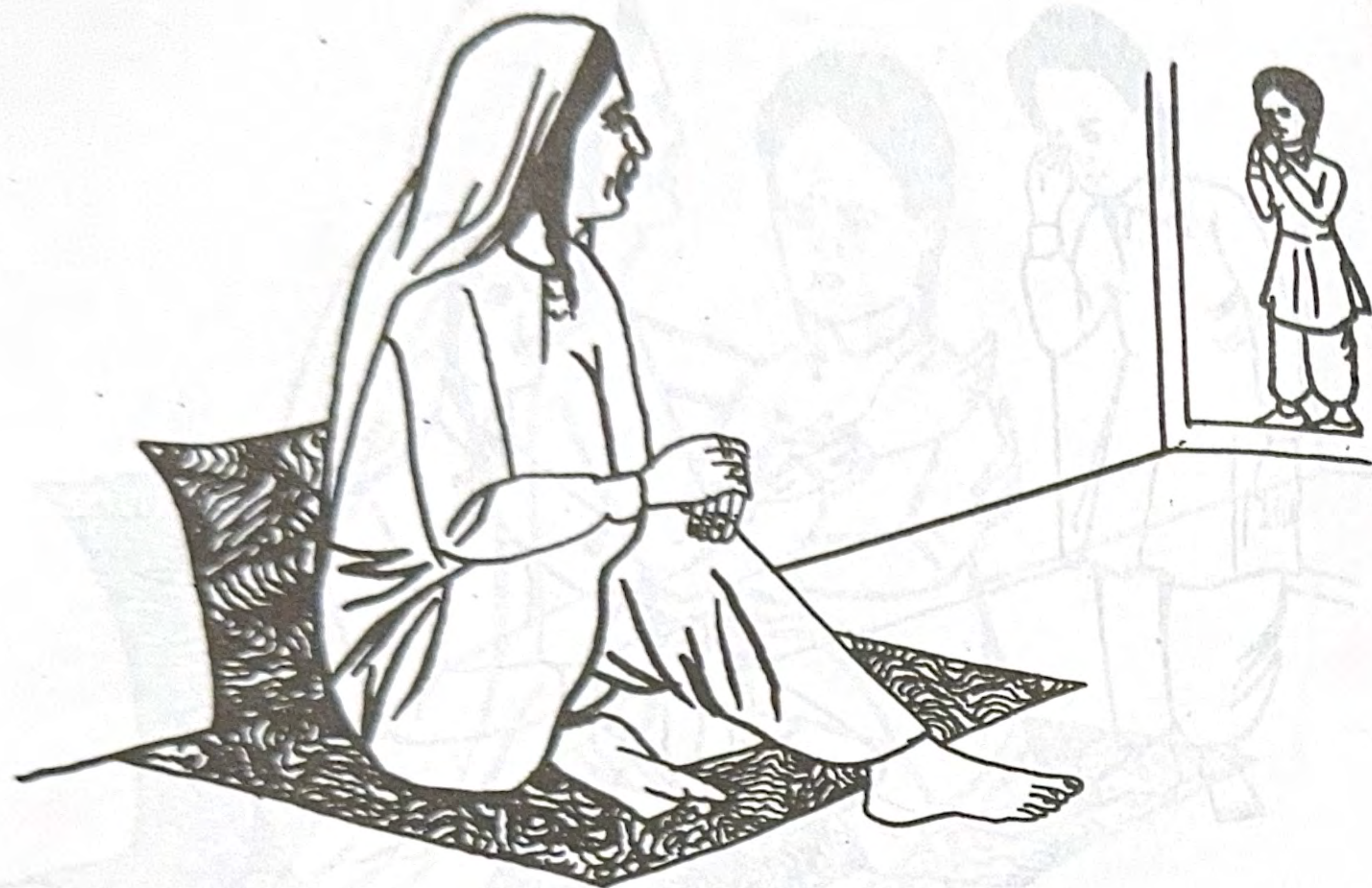
« پوست خربوزه را به خر بدهید .
 خسته خربوزه را برای مرغ ببرید »

سپارش : از شاگردان خواسته شود ، که نامهای میوه های خشک را بگیرد .



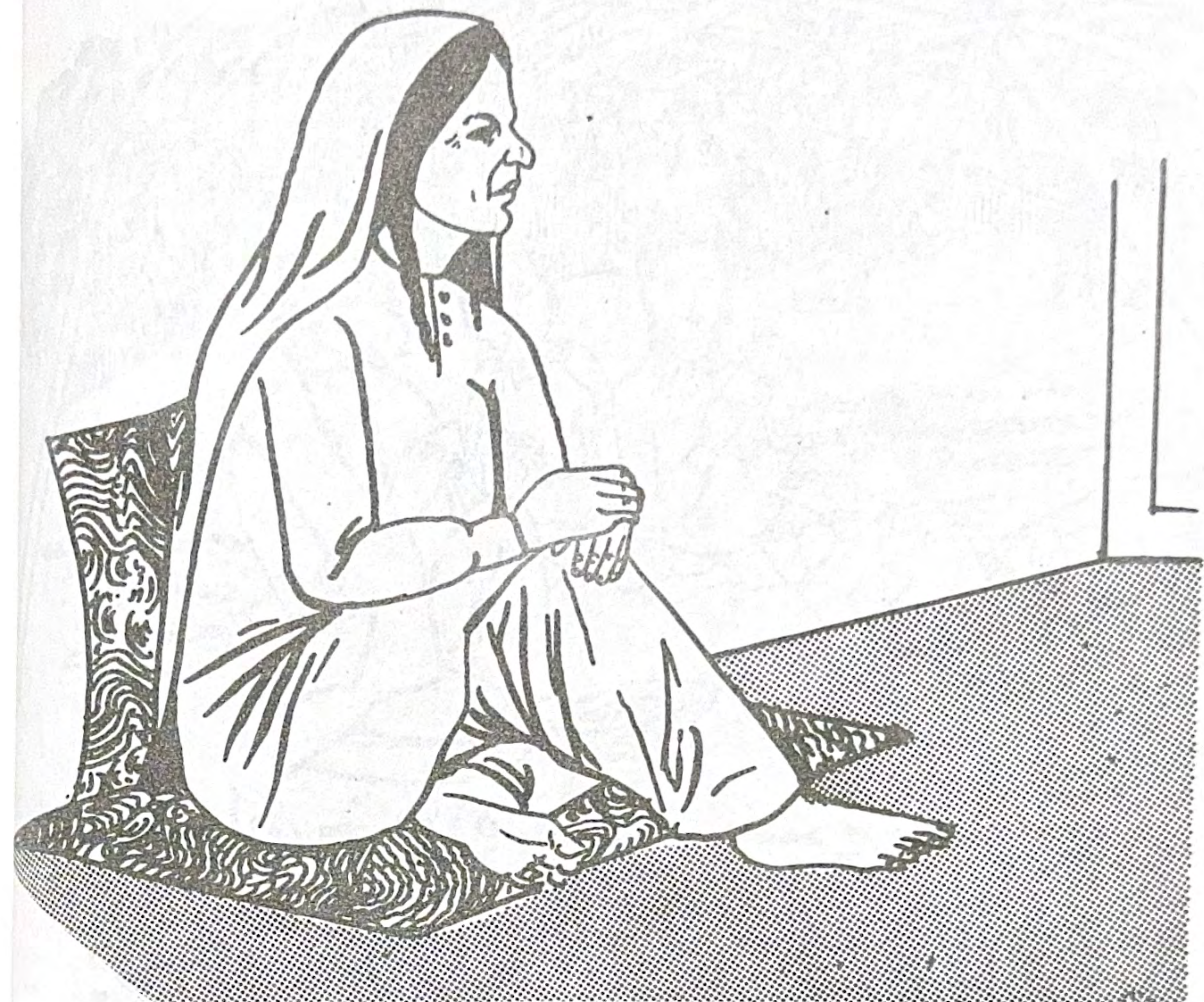
من خربوزه آوردم .
 بیاید ، خربوزه را بخوریم .
 این خربوزه شیرین است .

سپارش : از شاگردان خواسته شود ، تا میوه های درختی و زمینی را نام بگیرند .



بی بی جان، چشمم را بین
 چشمم درد میکند.
 بین، چشمم را چی شده است؟

سپاس: شاگردان کلاسهای مادر، چشمم، درد و خربوزه را در جلد به کار ببرند
 در کتابچه های خود بنویسند.



مادر کلان



بسیار خوب، بی بی جان .
 به چشمم دست نمی زنم .
 مگر، بی بی جان چشمم بسیار
 درد میکند .

سپارش: شاگردان سه خطه اخیر این صفت را در خانه روز نویسی کنند .



چشمیت سرخ شده است .
 نازو نکن ، نکن .
 به چشمت دست نزن .
 دستت پاک نیست .

سپارش: شاگردان به این سؤالها جواب بگویند :

چشم نازو را چچی شده است ؟ نازو چرا به چشم خود دست نزنند ؟



نازو، چشمت بسیار سرخ شده
است.

دیگر به چشمت دست نزن.
درد چشمت زیاد میشود.

زود شو، که پیش داکتر چشم برویم.

سپارش: شاگردان نقطه‌های کلمه‌های این جمله درست بگذارند:
مژه‌ها را ماسه نم‌حورسم.



نازو، دستم پاک نیست.

دستم را میشویم.

باز چشمت را میبینم.

سپارش: شاگردان نقطه‌های کلمه‌های این جمله را به جایش بگذارند.

سارو، ما بوب ناری کسم.



اسد، بیا که خانه سارا برویم.

سارا یک بز دارد.

بز سارا چوپه داده است.

بیا برویم، بزغاله را ببینیم.

سپارش: معلم در ختم درس این صفحه را بخواند و از شاگردان

بخواهد که مطالب این صفحه را بگویند.



بزغاله سارا



نازو نكن، به بزغاله من دست

نزن .

بز شاخ دارد .

بز ترا ميزند .

به چوچه بز دست نزن .

پریش : آیا به حیوانات مانند گاو ، اسب ، پش ، خر ، شتر و
سگ دست بز نیم ، یا نه ؟ چرا ؟

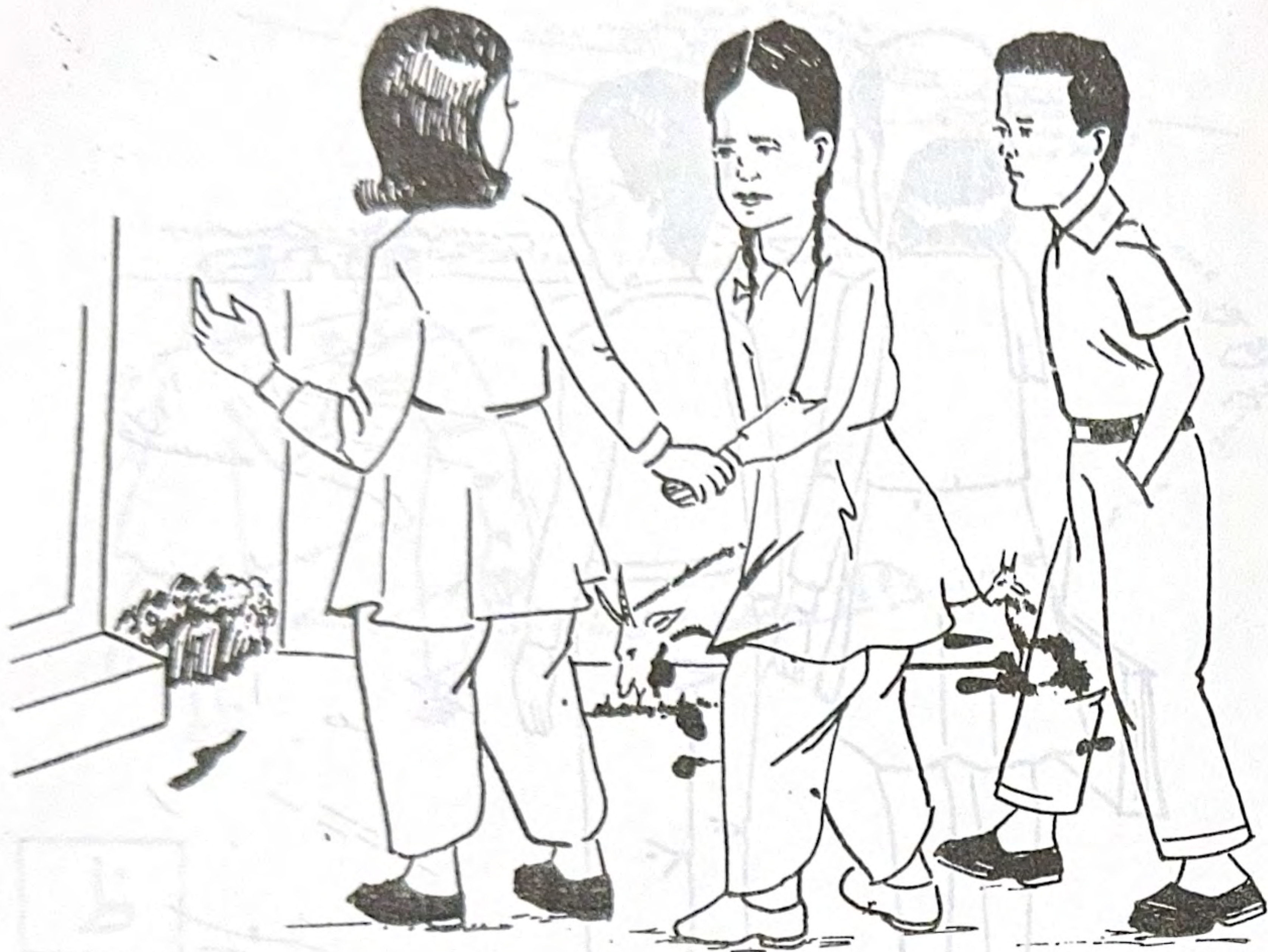


نازو ، بزغاله را بین .

مگر به بزغاله دست نزن .

بزغاله بسیار چوچه است .

پریش و سپاس : آیا ما و شما به چوچه حیوانات دست بز نیم ، یا نه ؟ چرا ؟
شاگردان این صفحه را در خانه رو نویسی کنند .



نازو، گفتم به بزغاله دست نزن .

بز ترا میزند .

بیا به خانه برویم .

بیا بازی کنیم .

سپارش : شاگردان تمام قصه را در صنف به زبان خود بگویند .



سارا، بیا .

زود شو، بز خود را بگیر .

بز مرا با شاخ میزند .

سپارش : شاگردان این متن را در خانه رونویس کنند .



ظ

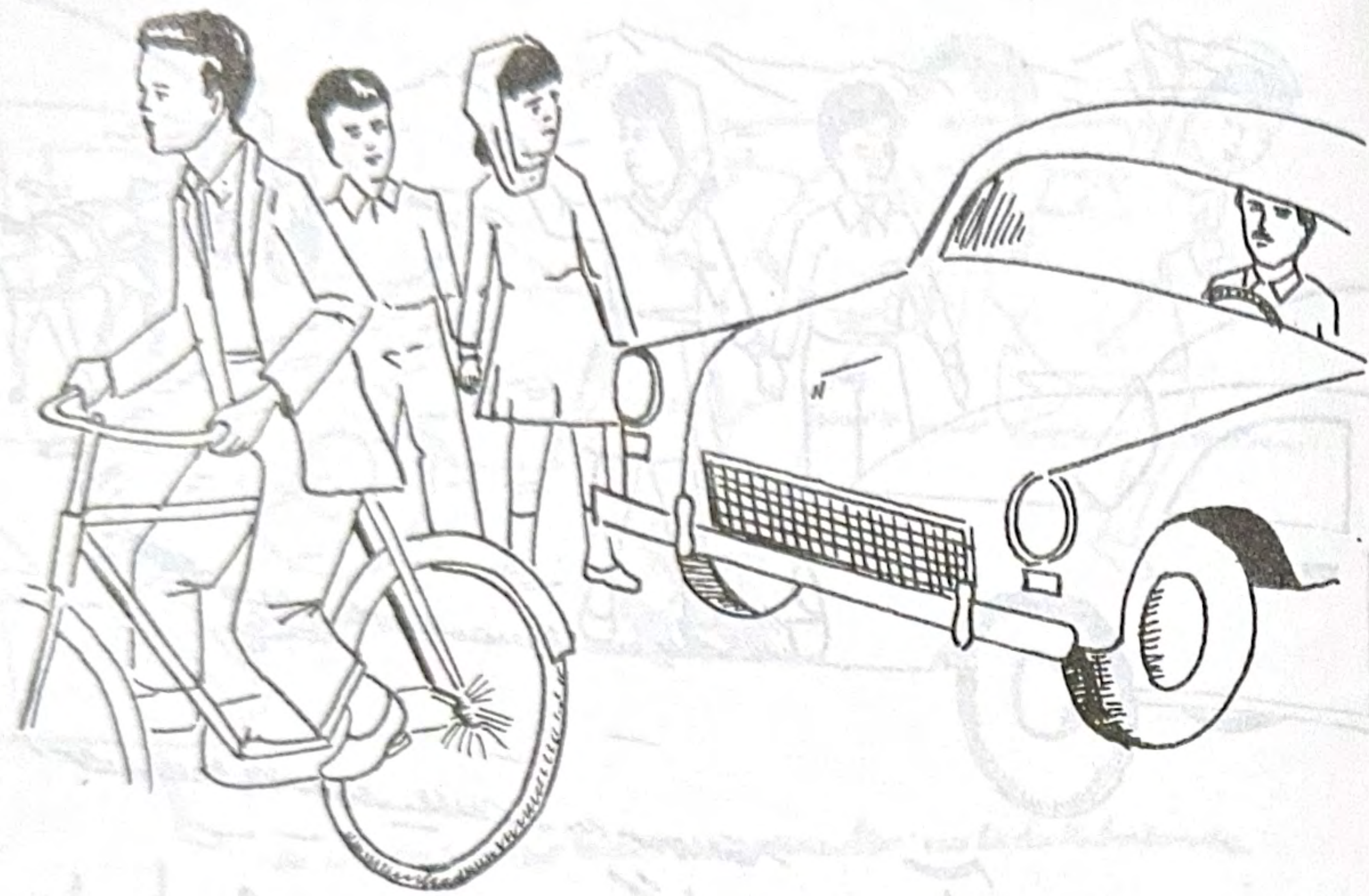
ظ

ظ

حفیظه، بیا، بیا بدو .
 بیا بگذریم، بیا از سرک بگذریم .
 بدو، زود بیا .
 ظاهره، حفیظ و نظیفه همصنف استند .



حفیظه و لطیف



لطیف بین ، موتر آمد .

نرو ، باش ، این جا با من باش .

اول طرف چپ را بین .

باز طرف راست را بین .

سپارش : شاگردان از این کلمه ها به صورت شفاهی جمله بسازند و سپس جمله را در کتابچه های خود بنویسند :

آمد بین سرک را موتر .



لطیف نرو ، نرو .

سرک را بین .

موتر آمد .

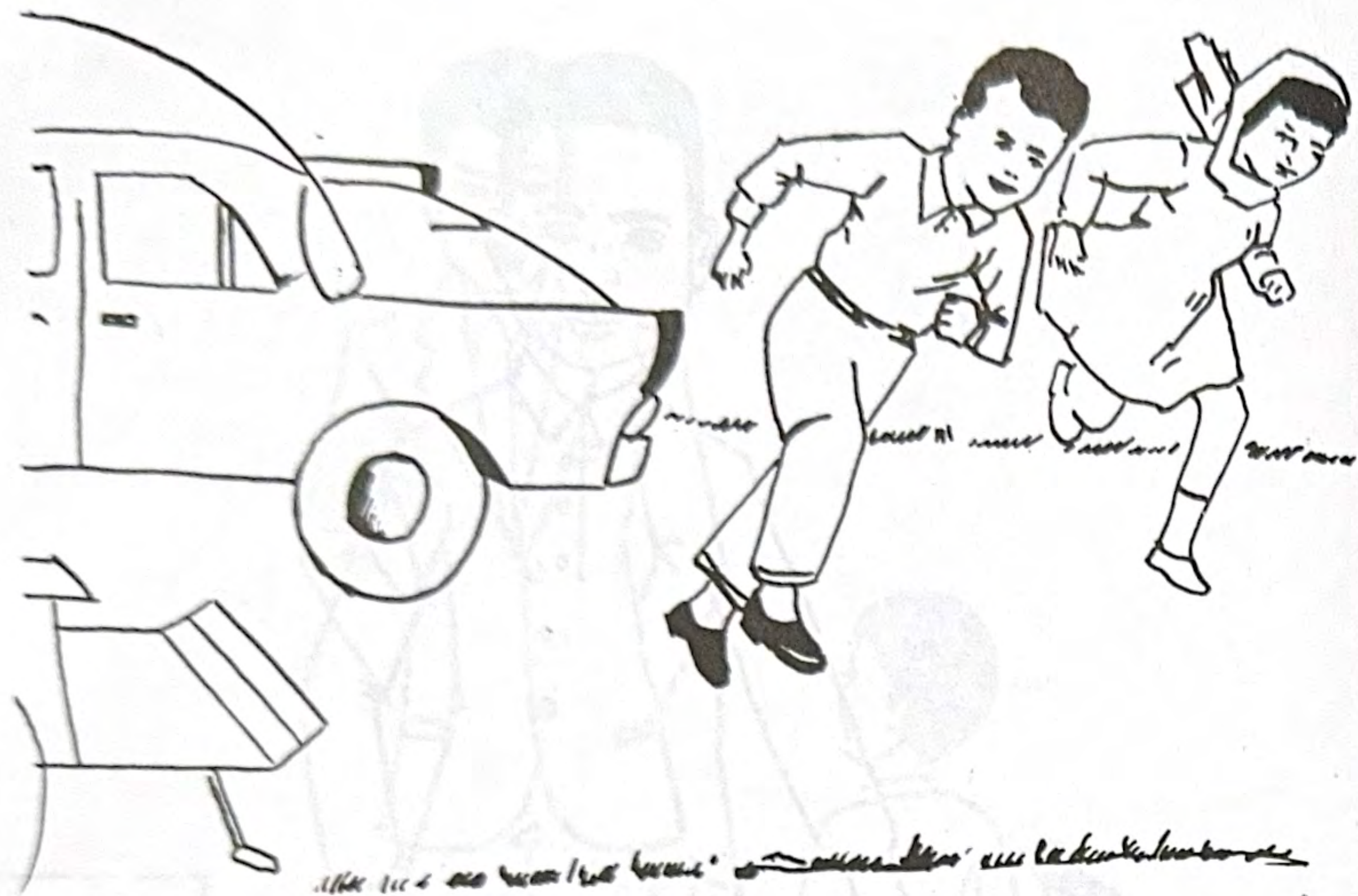
نرو ، موتر ترا میزند .

ط

ط

ط

طالب و لطیف طوطی را دانه دادند .



حفیظه ، بیا .

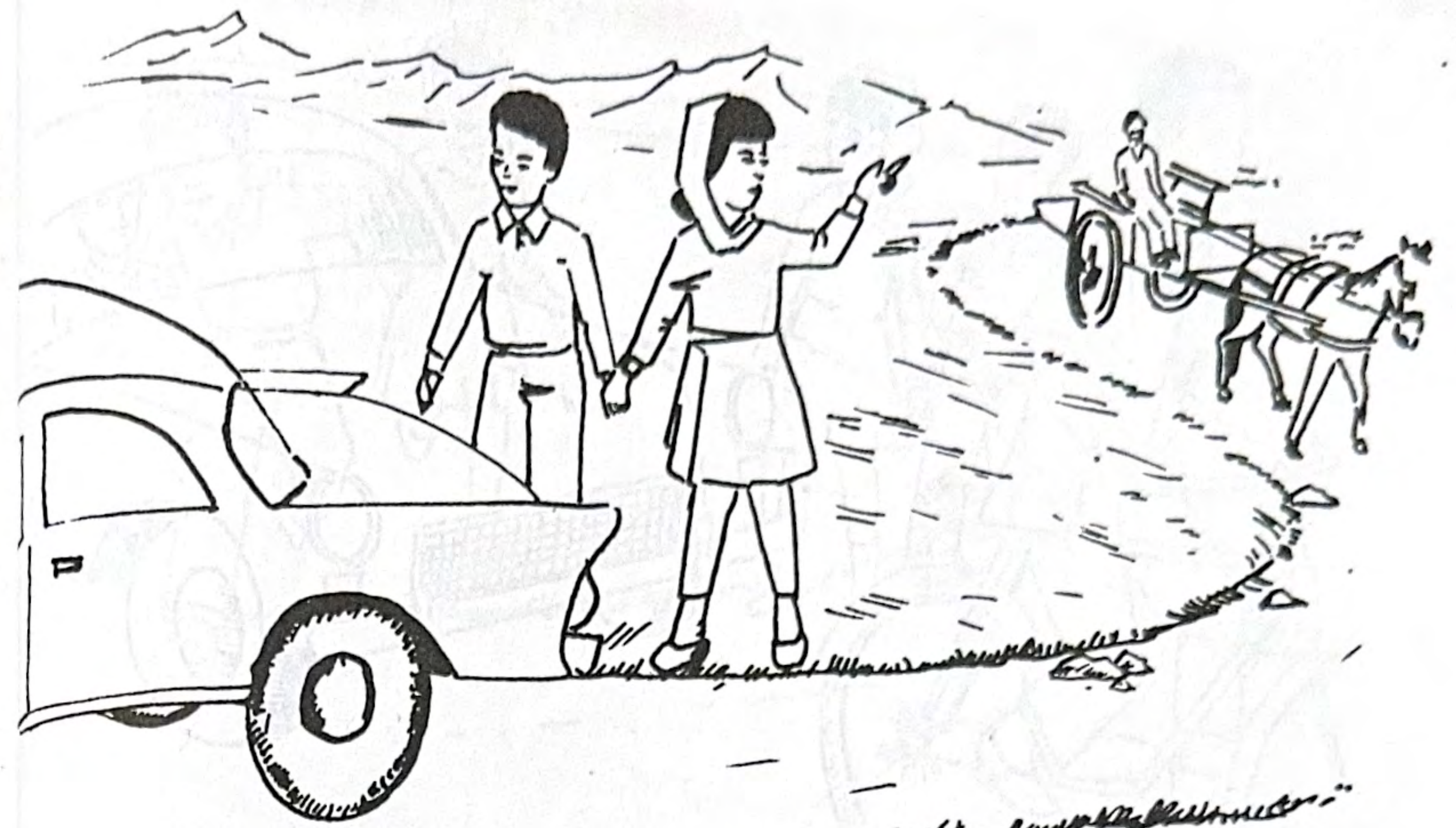
موتر گذشت ، گادی هم گذشت .

بیا حفیظه ، بیا .

بیا بگذریم ، بیا زود بگذریم .

سپارش : شاگردان از این کلمه با به صورت شفاهی جمله بسازند و سپس آن را در کتابچه های خود بنویسند :

اول را خود بخور دست ، خربوزه باز بشوی



لطیف بین ، گادی آمد .

نرو ، نرو ، با من باش .

گادی ترا میزند .

اول طرف چپ را بین .

باز طرف راست را بین .

سپارش : شاگردان از این کلمه با به صورت شفاهی جمله بسازند و سپس در کتابچه های خود بنویسند :

اول را چپ بین طرف بین را باز راست طرف

ک
ک
ک
ک



پدر جان، اسد یک مینا دارد .
مینای اسد گپ میزند .
مینای اسد «خوش آمدید» میگوید .
صابر صبح درس خود را خلاص کرد .



صابر و طوطی



طوطی، گوش کن. گپ مرا گوش کن.

گپ مرا خوب گوش کن.

طوطی، بگو سلام! سلام!

طوطی گفت: «سلام! سلام!»

لطیف خانه خیاط رفت.



پدرجان، طوطی هم گپ میزند؟

بلی، طوطی هم گپ میزند.

پدرجان، چرا طوطی ما گپ نمیزند؟

ما به طوطی خود گپ زدن را یاد نداده ایم.

ظاهر با طوطی گپ میزند.



میلۀ توت



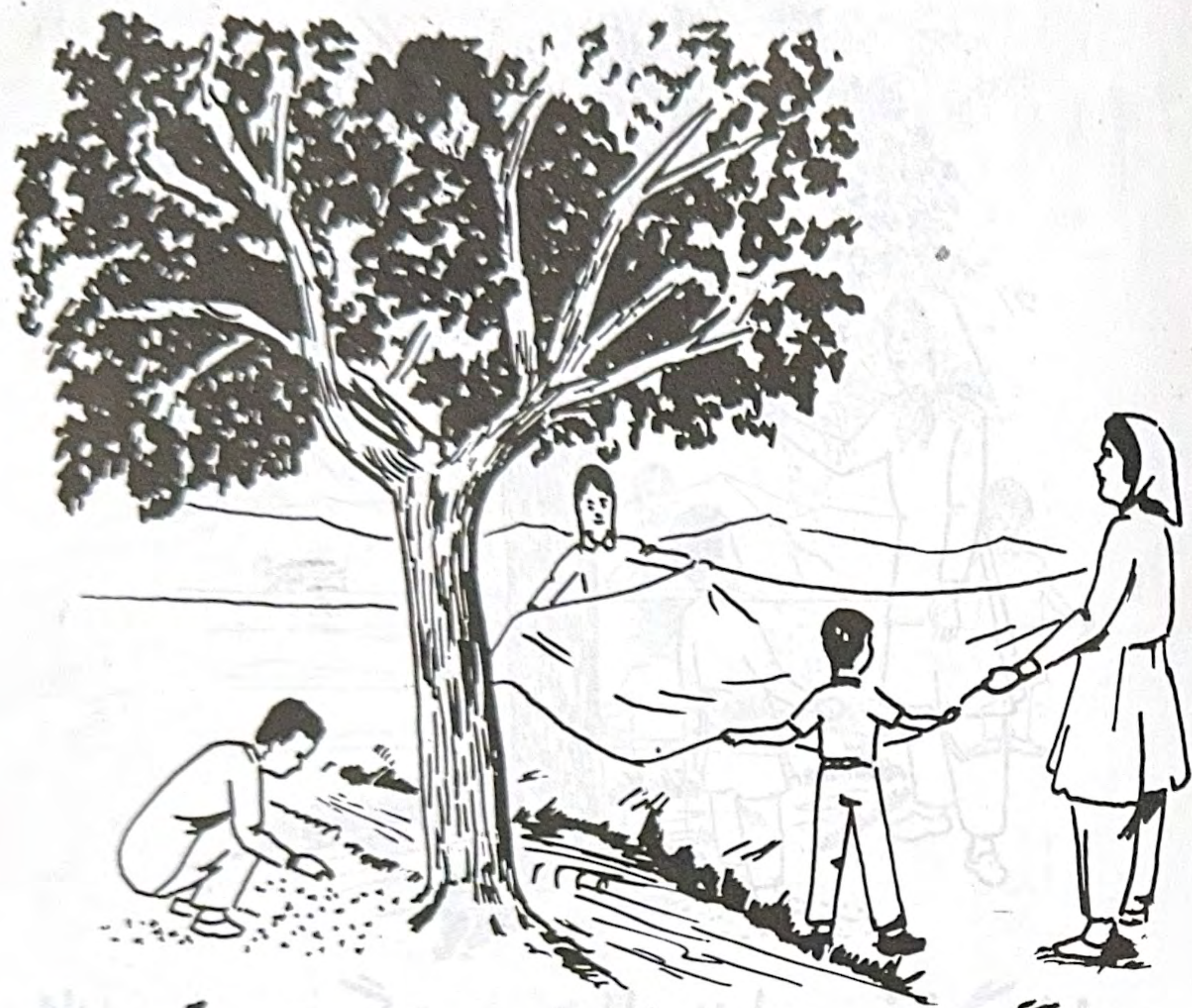
یک روز صابر به خانه اسد رفت .

طوطی را با خود برد .

طوطی گفت : « سلام ! »

مینای اسد گفت : « خوش آمدید ! »

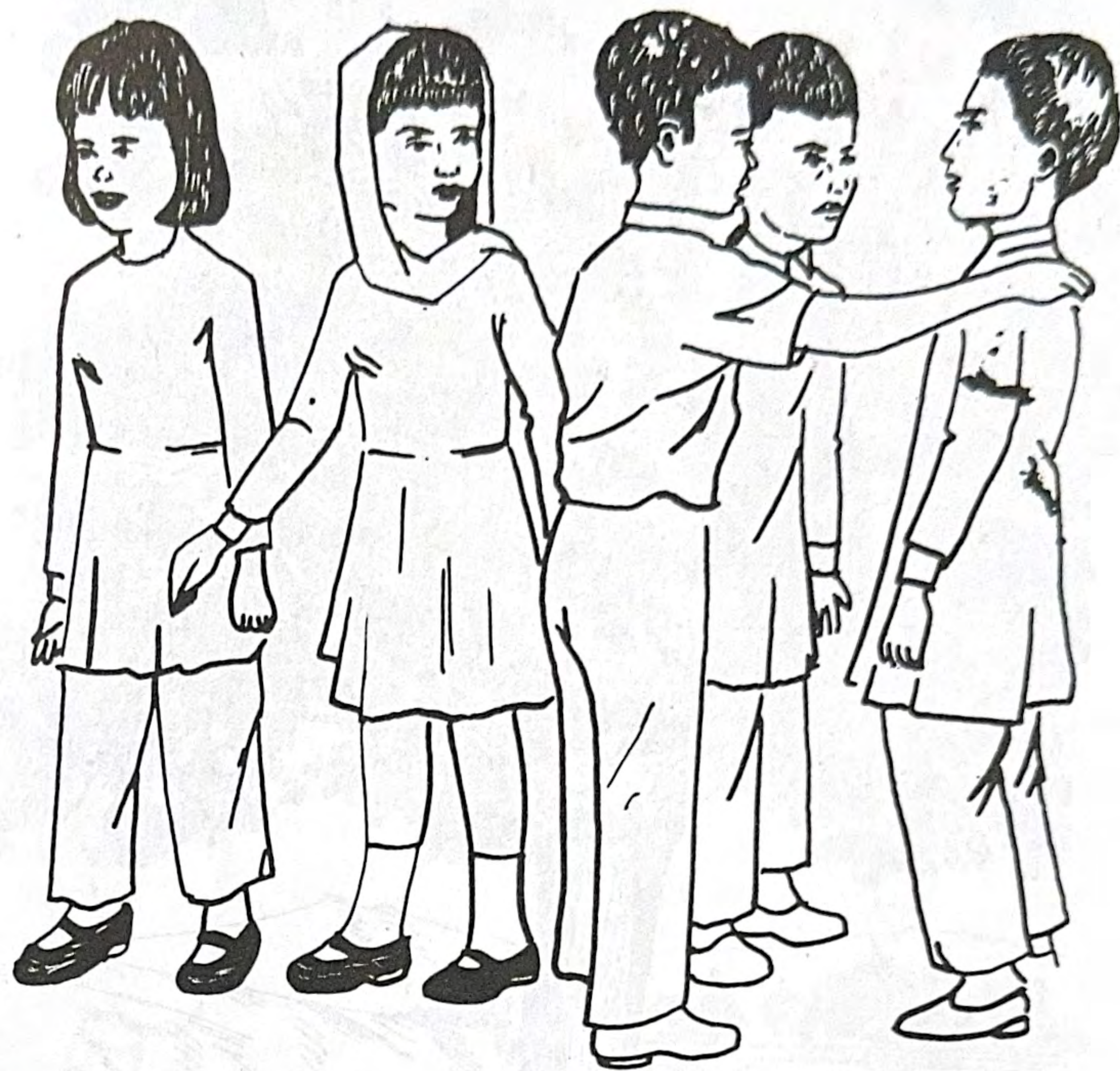
صابر از ظاهر یک ورق کاغذ قرض کرد



سالم گفت: «واه، واه! چه خوب توت
است. بیاید توت بخوریم.
در این جا توت بسیار است.
بیاید، این توت را بخوریم».

سپارش: شاگردان از این حرفها الفاظ معنیدار بسازند در کتابچه های

خود بنویسند: ت ف گ ؛ ر س ب ای



اسد به سالم گفت: «ما به میله توت میرویم.
ما با پدر و مادر خود به میله توت میرویم.
حفیظه و لطیف هم با ما میروند.

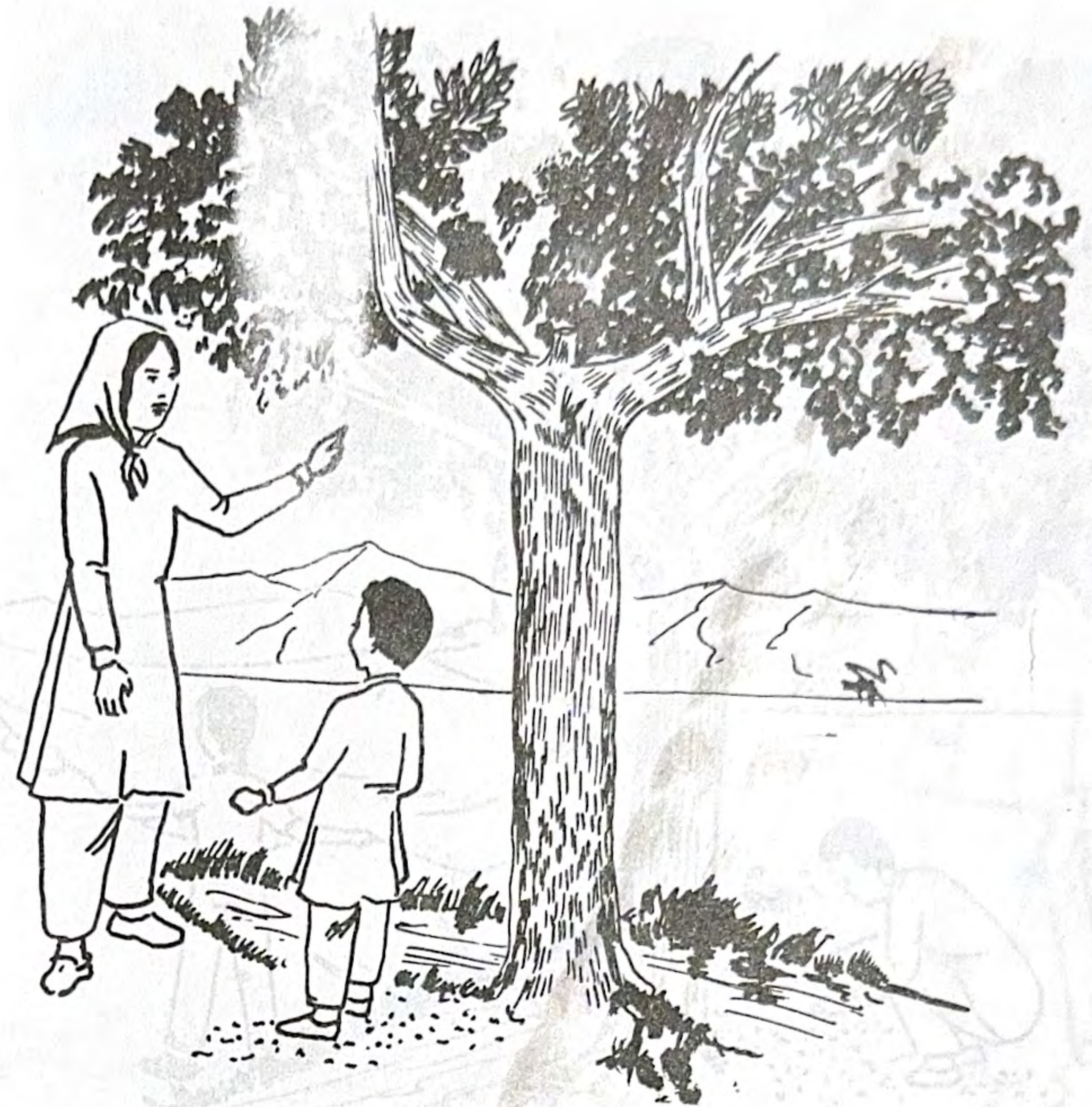
تو هم با ما برو.»

سپارش: شاگردان از این حرفها الفاظ با معنی بسازند در کتابچه های
خود بنویسند: ل ه ی م ، ب ص را



اسد گفت: سالم، تو بر درخت بالا
نشو. بین، پدر جانم بر درخت بالا
شده است. ما بر درخت بالا نمیشویم.
ما جولی میگیریم. بیاید، جولی بگیریم.

سپارش: شاگردان از این حرفها دو دو لفظ معنیدار بسازند در کتابچه های
خود بنویسند: خ د ت ر ؛ س د ا



مادر اسد گفت «سالم جان، نخور، نخور»
این توت را نخور. بیدلی، توت
این توت پاک نیست. لجنیان،
در درخت هم توت بسیار است.»

سپارش: شاگردان از این حرفها الفاظ معنیدار بسازند در کتابچه های خود
بنویسند: ر ا د م ؛ ن ح د و



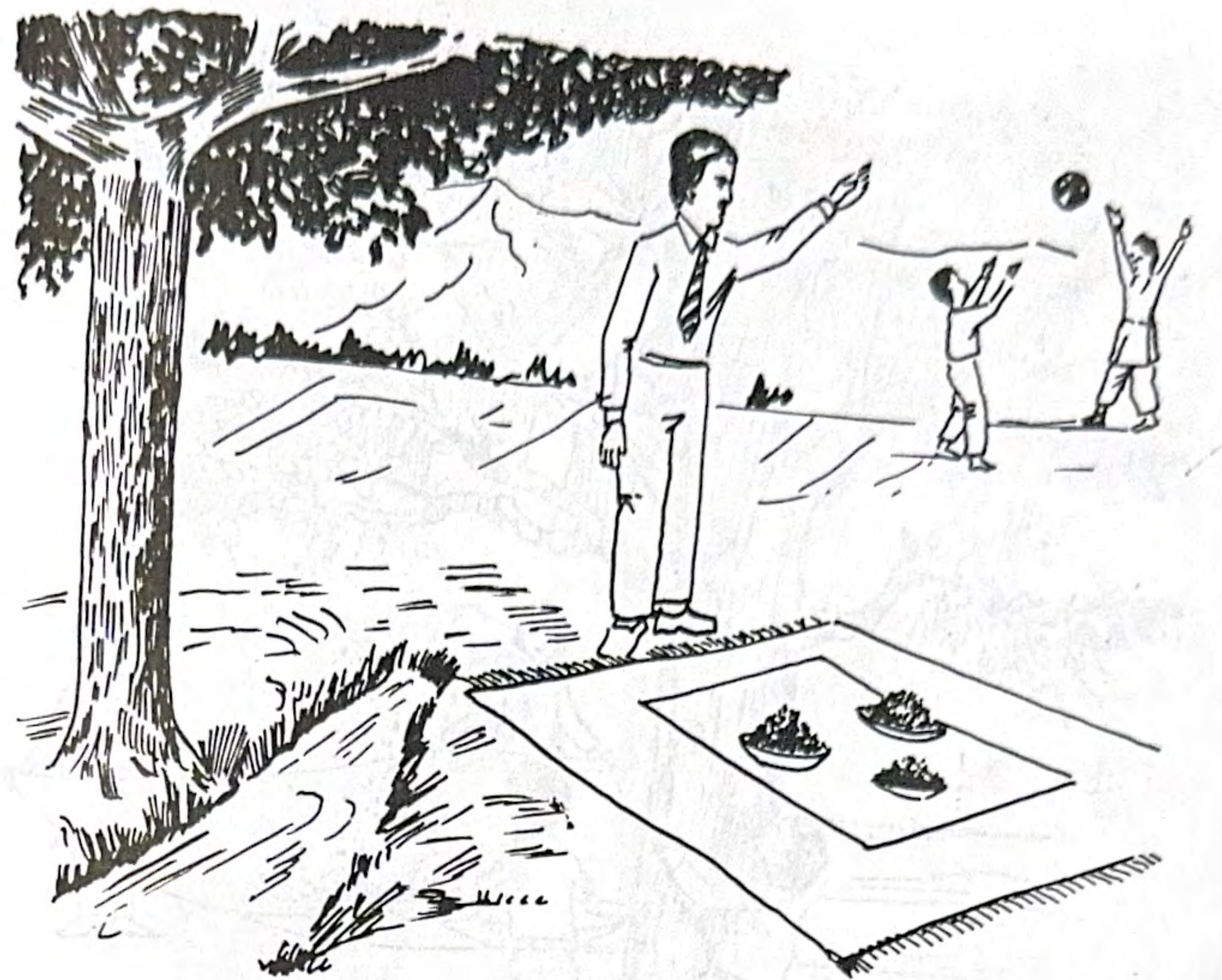
مادر اسد گفت: «نان تیار است.»

دستهای خود را بشوید.

بیاید نان بخوریم.

بیاید، این جا نان بخوریم.»

سپارش: معلم میلهٔ توت را با شاگردان در صفت به صورت مناسب مطابق پلان تمثیل کنند.



پدر اسد گفت: «لطیف، توپ را بمان،

این جا بیا.»

رازق و حفیظه را هم با خود بیار.

بیاید، همه بیاید.

بیاید توت را بشویم و بخوریم.»

سپارش: شاگردان از این حرفها دو لفظ معنی دار بسازند و در کتابچه ای خود بنویسند.

ا م ش ، و ش خ



سگ شوخ یک چوچه اسپ را دید.
 طرف چوچه اسپ دوید و غو-غو کرد.
 چوچه اسپ از پیش سگ گریخت.
 سگ شوخ از ترسیدن چوچه اسپ
 خوشحال شد. مگر چوچه اسپ خوش نشد.

پرسش‌ها:

۱- چوچه اسپ چرا از پیش سگ گریخت؟

۲- سگ شوخ چرا خوشحال شد؟

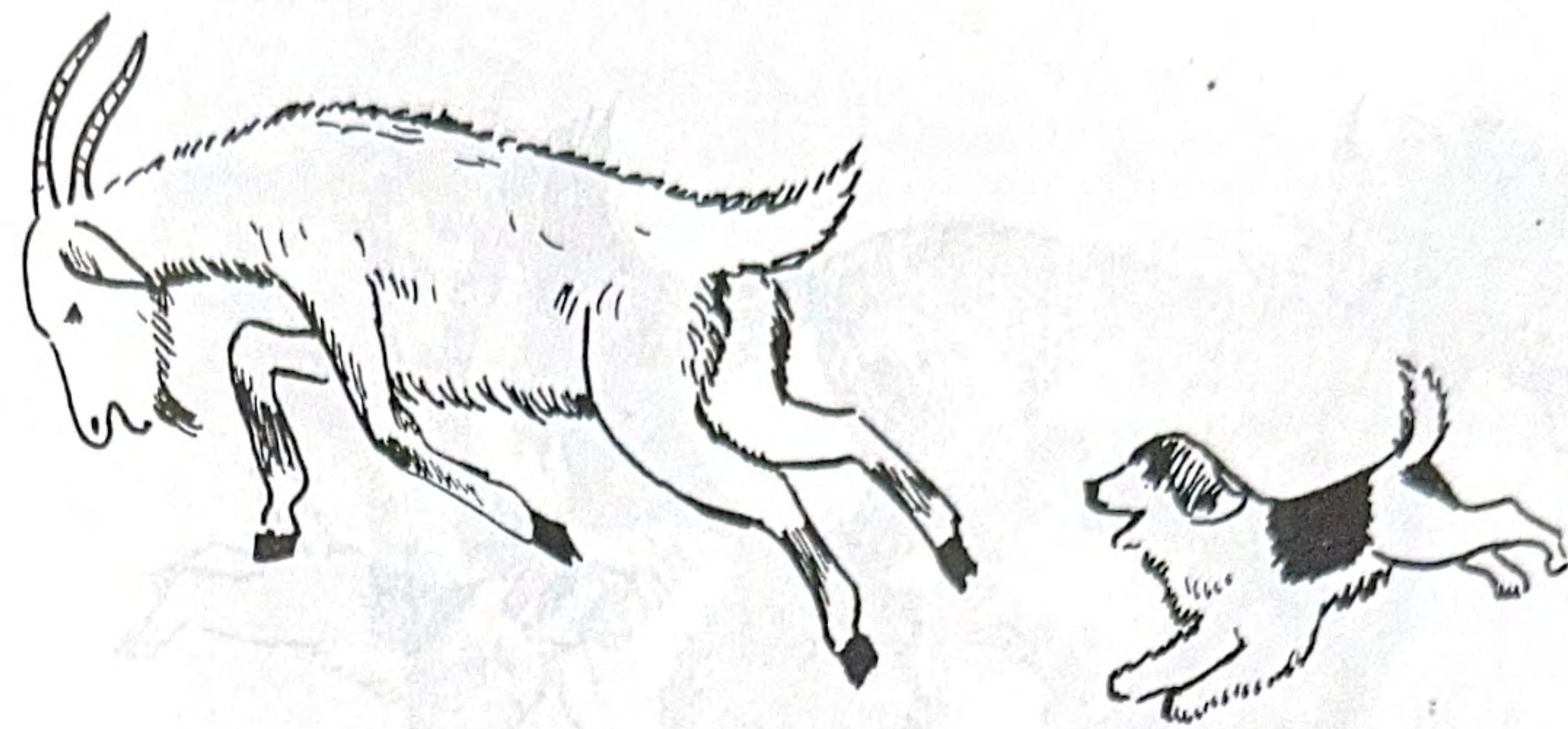


سگ شوخ



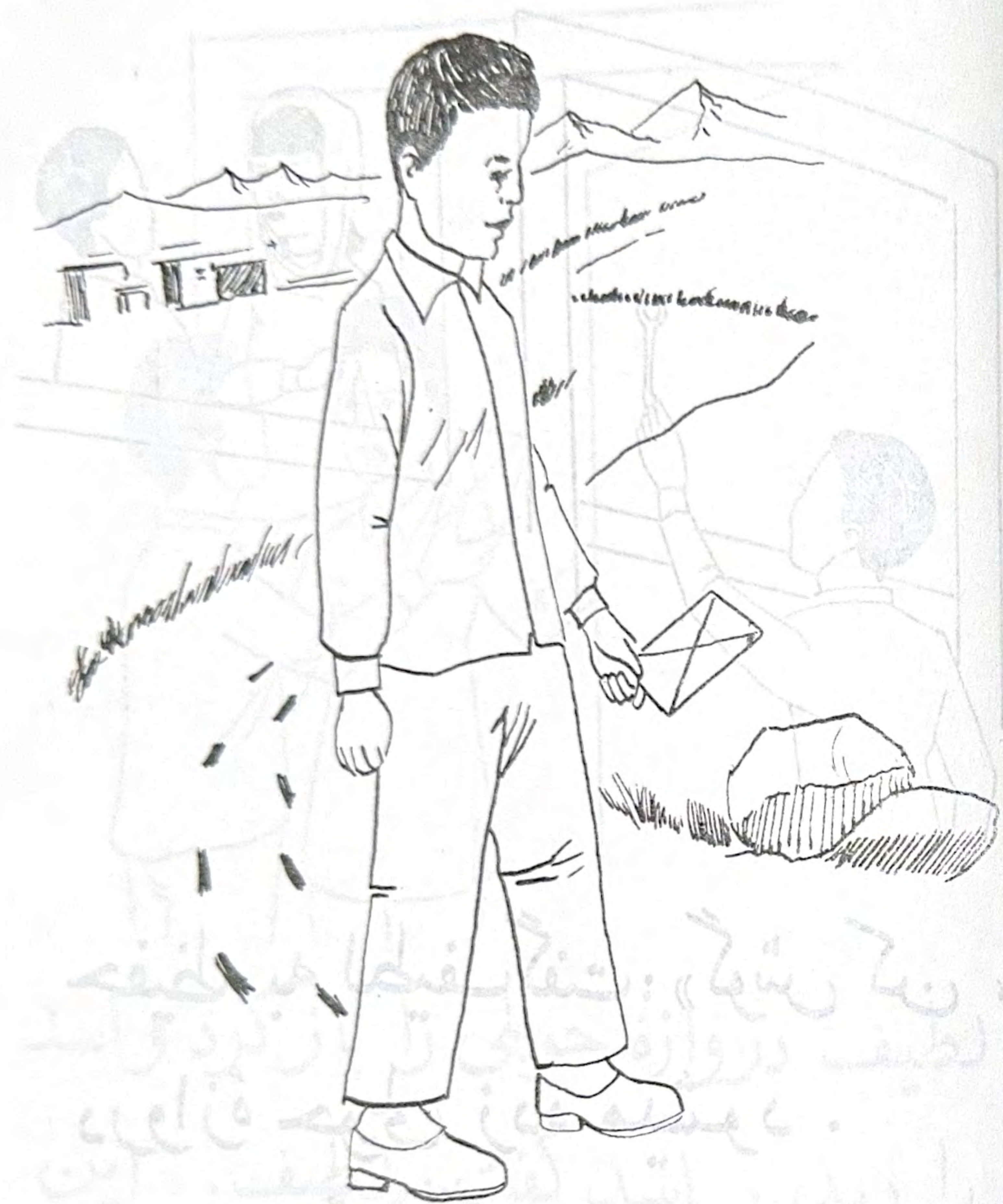
روز دیگر یک گاو را دید .
طرف گاو دوید و غوغو کرد .
گاو از پیش سگ گریخت .
سگ شوخ از ترسیدن گاو خوشحال شد ،
مگر گاو خوشحال نشد .

پرسش: در آخر این جمله ایکی از نشانه های [؟ ، ۰] را بگذارید :
۱- سگ پیش گاو رفت ۲- گاو چرا از پیش سگ گریخت

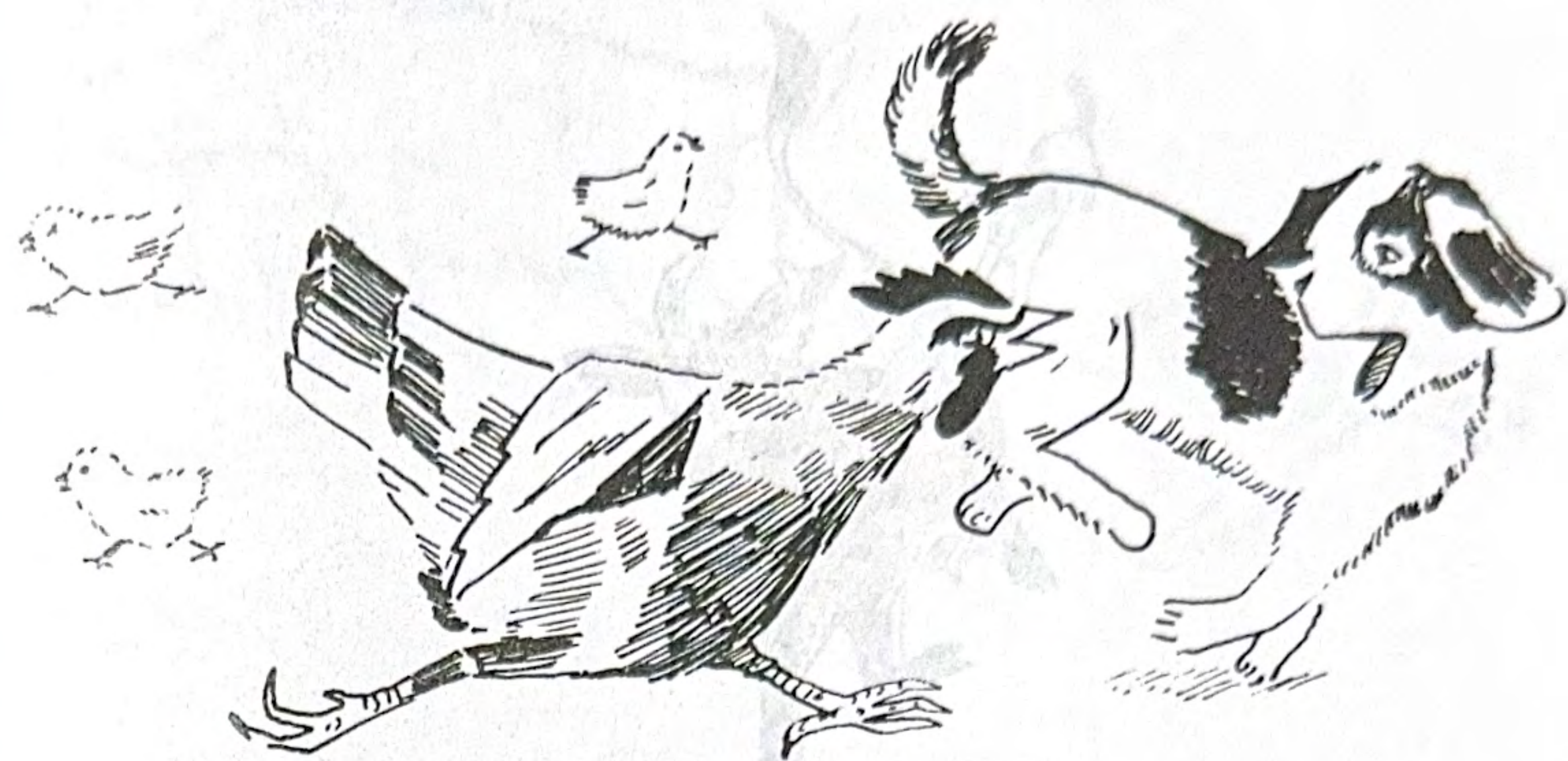


سگ شوخ روز دیگر یک بز را دید .
طرف بز دوید و غوغو کرد .
بز از پیش سگ گریخت .
سگ شوخ از ترسیدن بز خوشحال شد ،
مگر بز خوشحال نشد .

سپاش: شاگردان این صفحه را در خانه رونویس کنند .



برفی



روز دیگری مرغ و چوچه‌های مرغ را دید.
 طرف آنها دوید و غوغو کرد.
 چوچه‌های مرغ از پیش سگ گریختند.
 مگر مرغ از پیش سگ نگریخت.
 مرغ قد-قد کرد و سگ را نول زد.
 سگ از پیش مرغ گریخت و رفت.

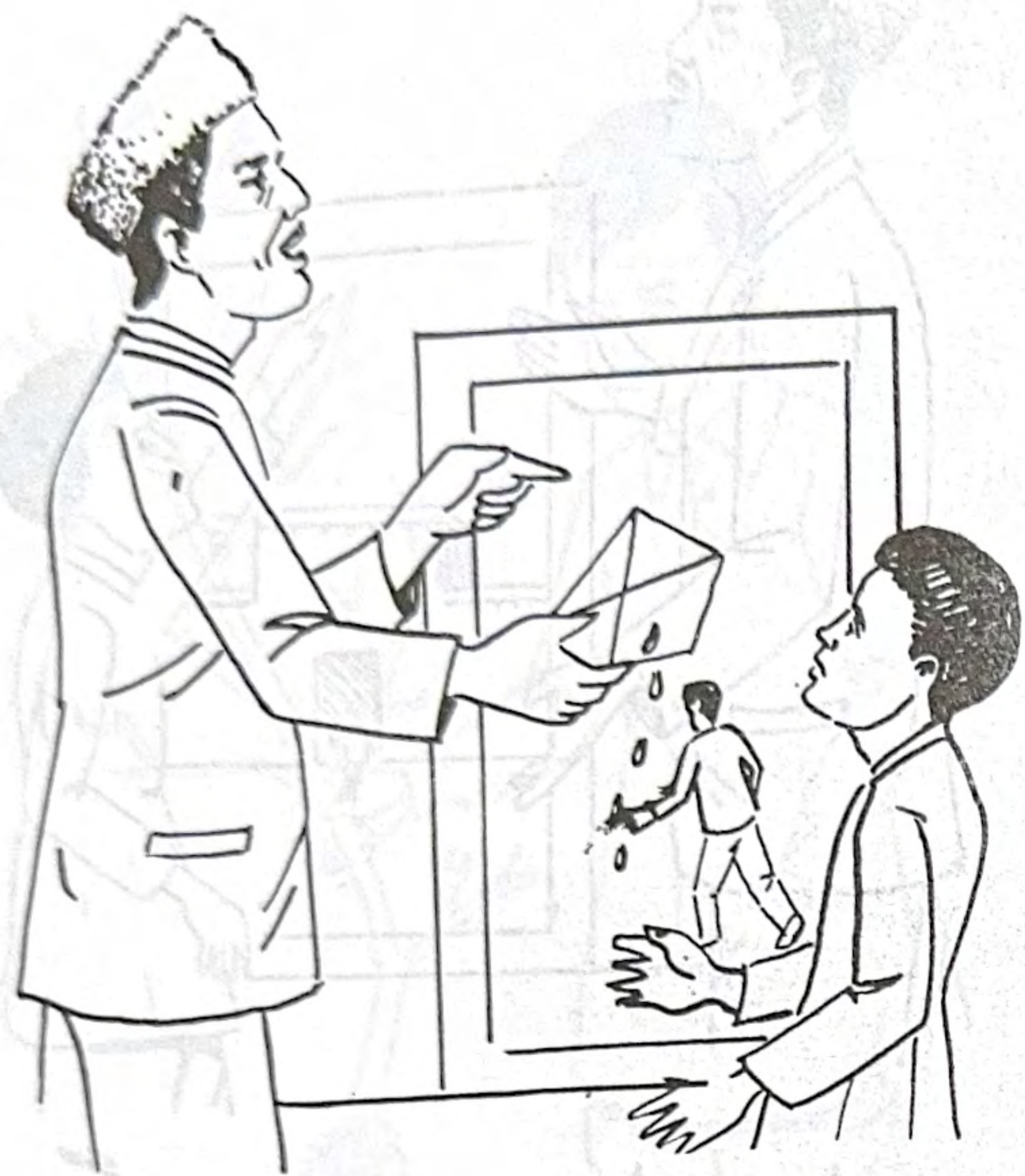
سپارش : ۱- شاگردان تمام این قصه را به زبان خود بگویند. ۲- شاگردان
 ناهای حیوانات خانگی ردحش را بگیرند و در کتابچه‌های خود بنویسند.



لطیف دروازه حویلی را باز کرد و اسد
 را دید . اسد گفت : «لطیف، این
 پاکت را پدرم داده است .
 این پاکت را به خانه ببر .»
 سپارش : شاگردان جمله‌های این صفحه را در خانه رونویس کنند .



حفیظه به لطیف گفت : «گوش کن ،
 دروازه حویلی زده میشود .
 در این وقت کی خواهد بود ؟
 بدو، دروازه را باز کن .»
 سپارش : شاگردان جمله‌های صفحه را در خانه رونویس کنند .



پدر لطیف گفت: «اوه! در پاکت
برف است. اسد برفی آورده است.
اسد چه شد؟ هله بدو! اسد
را بگیر.»

سپارش: شاگردان از این کلمه با جمله بسازند؛ «در کتابچه های خود بنویسند و نشان-
گذاری کنند: اوه گفت برفی اسد شدیم

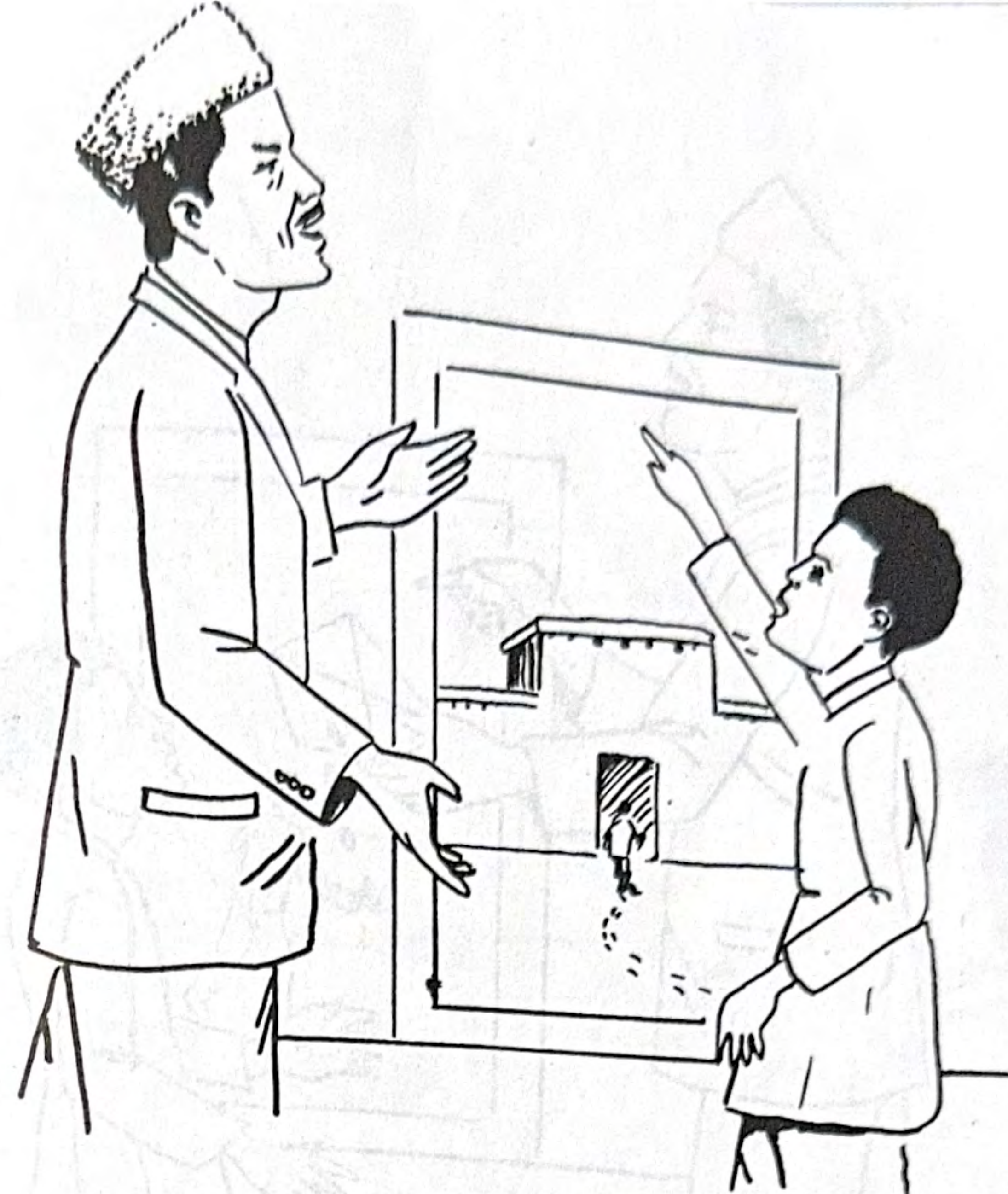


لطیف گفت: «پدر جان، اسد این
پاکت را آورده است.
پاکت را پدر اسد فرستاده است.
پاکت را برای شما فرستاده است.»

سپارش: شاگردان از این کلمه با یک جمله بسازند. آن را در کتابچه های خود
با نشانه گذاری بنویسند. پاکت اسد را فرستاده پدر است



نهالستانی رازق



لطیف گفت: «پدرجان، اسد وقت
گریخته است. اسد به طرف خانه
خود رفته است. اسد وقت رفته
است.» پدر گفت: «اوه! ما برفی شده ایم.
ما باید آنها را مهمانی بدهیم.»

سپارش: ۱- اگر کسی از شاگردان برفی شده باشد، قصه آن را بگوید.
۲- شاگردان این قصه را خودشان در صنف تمثیل کنند.



پدر گفت: « نهال خود را در باغچه
حویلی بنشان . »

رازق نهال را در حویلی نشاند .
نهال را هر هفته آب میداد . چند
روز گذشت ، نهال سبز شد و برگ کرد .

سپارش : شاگردان باگفتن و نوشتن حرفهای مناسب کلمه های این جمله را تکمیل کنند:

ازق - هال - ا - ر - ویلی - شانند



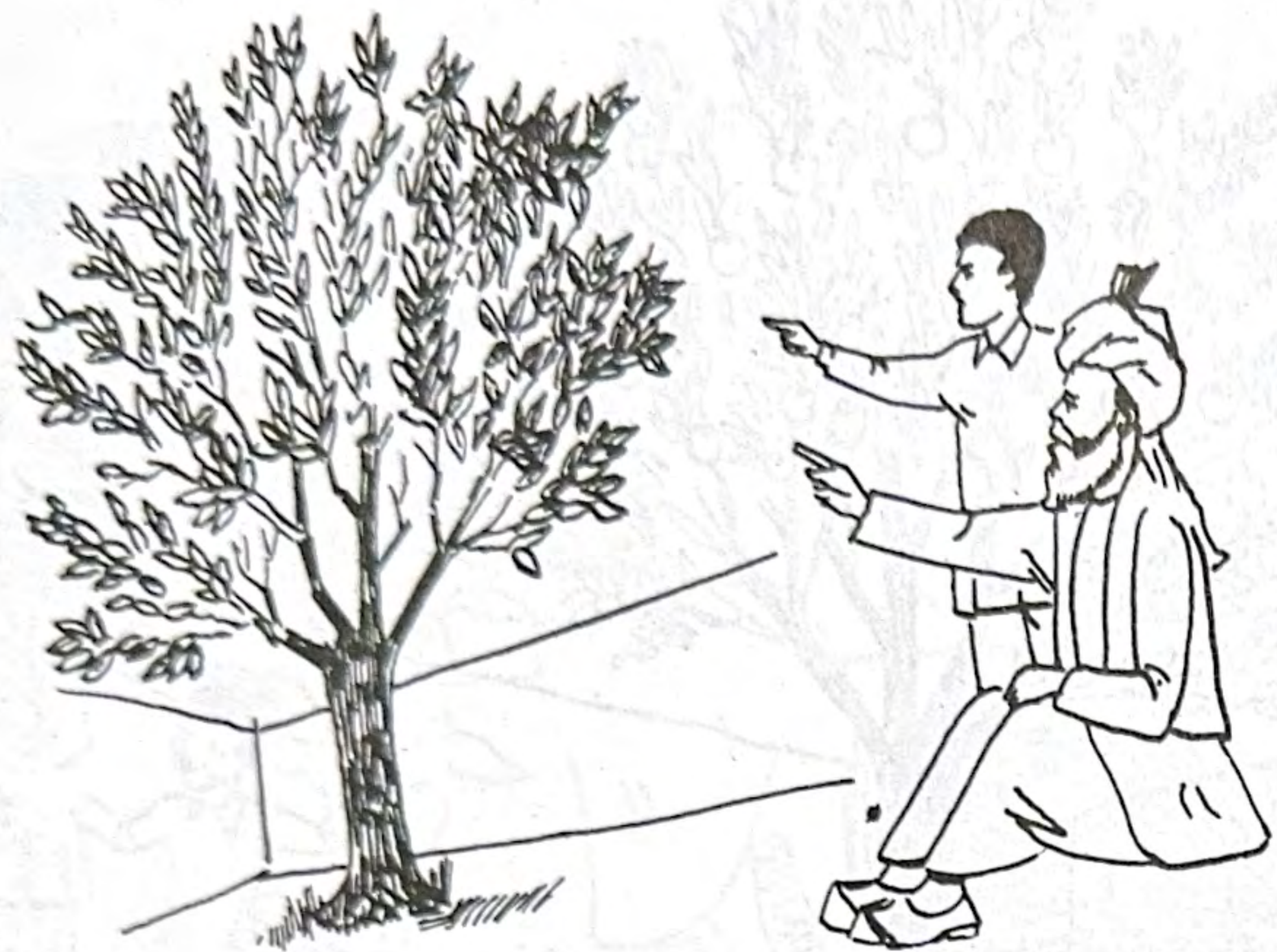
رازق یک نهال آورد .

نهال را پیش پدر خود برد و گفت :

« پدر جان من میخواهم این نهال را بنشانم .
این نهال را در کجا بنشانم ؟ »

سپارش : شاگردان باگفتن و نوشتن حرفهای مناسب این کلمه را

تکمیل کنند: هال ، حت ، یش



روز دیگر رازق به پدر خود گفت .

«پدر جان، نهال من چی وقت میوه میکند؟»

میوه آن چی وقت پخته میشود؟»

پدر گفت: «این درخت هنوز خورد است.»

این درخت امسال میوه نمیکند.

تو این درخت را هر هفته آب بده.»

سپارش: شاگردان باگفتن و نوشتن حرفهای مناسب کلمه های این

جمله را تکمیل کنند: میوه - ن - ی - ق ت - خته میشود



رازق پیش پدر خود رفت و گفت:

«پدر جان، نهال من سبز شده است.»

نهال من کلان شده است.

بیایید، نهال مرا ببینید. این نهال الوبالو

نیست؟»

پدر گفت: «این نهال برگهای کلان دارد.»

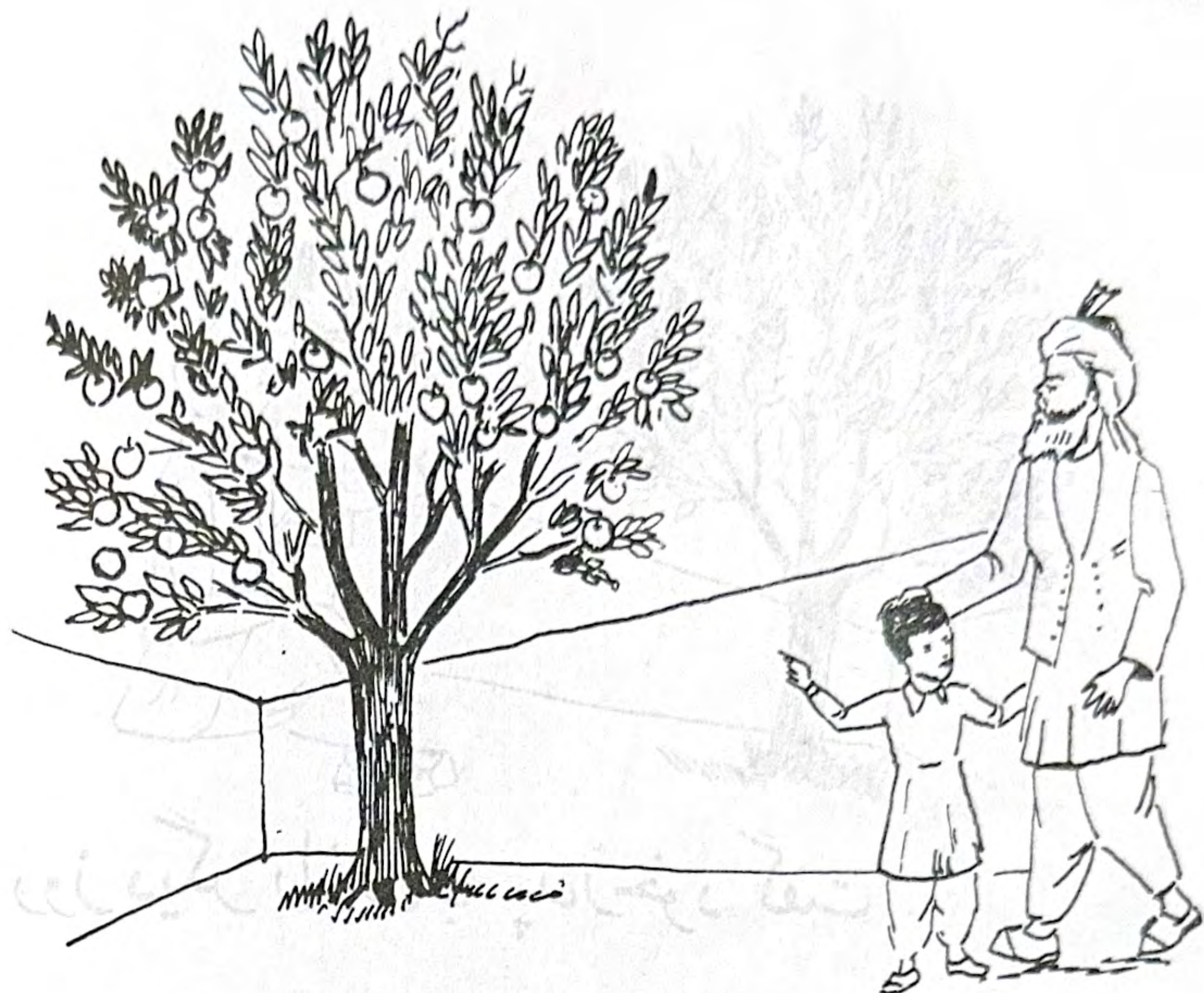
برگهای الوبالو خورد است.»

سپارش: شاگردان باگفتن و نوشتن حرفهای مناسب کلمه های این جمله را

تکمیل کنند: یابید - هال - را - ببینید .



خرمن گندم



سال دیگر درخت رازق شکوفه کرد . رازق شکوفه هازا

در درخت دید . پیش پدر خود دویده رفت و گفت :

«پدر جان ، درخت من شکوفه کرده است . درخت من

درخت سیب است . درخت من بسیار سیب

خواهد کرد .»

سپارش : شاگردان با گفتن و نوشتن حرفهای مناسب کلماتی این جمله را تکمیل کنند :

ال - یگر - رخت - ازق - کوفه - رد

بی زحمت راحت نیست .



سالم و لطیف سرخرمن رفتند.

لطیف گفت: «سالم، بین پدرم خرمن

گندم را میده میکند.

خرمن گندم را با چپر میده میکند.

بیا بالای چپر سوار شویم.»

سپارش: شاگردان با انتخاب گفتن و نوشتن یکی از این کلمه ها [دست،

پای، چوب، چپر] این جمله را تکمیل کنند:

خرمن گندم را با میده میکنند.



لطیف به سوی خرمن میرفت . رفیق

خود سالم را در راه دید .

خواست او را با خود ببرد .

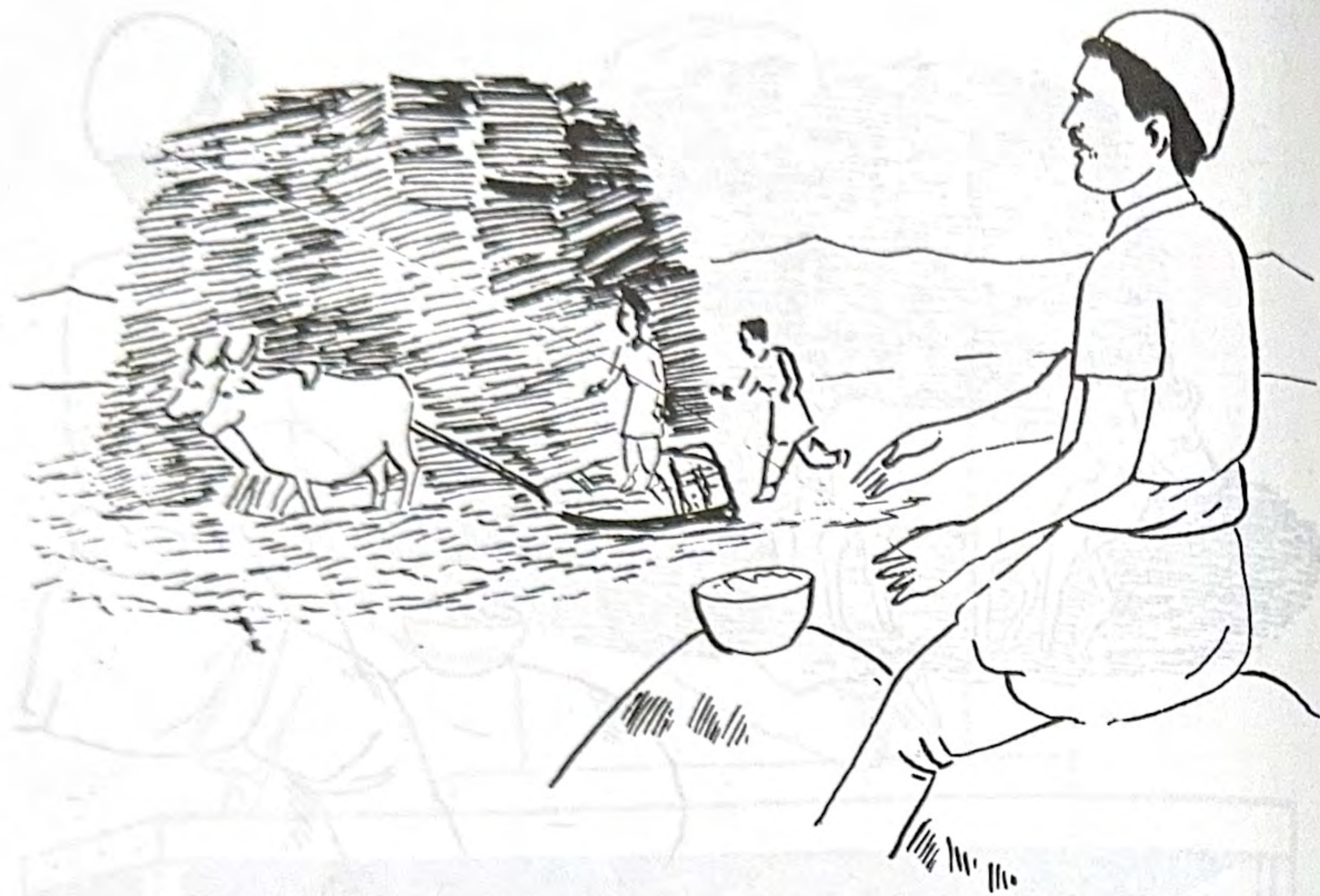
لطیف به سالم گفت: «من به خرمن میروم.

تو هم با من میروی؟»

سپارش: شاگردان با انتخاب گفتن و نوشتن یکی از این کلمه ها

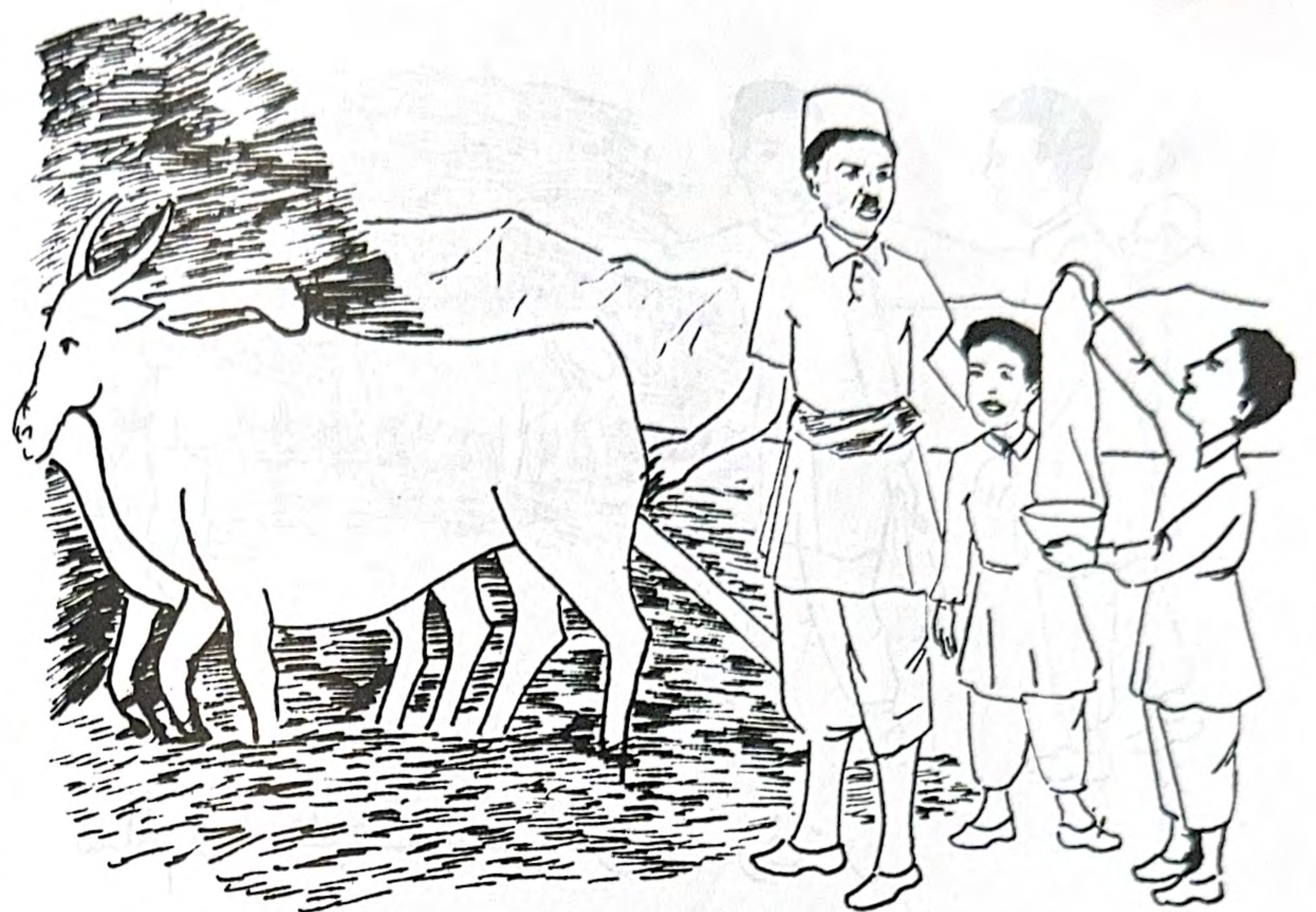
[راه، خواست، میروم] این جمله را تکمیل کنند:

سالم ... او را با خود به خرمن ببرد .



پدر لطیف گفت: «بسیار خوب، من نان میخورم، تو چیر را بگردان . سالم بالای چیر سوار شود.»

سپارش: شاگردان با انتخاب، گفتن و نوشتن یکی از این کلمه [میخورد، میخورم میخورید] این جمله را تکمیل کنند . من نان



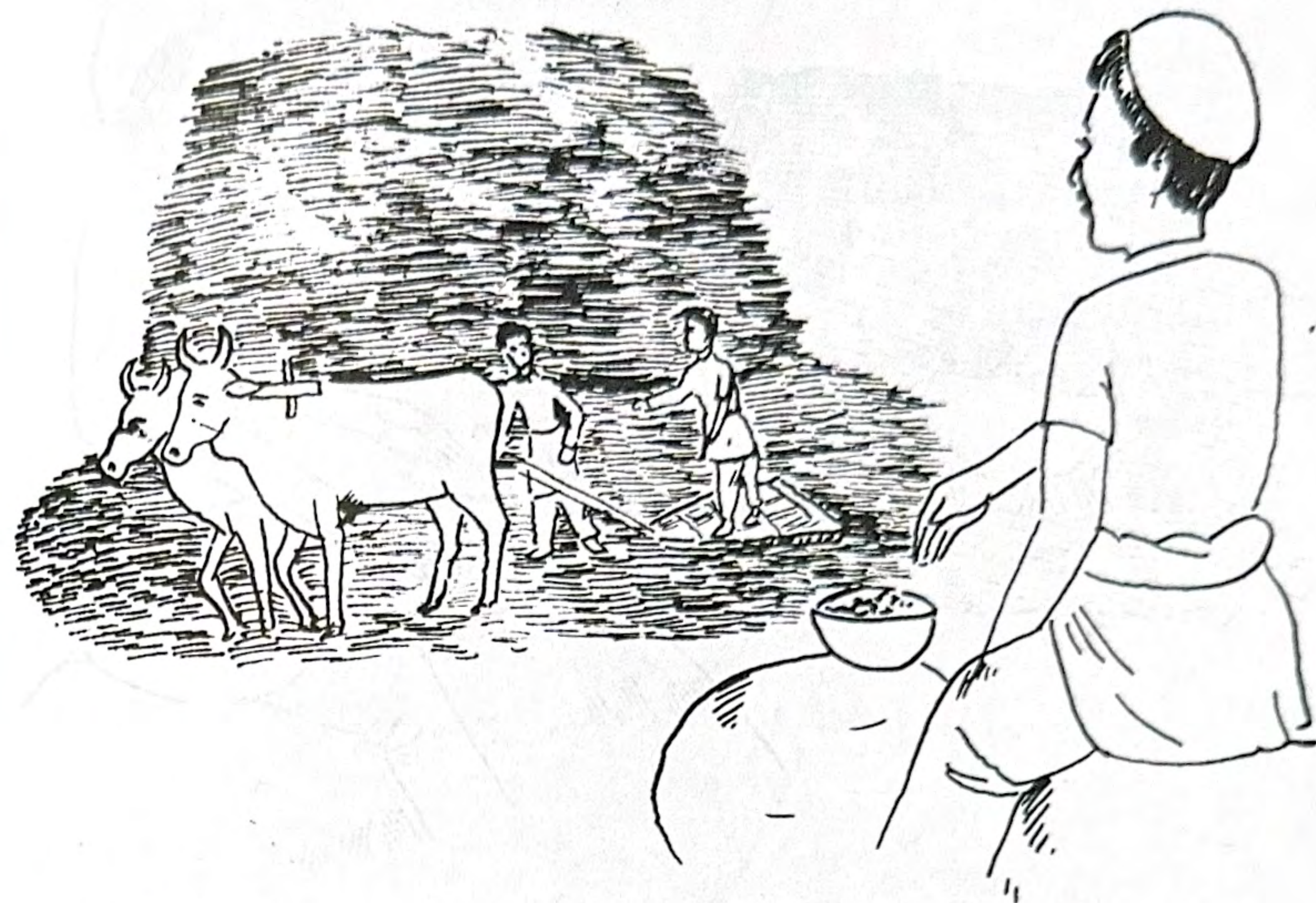
لطیف گفت: «پدر جان، سلام! من آمدم. سالم هم با من آمده است. برای شما نان آورده ایم.»

شما نان بخورید. ما چیر را میگردانیم.»

سپارش: شاگردان با انتخاب، گفتن و نوشتن یکی از این کلمه [گفت، چیر، نان، با] این جمله را تکمیل کنند: برای شما - آورده ایم.



نجار



لطیف گفت: «سالم، بیا من چپرا میگردانم.
تو بالای چپر سوار شو.»

سالم گفت: «بسیار خوب، من بالای چپر
سوار میشوم.»

تو چپر را بگردان.»

سپارش: شاگردان هر کدام از تجربه خود و آن چپ که در این قصه آموخته اند، بگویند
نان چپ گون به دست می آید.



نازو گفت: «بسیار خوب، بیا برویم»

در خانه نوما نجار کار میکند.

نجار ما حفیظ نام دارد. نجاری کار

خوب است.»

سپارش: شاگردان ضد کلمه‌های [بسیار، خوب، نو] را در کتابچه‌های

خود بنویسند:



رازق به نازو گفت: «پدر جانم خانه

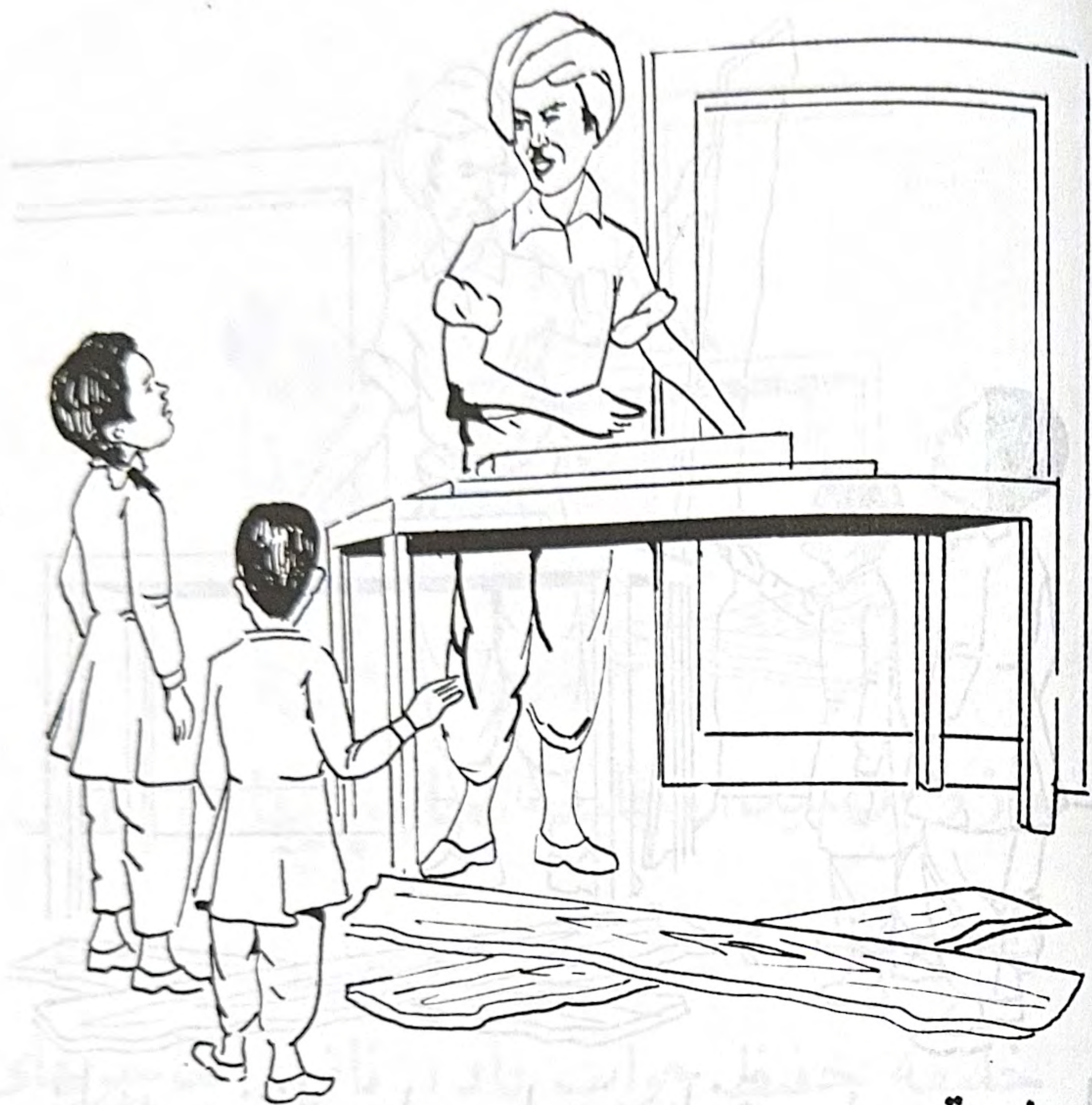
ساخته است.»

پدر جانم برای ما خانه نو ساخته است.

خانه نو ما حویلی کلان دارد. بیا به خانه

نو ما برویم.»

چیستان: یک توته گل تمام خانه کاهگل.



رازق پرسید: «خلیفه نجار، اتاقها

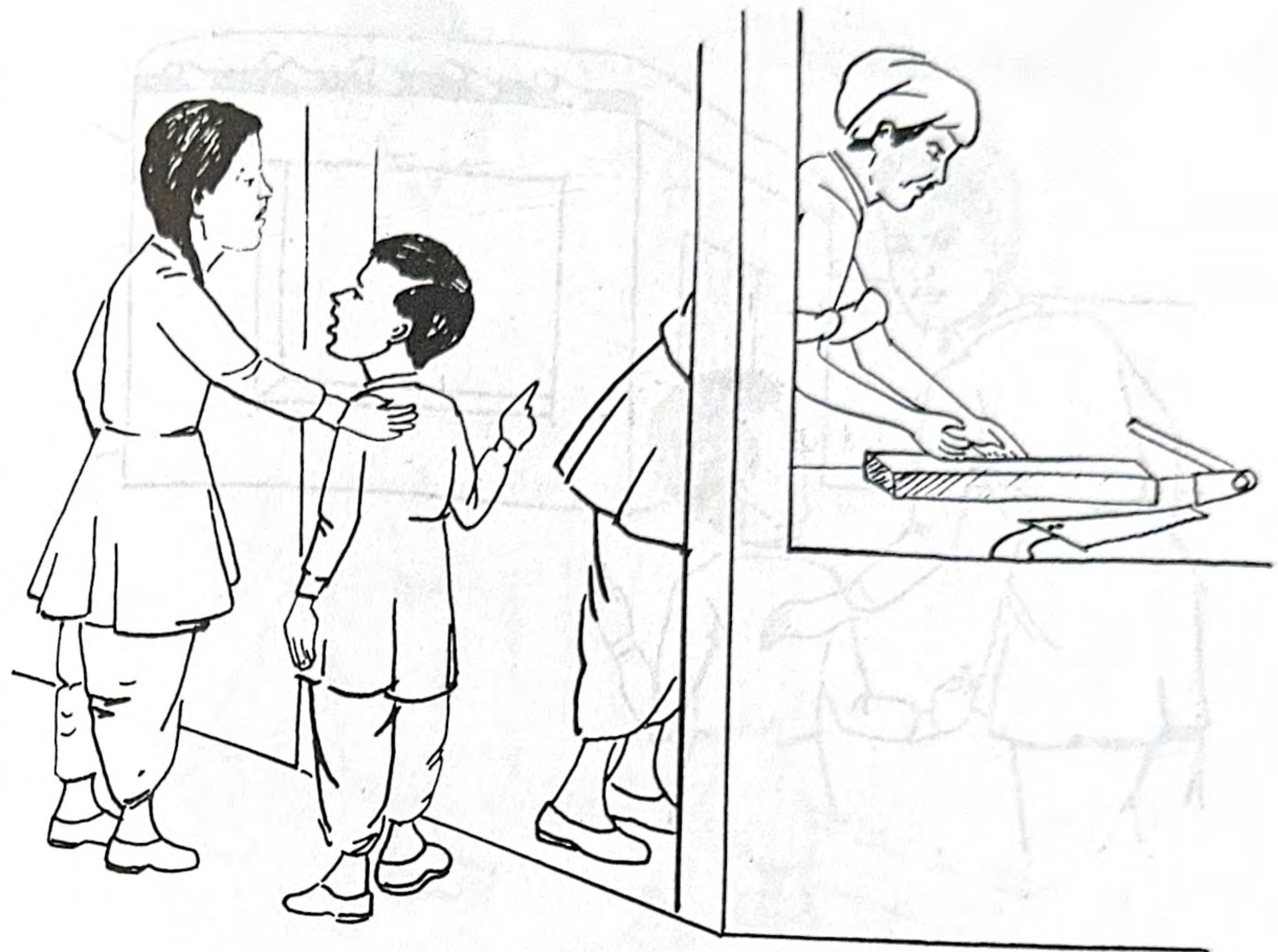
دروازه ندارد.

دروازه های اتاقها کجاست؟

اتاقهای ما دروازه ندارد. اول دروازه اتاق

ما را بساز؟ باز دروازه حویلی را بساز.

سپارش: شاگردان از چیزهایی که نجار میسازد، نام بگیرند و آنها را در کتابچه های خود بنویسند.

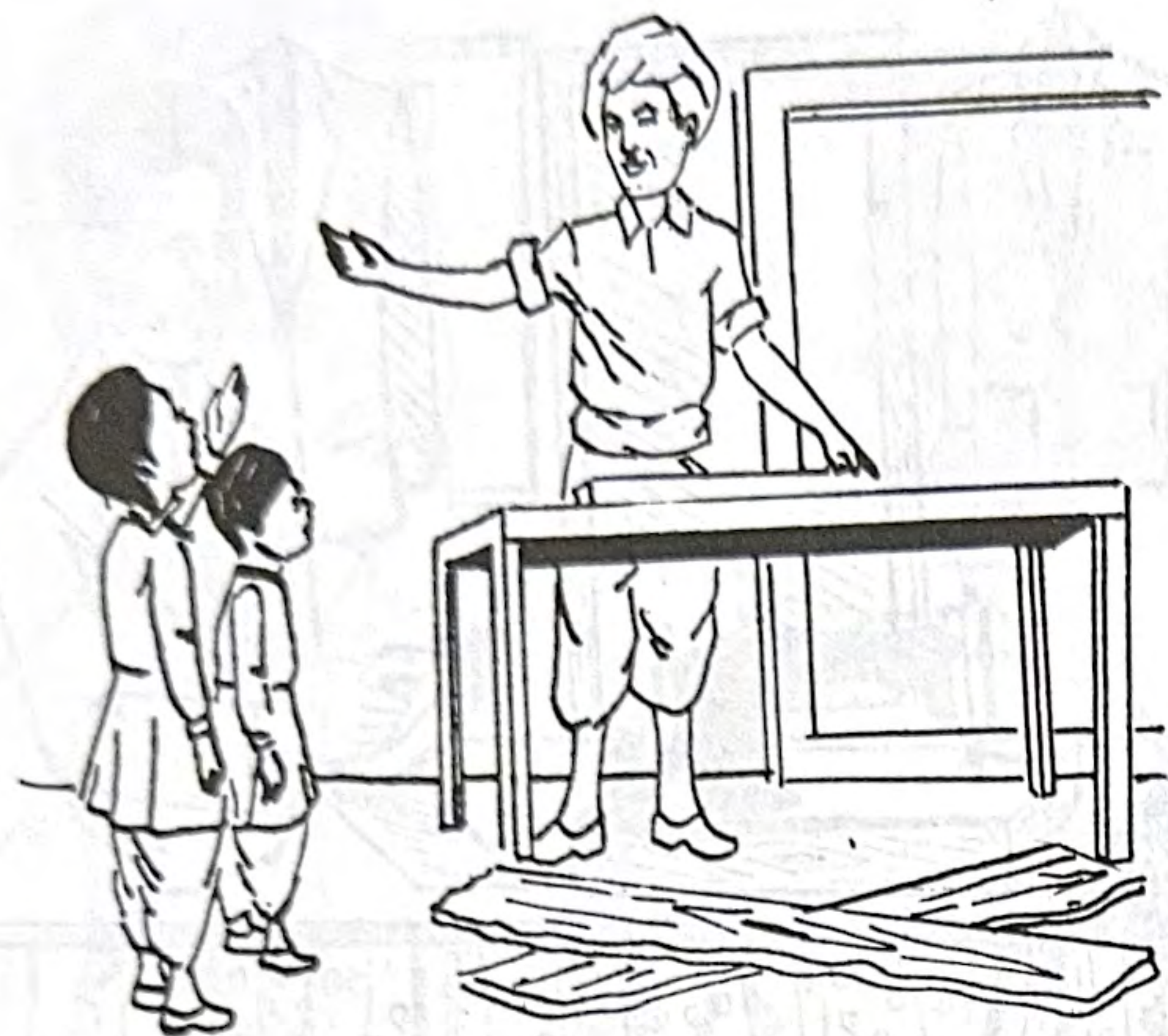


رازق گفت: «بازو، نجارچی را میسازد؟»

نازو گفت: «نجار دروازه حویلی را میسازد.

نجار اره دارد، تیشه دارد؛ رنده دارد.

نجار با اره، تیشه و رنده کار میکند.»



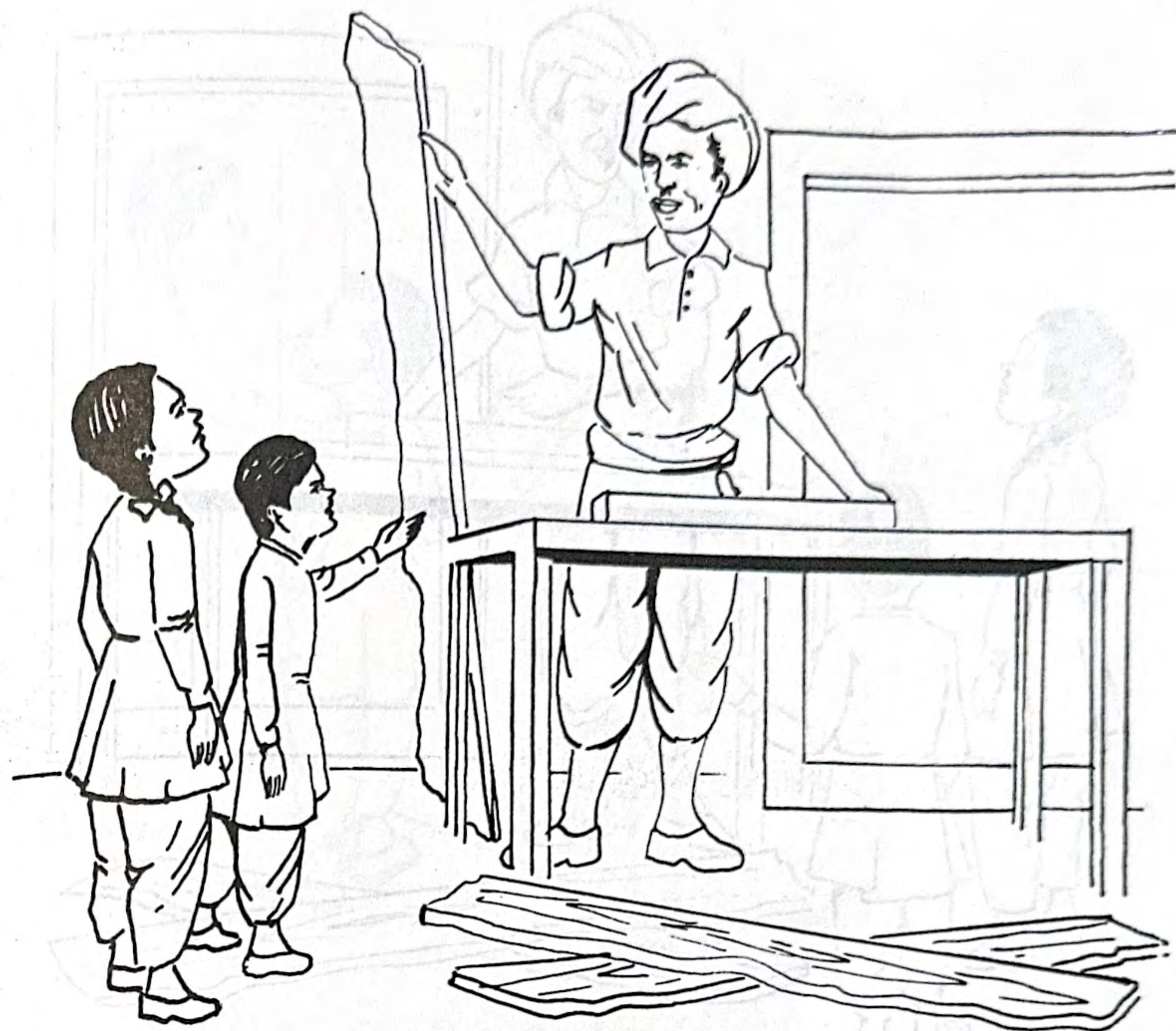
نازو پرسید: «خليفة نجار چوبهای نازک کجاست؟»

خليفة حفيظ جواب داد: نازو، ما چوبهای نازک نداریم.

پدرت برای دروازه‌های اتاقها چوب می‌آورد.

فردا دروازه‌های اتاقها را میسازم.»

سپاش: شاگردان با استفاده از کتاب و تجارب خود فهرستی از افزار کار را ترتیب داده آنها را بگویند و در کتابچه‌های خود بنویسند.



خليفة حفيظ جواب داد: «رازق، این چوبها

برای دروازه‌ حویلی بریده شده است.

دروازه‌ حویلی از چوب لك ساخته میشود.

دروازه‌های اتاقها را از چوب نازک میسازم.»

سپاش: شاگردان بگویند که حویلهای شان چند اتاق دارد، آنها را نام بگیرند و در کتابچه‌های خود بنویسند.



اسد به سالم گفت: «لباس من کهنه شده است؛ من پیش خیاط میروم. تو هم با من پیش خیاط میروی؟»

سپارش: شاگردان این جمله را تصحیح کنند و در کتابچه های خود بنویسند.

۱- من پیش خیاط میروم ۲- تو پیش خیاط میروم

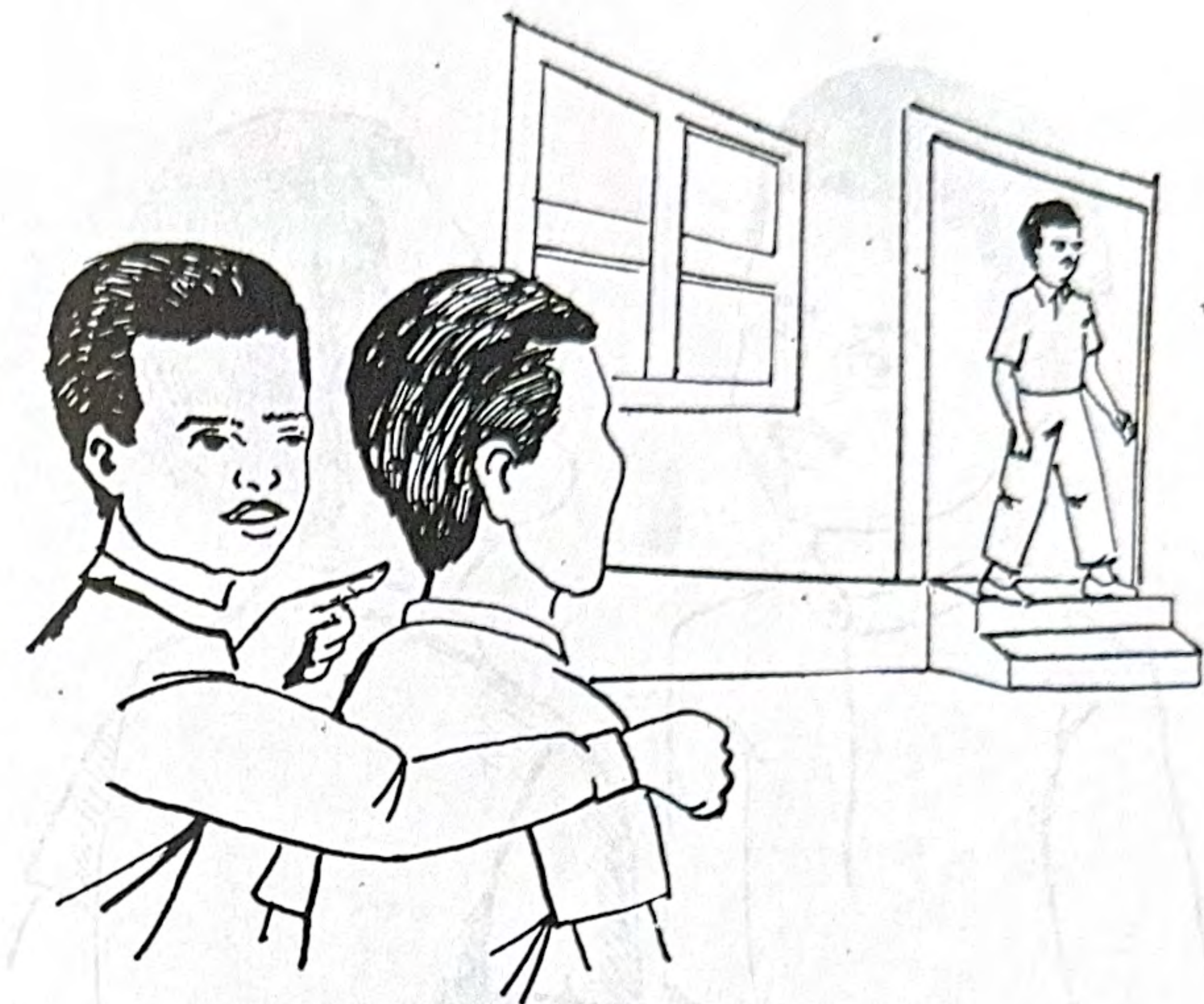


خیاط



سالم گفت: « پدر جان، اسد از مادر خود اجازه گرفته است. پیش خیاط میرود. لباسهای من هم کهنه شده است. میخواهم باشما یکجا پیش خیاط برویم. »

سپایش: شاگردان جمله های این صفحه را در کتابچه خود رونویس کنند.



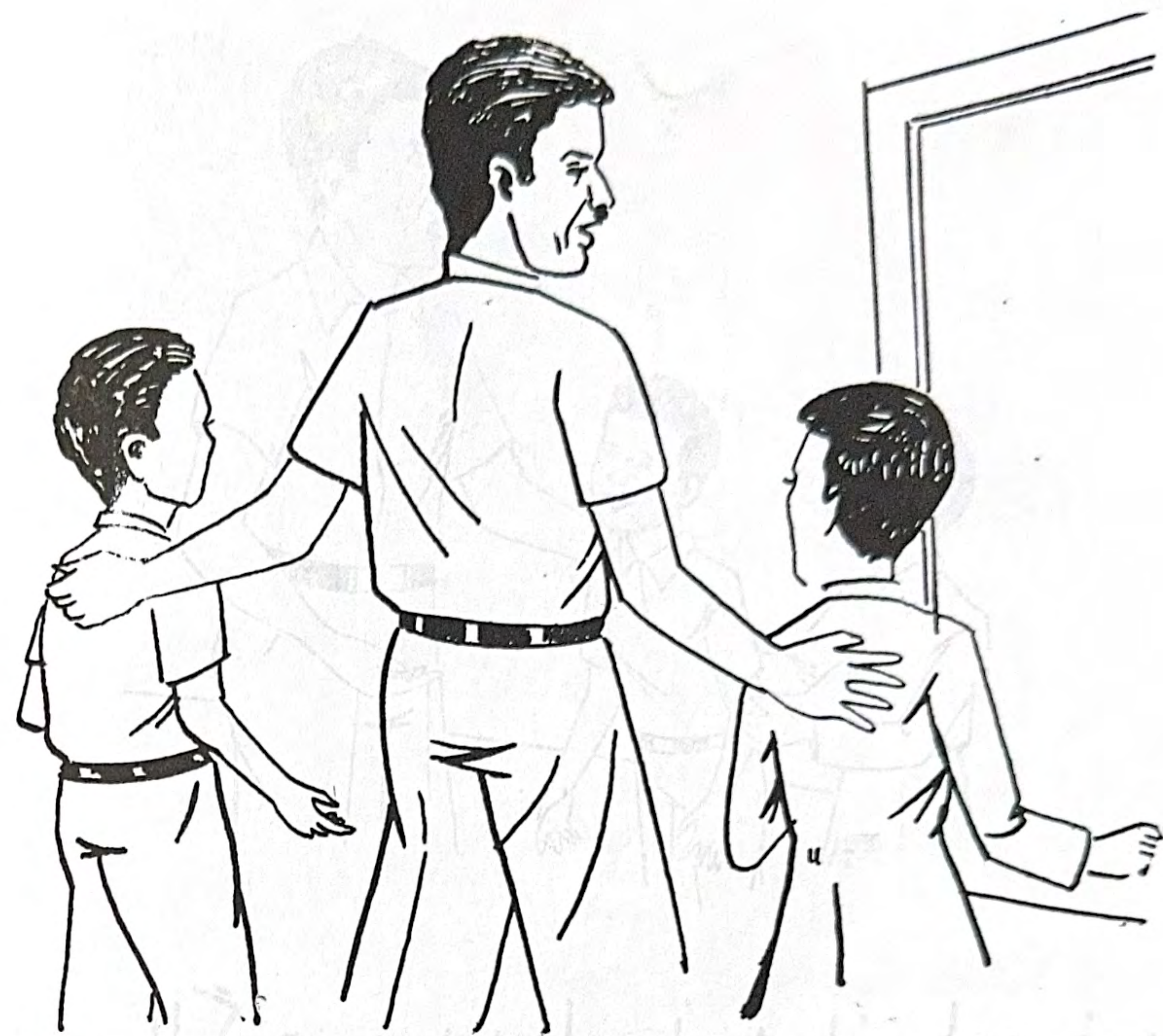
سالم گفت: « بیا به خانه ما برویم. پدر من هم پیش خیاط میرود. برای خود کالا تیار میکند. کالای من هم کهنه شده است. من هم برای خود لباس تیار میکنم. »

سپایش: شاگردان کلمات مناسب را در جاهای خالی جمله استعمال کنند و جمله را در کتابچه های خود بنویسند: خانه، خیاط، تیار، پدر من پیش میرود. بیا به ما برویم.



خلیفه عوض چند روز بعد لباسهای آنها را
تیار کرد. کالای اسد را مثل کالای سالم دوخت.
وقتی که لباسهای آنها را میپوشاند، گفت: خود را
در آینه ببینید، چي خوب معلوم میشوید.

سپارش: شاگردان بگویند که لباسهای شان را کی میدوزد.



پدر سالم گفت: «بلی، لباس من هم کهنه
شده است. من هم به دکان خیاط میروم.
بیایید، همه یکجا به دکان خلیفه عوض خیاط
برویم و لباسهای خود را تیار کنیم.»

سپارش: هر شاگرد پیشه مورد پسند خود را بگوید. و فواید آن را بیان کند.



پیرزن و پیشک



پدر سالم به آنها گفت: «کالاهای شما خوب
 دوخته شده است. لباسهای خود را همیشه
 پاک نگاه کنید.
 بچه های خوب لباسهای خود را پاک نگاه
 میکنند و هر وقت پاک میباشند.»
 سپارش: شاگردان با استفاده از کتاب فهرستی از پیشک را ترتیب داده آنها را
 بگویند و در کتابچه های خود بنویسند.



پیش از این، پشک گفت: «بمان، بمان پشو را نگیر»

پشو از من است.»

پیر زن گفت: «پشک-پشک، شیر از من

بود. چوچه تو شیرم را خورد. برو برایم شیر

بیار. شیر بز بیار.»

سپارش: شاگردان جمله های این صفحه را در کتابچه های خود رونویس کنند



پیر زن گفت: «پشو-پشو، نکن-نکن، شیر

را نخور. این شیر را بزک من داده است.

شیر از من است.»

سپارش: شاگردان کدام چیزی را که خودشان بخواهند رسم کنند»

صنف «بارۀ آن گپ بزنند»



بز گفت: «پشک پشک، تو برایم برگ بیار.
من برایت شیر میدهم. شیر را به پیر زن
بده. پیر زن به تو چوچه‌ات را میدهد.»

سپارش: آموزگار جلد اول این صفحه را مطالعه کنید.



پشک پیش بز رفت و گفت: «بز بز، شیر
کار دارم.
شیر را به پیر زن میدهم، پیر زن پشورا
به من میدهد.»

سپارش: شاگردان بگویند که از بز، گوسفند و گاو غیر از شیر دیگر
چی چیزها به دست می‌آید.



پشک پیش درخت رفت و گفت: «درخت درخت
برگ کار دارم. برگ را به بز میدهم. بز به من شیر میدهد.
شیر را به پیرزن میدهم. پیرزن پشورا به
من میدهد.»

سپارش: شاگردان بگویند که پشک چرا پیش درخت رفت است.



پشک پیش درخت رفت و گفت: «درخت درخت
برگ کار دارم. برگ را به بز میدهم. بز به من شیر میدهد.
شیر را به پیرزن میدهم. پیرزن پشورا به
من میدهد.»

سپارش: شاگردان بگویند که درخت چی فایده دارد.



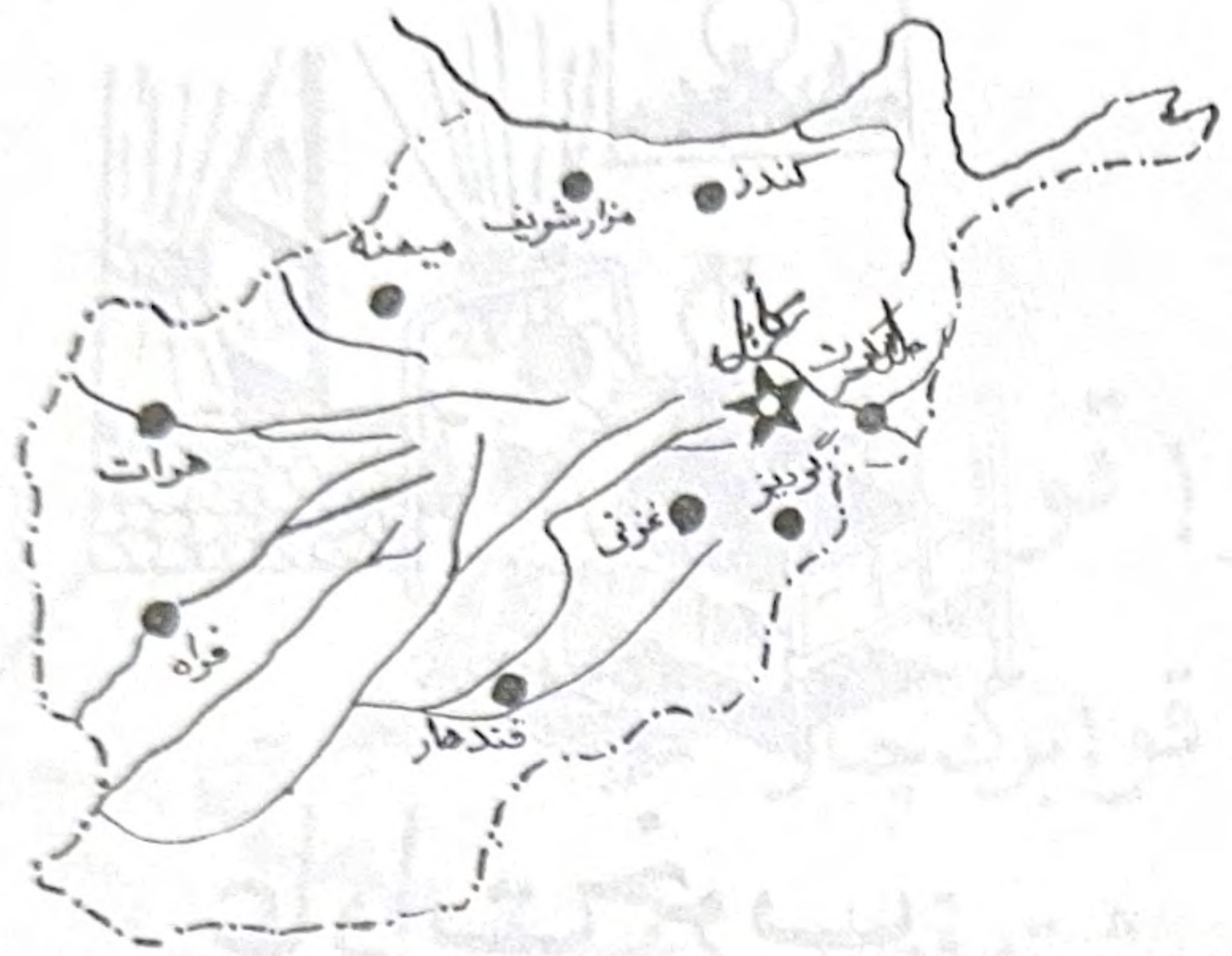
دریا گفت: «من به تو آب میدهم. آب را به
درخت بده. درخت به تو برگ میدهد. برگ
را به بز بده. بز به تو شیر میدهد. شیر
را به پیرزن بده پیرزن به تو چوچکات را
میدهد.»

سپارش: شاگردان از اعضای خانواده خود خواهرش گفتند که یک قصه حیوانات
را برای شان بگویند و شاگردان در صنف قصه گفتند.



پشک پیش دریا رفت و گفت: «دریا دریا، آب
کار دارم.
آب را به درخت میدهم. درخت به من برگ
میدهد. برگ را به بز میدهم. بز به من شیر
میدهد. شیر را به پیرزن میدهم. پیرزن
پشورا به من میدهد.»

سپارش: آموزگار سطر اول این صفحه را املا بگوید.



افغانستان

افغانستان وطن ماست . افغانستان وطن

عزیز ماست . ما از افغانستان هستیم . کل ما افغان

استیم . هر کس از افغانستان است افغان است .

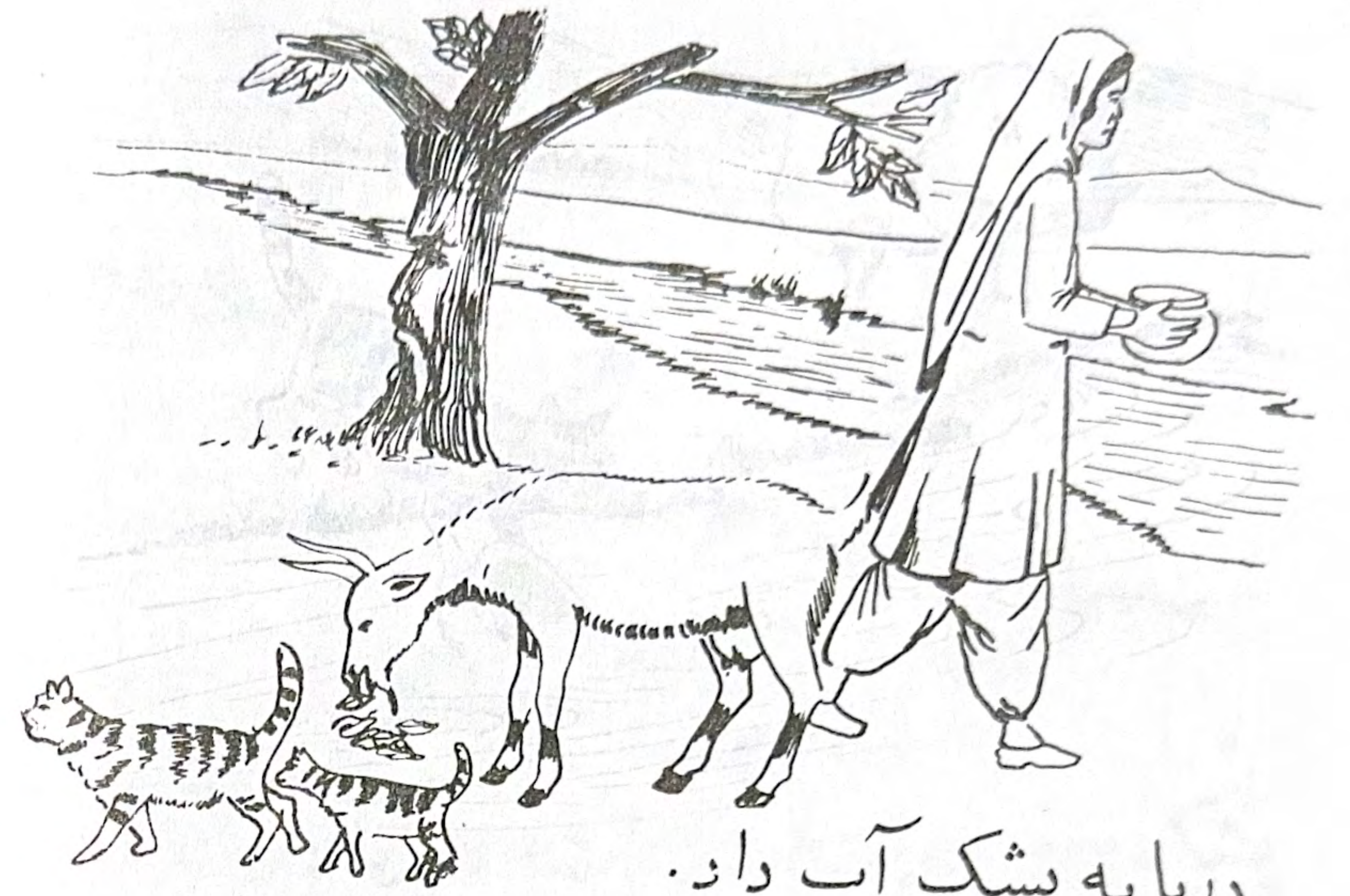
افغانستان وطن ماست . افغانستان کوههای

بلند دارد . افغانستان دریا های زیاد دارد . افغانستان

باغهای سبز دارد . در افغانستان میوه های قسما

قسم پیدا میشود .

سپارش : آموزگار یک ترانه میهنی را به شاگردان بدید که از برگرفتند .



دریا به پشک آب داد .

پشک آب را به درخت داد .

درخت به پشک برگ داد .

پشک برگ را به بز داد .

بز به پشک شیر داد .

پشک شیر را به پیرزن داد .

پیرزن به پشک چوپه اش را داد .

سپارش : شاگردان این قصه را به زبان خود بگویند .



قوا! قوا! قوا! برگ چنار

قوا! قوا! قوا! برگ چنار

دختر ایشیسته قطار

میخوره دانی انار

قوا! قوا! قوا!

کاشکی کاشکی ماهی میبدم

ده او رانی میبدم

ده مو دریای کلان

پای جانی میبدم

قوا! قوا! قوا!

کاشکی کاشکی میبدم

ده هوا پر میزدم

ریگ دریا میچندم

او زمزم میخوردم

قوا! قوا! قوا!



عادات خوب

ما مکتب، خانه و دور و پیش خانه خود را همیشه

ستره و پاک میکنیم. هوای خانه را تبدیل میکنیم،

زیرا هوای، خراب، آب و غذای ناپاک آدم را مریض

میسازد.

ما صبح وقت از خواب میخیزیم. به وقت مناسب

خواب میشویم. از بازیهای خطرناک خودداری میکنیم

و با چیزهای ناپاک و خطرناک بازی نمیکنیم.

سپارش: شاگردان این جلد را چند بار روز نویس کنند.

من همیشه به بزرگان سلام میدهم.



فکاهی

یک آدم در زیر درخت خواب بود. در این وقت
 یک چارمغز از درخت بالایش افتاد. بسیار ترسید؛
 از جای خود خیز زد و گفت: «خوب شد، که به جای
 چارمغز کدو نبود و گرنه مرا میکشت.»



نظافت و صحت

نظافت برای تندرستی انسان ضرور است. ماسر،

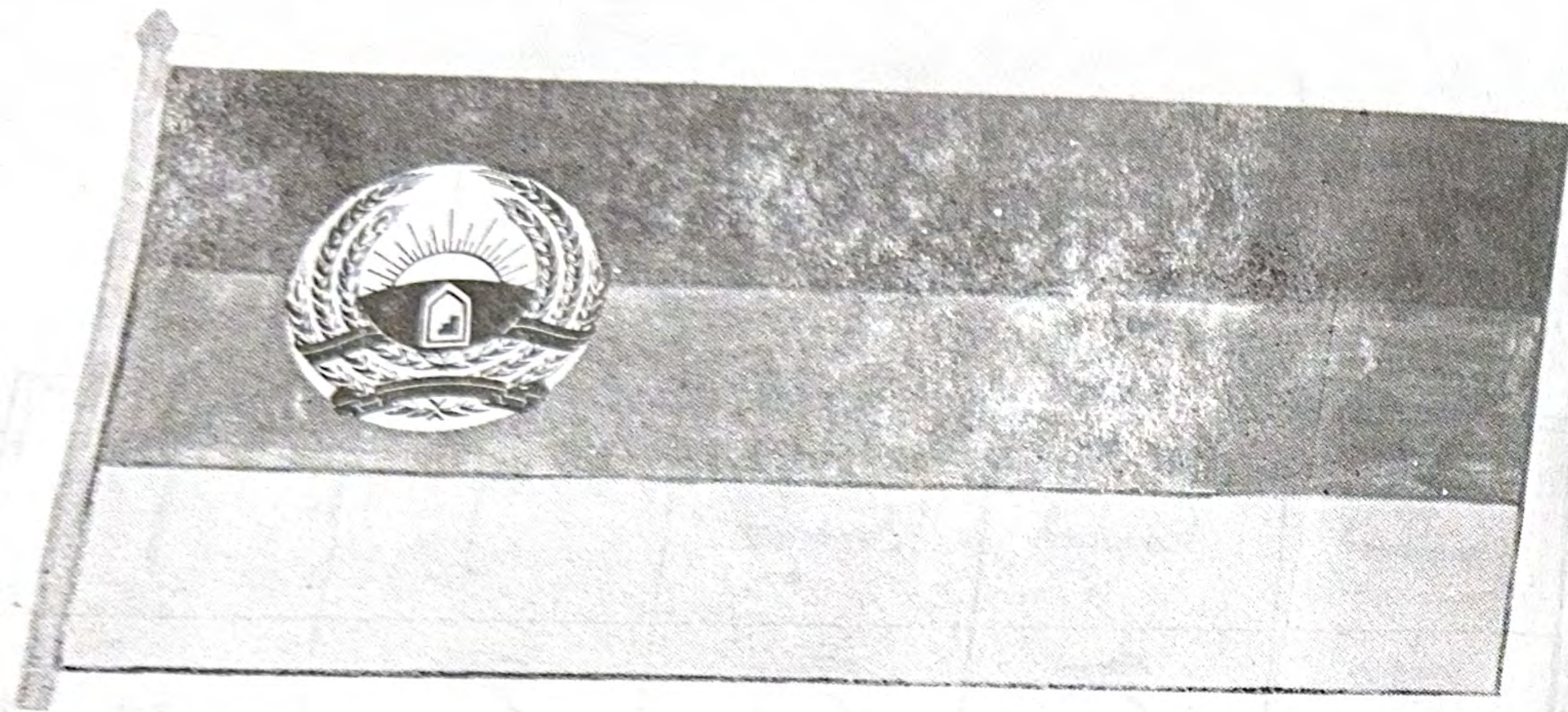
روی، دست، پای، تمام بدن و لباس خود را پاک

نگاه میکنیم. همچنان دندانهای خود را برس یا

مسواک میکنیم، تا مریض نشویم.

مادر جان ما را پیش داکتر میبرد، که واکسین شویم.

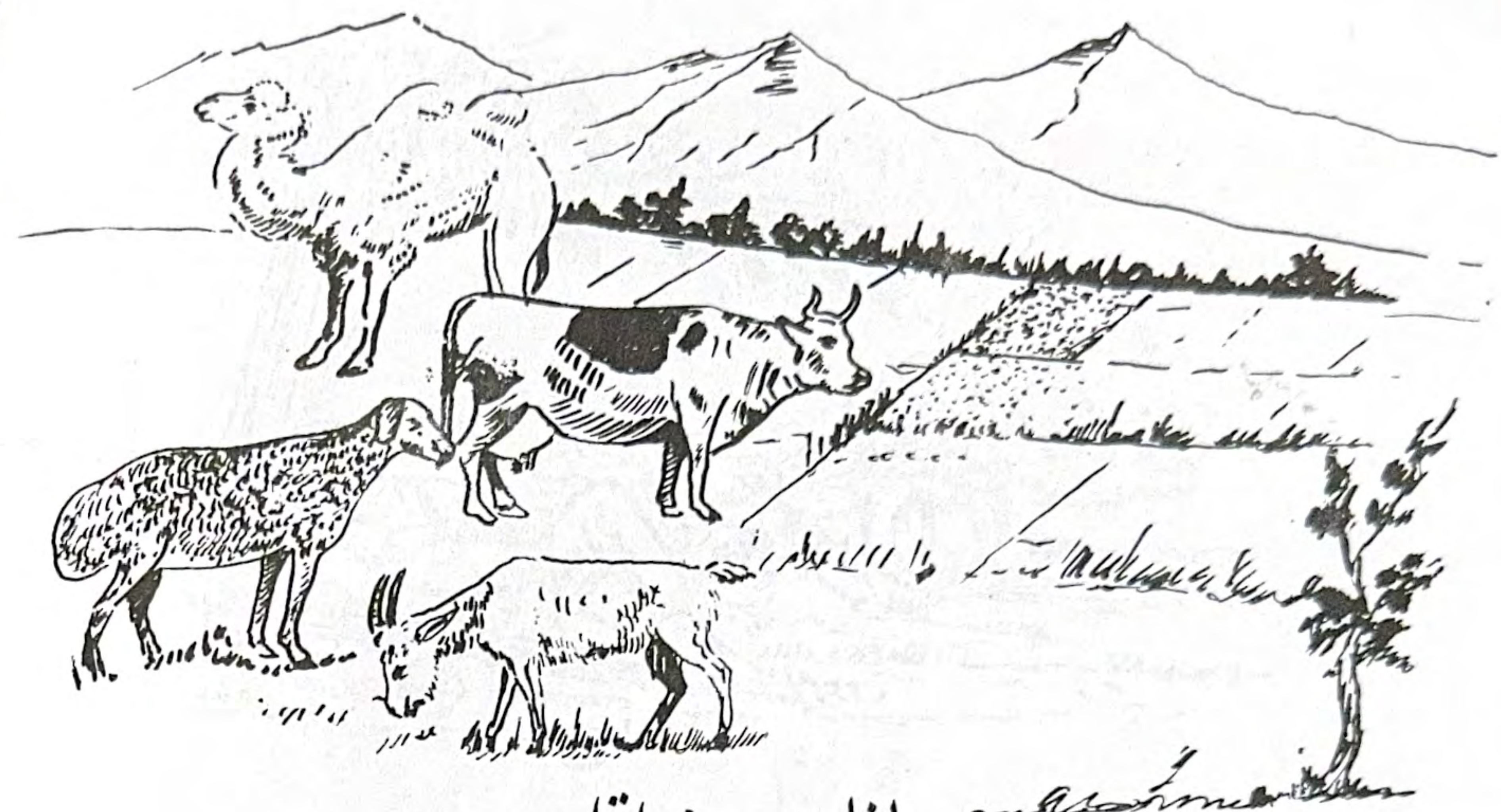
سپارش: شاگردان به کمک آموزگار بگویند، که چرا اطفال باید واکسین شوند.



بیرق ما

بیرق ما زیبا و قشنگ است. بیرق ما سه رنگ دارد. رنگهای بیرق ما سیاه، سرخ و سبز است. نشان بیرق ما محراب، منبر، آفتاب و خوشه های گندم است. بیرق ما نشان شناسایی و آزادی ماست.

درخشند و در اهتزاز باد بیرق ما!



حیوانات و نباتات

ما حیوانات و نباتات را تربیه میکنیم، زیرا خوراک، پوشاک و دیگر چیزهای ضروری ما از آنها به دست می آید. از شیر، پوست، پشم و گوشت حیوانات کار میگیریم. گندم، جواری، برنج و دیگر نباتات برای زنده گانی ما ضرور است. حیوانات و نباتات دور و پیش ما را زیبا میسازند.

چستان: برود و میرود، پشت خود را نمینند.

الفبا

ا	ب	پ	ت
ث	ج	چ	خ
د	ذ	ر	ز
س	ش	ص	ض
ظ	ع	غ	ف
ک	گ	ل	م
و	ه	ع	ی

بخرد مغازه مربوطه فروش کتاب مجازت

طبع دوم

تعداد طبع (۱۰۰۰۰۰) جلد

دوره استهلاک (۲) سال

مطبعة تعليم ترپه